

در صفحات دیگر:

- \* گزارشی از شرکت اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور در تظاهرات روز جهانی کارگر در کشورهای مختلف جهان
- \* بازتاب طرح صلح شورای ملی مقاومت در مطبوعات عربی



سال چهارم - پنجشنبه ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ - ۱۰۰۰ شماره ۵۵ (مال) (خارج) (جمهوری مآدل دو دلار)

(۵ شعبان) سالروز میلاد حضرت علی بن حسین (ع) و ۴ شعبان سالروز تولد حضرت ابوالفضل (ع) را به رهروان راستین آنها تبریک و تهنیت می گوئیم

**نمایش "مبارزه با اعتیاد"!**  
در خدمت اهداف پلید و ضد بشری خمینی در طول چهار سال سلطه اهریمنی خمینی میزان اعتیاد به مواد مخدر ۲۹ برابر افزایش یافته است!!

مسالدهی اعتیاد به مواد مخدر و افزایش فزایندهی تعداد معنادرین، واقعیت تلخی است که هم اکنون جامعهی ما با آن دست به گریبانست. واقعیتی که در عمق خود وجه دیگری از حضور و سلطه‌ی اهریمنی خمینی در میهن ما را نشان می‌دهد. به طوری که در طول ۴ سال حاکمیت بقیه در صفحه‌ی ۴

**تلگراف**  
مسئول شورای ملی مقاومت به دبیرکل ملل متحد دربارهٔ محکومیت هرگونه حمله و تیراندازی به غیر نظامیان در جنگ ایران و عراق و پشتیبانی از هیئت تحقیق ملل متحد

آقای پرزد و گوئیلا، دبیرکل ملل متحد محترم، شورای ملی مقاومت ایران از تصمیم شما مبنی بر اعزام یک هیئت تحقیقاتی به منظور بررسی تلفات و خسارات وارد بر غیر نظامیان در جنگ ایران و عراق، پشتیبانی و استقبال می‌کند. شورای ملی مقاومت که از این پیش‌تر نیز پیوسته هرگونه آزار غیر نظامیان و تیراندازی و حمله و استفادهاز بقیه در صفحه‌ی ۲۴

سر مقاله  
**دو چهرهٔ ماورای ارتجاعی خمینی**

نقش شخص خمینی اینست که با اعمال "ولایت" بین جناح‌های مختلف تقسیم‌کار نموده و تعادل برقرار نماید. باین معنی که در امور اقتصادی و اجتماعی و کلیه‌ی مبادلات و معاملات و چپاول‌های نجومی، دست‌تماییل محافظه‌کار و وابسته را با زمی گذارد و از طریق ارگان‌هایی مانند شورای نگهبان، طرف‌انهارا می‌گیرد و طبق خواست آنها پیش می‌رود، اما در صحنه‌ی سیاسی و بویژه در شکنجه و سرکوب و اعدام - به ضرب فتوا هم که شده - تمام عیار، فاشیسم ضد بشری و تمایل خلص "خط امام" را تقویت می‌کند. چنین است که در قالب کلیت نظام، تمایلات مختلف در شخص خمینی به یکدیگر گره می‌خورند و همگام می‌شوند و یا به قول خودشان در مقام ولایت به وحدت!! می‌رسند. و این همانا دو چهره‌ی ماوراء ارتجاعی خمینی در زمینه‌ی اقتصادی - اجتماعی و در صحنه‌ی سیاسی است.

در صفحه‌ی ۲

\* فرماندهٔ عملیات جنگل سپاه ضد خلقی گردکوی بدست رزمندگان مجاهد خلق به هلاکت رسید \* اعدام انقلابی یکی از عوامل اختناق و سرکوب رژیم خمینی در شهر لنگرود در صفحه‌ی ۲۷

\* گرامی باد خاطرۀ مجاهد قهرمان شهید حمید جلال زاده \* به یاد مجاهد شهید زکیه محدث (جلال زاده) در صفحه‌ی ۱۱

**شیوه‌های ابداعی رژیم خمینی برای چپاول هرچه بیشتر مردم**  
رژیم خمینی حتی شعائر مذهبی مردم را به ممتزی برای غارت آنها تبدیل کرده است!!  
\* مناسک حج راه جدیدی برای اخاذی از مردم!!  
\* اعزام زنان به سوریه بهانهٔ دیگری برای سرکسسه کردن مردم \* پرداخت اجباری ۴۵۰۰ تومان بخاطر داشتن تلفن!!  
\* ۱۴۰ درصد افزایش نرخ فروش ارز تحت عنوان عوارض در صفحه‌ی ۵

**آموزش ویژه هسته‌های مقاومت مسلحانه (۱۰)**  
**وظایف نیروها در شرایط قطع ارتباط**  
در جریان نبرد کنونی با دشمن بسیار طبیعی است که به دلایل مختلف گاهی اوقات ارتباط رزمندگان واحدهای عملیاتی، اعضای هسته‌های مقاومت و دیگر افراد، با تشکیلات و با یکدیگر در صحنه‌ی نبرد قطع شود. بقیه در صفحه‌ی ۶

**حمله و هجوم مردم به مقر بسیج ضد خلقی کلارک کرج**  
\* مردم در اعتراض به تصاحب زمین‌هایشان توسط بسیج ضد خلقی با سنگ و چوب در و پنجره‌ی مقر مزدوران را درهم شکستند. از مدتها قبل مزدوران بسیج ضد خلقی خمینی در کلارک کرج، مقدار زیادی از زمین‌های مردم را تحت عنوان پادگان به اشغال خود درآورده بودند، آنهم در شرایطی که مردم محروم منطقه حتی زمین برای ساختن خانه در اختیار ندارند. از همان آغاز مردم با این اقدام بقیه در صفحه‌ی ۹



# دو چهرهٔ ماورای ارتجاعی خمینی

تاکنون راجع به جناح‌بندی‌های داخلی رژیم خمینی، بسیار شنیده و خوانده‌ایم. این موضوع، پیوسته و با هر تحولی که در صحنه‌ی سیاسی کشور پیش می‌آید، به ترتیبی مجدداً در اذهان نیروهای مختلف سیاسی، مدنظر قرار می‌گیرد و توجهات ناظران سیاسی در خارج از ایران را برمی‌انگیزد. در این میان چه بسا فرضیه‌های شبه‌انگیزی نیز پیدا می‌شوند که ممکن است نیروهای را مدت‌ها بخود مشغول نموده و حتی باعث گمراهی برخی نیز بشوند. در گذشته نیز به‌یاد داریم که نظریه‌ی مربوط به جناح‌بندی معروف "لیبرال - مرتجع" که بزعم نقطه‌نظر انحرافی برخی نیروها می‌باید مرتجعین بر علیه لیبرال‌ها تقویت می‌شدند، چه "فتنه" ای برانگیخت و ضمن تلاشی کردن برخی از سازمان‌ها و گروه‌ها، مدت مدیدی نیز موجبات خیر! و برکت! برای رژیم ضدبشری خمینی را فراهم آورد. اکنون نیز در بسیاری از نوشته‌ها و گفتارها و تفسیرهای سیاسی، صحبت از جناح‌بندی‌های داخلی رژیم خمینی است و گاه به تضاد بین این جناح‌ها آنچنان پر بها داده می‌شود که در قدم‌های بعدی، خود بخود به بیرون آمدن فرضیه‌ی بازسازی یا رفرم‌پذیری رژیم خمینی منجر می‌گردد و طبق معمول برای اثبات چنین فرضیه‌هایی مقادیر معتدایی نمونه و فاکت نیز به آن الصاق می‌شود...

البته اختلاف و تضاد و جناح‌بندی در داخل رژیم صدپاره‌ی خمینی، یک واقعیت انکارناپذیر و دائماً افزاینده است. اما این واقعیت را در چارچوب‌های مختلف می‌توان تحلیل نموده و به نتایج مختلفی نیز دست یافت و در همین رابطه است که فی‌المثل نظریه‌ی بازسازی یا نوسازی و خلاصه "اصلاح" و رفرم‌پذیری رژیم خمینی، متولد می‌شود. ما در آینده درباره‌ی منشاء و ماهیت و سرمنزل نهائی اینگونه نظریه‌ها بیشتر بحث خواهیم نمود.

طبعاً نیازی به تذکر ندارد که از نظر مجاهدین خلق ایران، رژیم خمینی نه‌امکان رفرم دارد و نه‌امکان بقا. یعنی دردهای او بی‌درمان است و ضمناً هیچ چاره و آلترناتیوی نیز در داخل خودش ندارد و اگر هم داشت از فردای ۳۰ خرداد به بعد و بویژه پس از آغاز مقاومت انقلابی سراسری و پس از جهنمی شدن آیت‌الله مظلوم! بهشتی، مطلقاً سوخت و از بین رفت. به نحویکه هرگونه دست‌یازیدن به چنین اقداماتی جز آنکه سقوط رژیم را تسریع کند، فایده‌ای ندارد. گویاترین مثال نیز همانا مانور باصطلاح رفرمیستی موسوم به "فرمان ۸ ماده‌ای" خمینی بود که اکنون تقریباً نزدیک به شش ماه از آن می‌گذرد و در این میان صحت پیش‌بینی قاطعانه و انقلابی مجاهدین خلق ایران (که پیشاپیش در گزارش سالیانه‌ی مسئول اول سازمان عنوان شده بود) به اثبات رسیده است.

اما در این سرمقاله ما بطور مشخص به دنبال ارزیابی موضع شخص خمینی در رابطه با جناح‌بندی‌های داخلی رژیم هستیم. درک نقش شخصی او - مبتابده‌ی سرپوش اصلی تضادهای درون رژیمش و کسی که بایستی بطور روزمره بین جناح‌های مختلف تعادل برقرار کند - از این نظر حائز اهمیت است که در قدم‌های بعد به نتایج نظری و عملی مهمی رهنمون می‌گردد. فی‌المثل اگر شخص او طرفدار رفرم باشد - یا بعبارت دقیق‌تر امکان بقا حکومتش را با دست‌زدن به یکسری اصلاحات سیاسی و اجتماعی میسرتر ببیند - مسلماً در قدم‌های

بعدی، تعادل کلی رژیمش را به جانب سنگین نمودن کفه‌ی جناح محافظه‌گاران سنتی، و سرمایه‌داری وابسته تجاری تنظیم خواهد نمود و به عناصر و جریاناتی که با تجویز مسکن‌های شبه‌لیبرالی، دوام رژیم را ممکن‌تر می‌پندارند، بیشتر میدان خواهد داد.

ضمناً روشن است که وقتی می‌گوئیم رژیم خمینی، منظورمان دیکتاتوری فوق ارتجاعی موسوم به ولایت فقیه است که چنانچه در زمینه‌ی سیاسی، پایه‌ی آن - یعنی ولایت سفیانی شخص خمینی در حال حاضر - واژگون شود و هسته‌ی مرکزی آن که همانا سلطنت بلاقید و شرط جانور درنده‌ای موسوم به فقیه! می‌باشد، از تخت قدرت به زیر گشیده شود، پس از آن دیگر سنگ روی سنگ در چنین رژیمی بند نخواهد شد و همه چیز فرو خواهد پاشید.

حال با این توضیحات، بدیهی است که در اثر ضربات مقاومت انقلابی و در اثر بحران‌های عمیق اجتماعی و اقتصادی و در اثر ادامه‌ی جنگ و در اثر ...، سر تا پای رژیم فاسد خمینی، مملو از تضادها و جنگ جناح‌های مختلف باشد که تماماً به تجزیه و انحلال نهائی رژیم راه می‌برد. جناح‌هایی که دائماً در حال فروپاشی و شکل‌گیری مجدد و فروپاشی مجدد ... و تکرار گاهنده‌ی همین دور هستند.

مثلاً در رابطه با انجمن ضدبهای (حجتیه)، تاکنون چند شاخه و جناح کوچکتر تشکیل شده است. عده‌ای در حزب جمهوری تحلیل رفته‌اند، عده‌ای تحت عنوان "عبادی‌الصالحین" گرد هم آمده‌اند و برخی دیگر با فالانژهای مجاهدین بعد از انقلاب باصطلاح اسلامی، نزدیک شده‌اند که اینها نیز خود چند شقه شده و هر یک حلقه‌ات جدیدی را به سردمداری امثال بهزاد نبوی و یا توکلی، فدائیان اسلام و امثالهم تشکیل داده‌اند. طی ماه‌های گذشته نیز دیدیم که سردمدارانی همچون رفسنجانی و آذری قمی در موارد مختلف به هم پریدند و یا مثلاً نماینده‌ی فریمان، اخیراً خواستار پیگیری گشته شدن رجائی و باهنر شده و تلویحاً به محاکمه کشیدن دست‌اندرکاران کارهای اجرائی (منظور مخصوصاً بهزاد نبوی است) را خواستار شد و حتی نمایندگان خمینی در بعضی مناطق مانند خوزستان را آشکارا در مجلس به داشتن سوابق ضدانقلابی متهم نمود. داستان جناح‌بندی‌ها و اختلافات داخلی حزب مرحوم! جمهوری و منجمله تضادهای مابین رفسنجانی و خامنه‌ای نیز تفصیلاً خاص خود را دارد که بالاخره طی نشست‌های خصوصی متعدد به این نتیجه رسیدند که گویا با برگزاری چیزی بنام کنگره می‌توان آن را به ترتیبی سرهم بندی نمود. دعوای مسخره و تکراری بین مجلس و شورای نگهبان نیز که شهره‌ی خاص و عام است و احتیاج به بیان ندارد.

اما در میان این مجموعه تضادها که تماماً گواه بحران‌های روزافزون در داخل حاکمیت است؛ در آخرین تحلیل، دو تمایل عمده را به ترتیب زیر می‌توان مشخص نمود که البته از هیچ انسجام و وحدت تشکیلاتی برخوردار نبوده و مسائلشان اساساً بطور روزمره بایستی در بالاترین سطح توسط خود خمینی "راست و ریس" شود:

۱ - تمایل مسلط موسوم به "خط امام!" که در هسته‌ی اصلی خود تمایلات خرده‌بورژوازی ارتجاعی مادون سرمایه‌داری را نمایندگی می‌کند و بارزترین مشخصه‌ی سیاسی آن سرکوب مطلق فاشیستی در

وحشیانه‌ترین صور ضدبشری ممکن است. این جریان به خاطر عقب‌ماندگی مادون سرمایه‌داری خود در گذشته ناگزیر شد برای اینکه توسط نیروهای انقلابی از میدان بیرون رانده نشود، به طور مبتذل و صوری شکلک‌های انقلابی، مستضعف‌گرایانه و ضدامپریالیست‌نمایانه به خود بگیرد و در این رابطه امکان مانور پیدا نموده و الحق! از تغذیه شدن ایدئولوژیکی - سیاسی توسط حزب توده نیز بهره‌های وافر برد. تغذیه‌ی مزبور همچنین به این جریان امکان می‌داد تا در برابر جریانات تماماً وابسته‌ی سرمایه‌داری به جدال ایدئولوژیک نیز برخیزد و از پذیرش یوغ رهبری آنان نیز طفره رود. جنگ‌طلبی و صدور باصطلاح انقلاب در خارج از مرزهای ایران؛ مضافاً بر سرکوب نیروهای انقلابی در داخل کشور در وحشیانه‌ترین اشکال و گسترده‌ترین ابعاد ممکن، از دیگر محرکات و خصایص اصلی این جریان بوده است که بدون آن سریعاً از دینامیزم ضدانقلابی خود تهی شده و در طوفان انقلاب ایران محو و نابود می‌گشت و ناگزیر بایستی جای خود را به یک حاکمیت ملی و مردمی می‌داد که توانائی استقرار دمکراسی و هدایت ایران در مسیر ترقی و توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی را داشته باشد.

ضمناً بدیهی است که این تمایل در کلیه‌ی چپ‌اول‌های اقتصادی تمایل بعدی (که ذیلاً توضیح خواهیم داد) نیز سهم ویژه‌ی خود را دارد؛ چراکه اصولاً مرزبندی‌های عبورناپذیری میان تمایلات مختلف در رژیم خمینی وجود ندارد.

۲ - تمایل پراکنده اما گسترده‌ای از سرمایه‌داری تجاری وابسته، دست در دست متحدان تاریخی همچون آخوندها و مراجع عصر فئودالی و عناصر و جریانات شبه لیبرال که در عین اینکه پیوسته و در همه جا شریک جرم ولایت فقیه بوده و می‌باشند، اما از آغاز نیز یوغ رهبری اسلام باصطلاح فقهاتی خرده‌بورژوازی سنتی (مادون سرمایه‌داری) بر آنان گران افتاده بود. یک چنین ائتلافات گسترده‌ی نامرئی و گاه خودبخودی طبعاً با غرائز طبقاتی و منفعت‌طلبانه‌ی خودبخودی، درک می‌نمود که اقدامات حاد جناح اول در زمینه‌های مختلف نهایتاً جز آنکه جریان تحول قهرآمیز اجتماعی را تشدید و تسریع نموده و در این درجه از تکامل انقلاب و نیروهای انقلابی ایران، هرچه زودتر به عمر کل نظام خاتمه دهد، فایده‌ای ندارد. محافظه‌گاران سنت‌گرا در هسته‌ی مرکزی این جریان که هنوز نیز مرزبندی‌ها و شکل نهائی خود را پیدا نکرده، قرار دارند. جریانی که از یکسو همزاد طبیعی "خط امام" بشمار رفته و از سوی دیگر کمال مطلوبش اینست که در فرصت مناسب از شر "امام" و خط و خطوط او رهائی یافته و رهبری بلامنازع را از چنگ حریف برباید و بعد هم همه‌ی گاسه و کوزه‌ها را بر سر "قبرامام"؛ فرو بشکند، زیرا که به خاطر ماهیت سازشکار و سست‌بنیاد خود، امید چندانی ندارد که بتواند در زندگی خمینی چندان کاری از پیش ببرد. مگر اینکه باین نتیجه برسد که سرکوبگری خمینی، همه‌ی راه‌ها را برای او (برای همین جریان) هموار نموده و انقلاب ایران را کاملاً ذبح کرده است و رقیب دیگری در کار نیست که در این صورت بزعم این جریان همینکه چراغ سبز اجانب از آنسوی دریاها دریافت شود، می‌توان به فراخور حال، سر و گوش جنبانند و لااقل شانس‌هایی را برای آینده زنده نگاه

بقیه در صفحه ۲۷

## مرگ بر خمینی، شعار محوری مرحله کنونی

### مبارزه انقلابی مسلحانه، تاکتیک محوری مرحله کنونی



# نامه برادر مجاهد مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت به رئیس کمیته اجتماعی شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل متحد

## توضیح:

به مناسبت تشکیل اجلاس شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل متحد، برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت نامه‌ای خطاب به آقای "لباکی" رئیس لبنانی این اجلاس ارسال نمود. این نامه در سطح همی نمایندگان این اجلاس نیز توزیع گردید.

لازم به توضیح است که شورای اقتصادی - اجتماعی ملل متحد یکی از ۴ رکن اصلی سازمان ملل متحد است که سه رکن دیگر آن عبارتند از: مجمع عمومی، شورای امنیت و شورای قیمومیت.

شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل که بر مبنای بخش ۱۰ منشور ملل متحد پایه‌ریزی شده، دارای ۱۸ عضو است که به مدت سه سال توسط مجمع عمومی انتخاب شده و هر سال یک‌سوم اعضا آن تجدید انتخاب می‌شوند. ضمناً ۵ کشور عضو ثابت شورای امنیت نیز اعضاء دائمی

این شورا هستند.

از سوی دیگر ۱۱ کمیسیون مشورتی نیز با این شورا همکاری می‌کنند که کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل از آنجمله است.

این شورا براساس ماده ۵۵ خود سه فعالیت عمده دارد:

- ۱- ایجاد شرایط صلح و آرامش بر مبنای تساوی ملت‌ها برای دستیابی به تکامل اقتصادی.
- ۲- حل مسائل و اختلاف‌های بین‌المللی در زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی
- ۳- ایجاد تضمین احترام واقعی و عملی به حقوق بشر در سراسر جهان.

از جمله اقدامات چشمگیری که شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل تاکنون انجام داده، فراهم کردن موجبات تصویب اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر به وسیله مجمع عمومی سازمان ملل (در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸) بوده است.

فراتر نهاده و حتی اعلام نمودند که نمایندگان دبیرکل می‌توانند از زندان‌های ایران نیز بازدید کنند. اما نمایندگان رژیم به هنگامی که تلاش‌های خود را برای جلوگیری از تصویب قطعنامه بی‌ثمر دیدند، در شب ۷ مارس ۱۹۸۳ رسماً اعلام کردند که "دعوت دولتشان را پس می‌گیرند".

به این ترتیب رژیم خمینی یکبار دیگر اثبات نمود که برای قوانین، تعهدات و وعده‌های داخلی و بین‌المللی خویش به هیچ وجه کمترین احترامی قائل نبوده و این روش را در آینده نیز ادامه خواهد داد. براستی وقتی که رژیمی جز از راه سرکوب گسترده‌ی مردم و ادامه‌ی جنگی ویرانگر - که خمینی آن را علناً "عطیه‌ی آسمانی" نامیده - زندگی نمی‌کند، آیا چنین اعمالی از جانب وی طبیعی نیست؟ به همین دلیل پس از اجلاس کمیسیون نیز نقض حقوق بشر در ایران، با همان آهنگ قبلی (و حتی بیشتر)، ادامه داشته و دارد که در زیر نمونه‌هایی از آن را ذکر می‌کنم:

### ۱- زندان و شکنجه

دستگیری روزافزون مخالفین رژیم در ایران - حتی به جرم داشتن عقیده‌ی مخالف و یا هواداری از مخالفین - همچنان ادامه دارد و اکنون رقم زندانیان سیاسی از مرز ۶۰۰۰۰ نیز گذشته است. علاوه بر این شکنجه‌ی سیستماتیک زندانیان سیاسی برای تفتیش عقاید و همچنین وادار نمودن به "توبه" و اعتراف نه تنها کاهش نیافته بلکه با شیوه‌های وحشیانه‌تر و ابعاد گسترده‌تر افزایش یافته است. پاهای متلاشی شده‌ی آقای حسین دادخواه (که به جرم هواداری از مجاهدین خلق دستگیر شده بود) نمونه‌ی زنده‌ای از ادامه‌ی شکنجه‌های وحشتناک در زندان - های ایران است. وی که موفق شده از زندان اوین تهران بگریزد، پس از خروج از کشور به کمک کمیسیاریای عالی

گزارش دبیرکل از استمرار و ادامه‌ی نقض شدید حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در جمهوری اسلامی ایران، بویژه آنچه را درباره‌ی اعدام‌های بدوی و خودسرانه، شکنجه، دستگیری - های غیرقانونی، عدم تحمل آزادی‌های مذهبی؛ در گزارش ذکر شد، ابراز کمال اضطراب نموده و با در نظر گرفتن اینکه دولت "جمهوری اسلامی ایران" عضویت میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی را پذیرفته، یکبار دیگر مصرأ از وی تقاضا می‌کند که استفاده از حقوق مشروحه در آن را برای همه‌ی افراد در مملکت و کسانی که تحت صلاحیت قضائی او می‌باشند احترام گذاشته و ضمانت نماید".

در پایان همین قطعنامه او تقاضا می‌کند که تماس‌های مستقیم خود را با حکومت ایران در مورد "نقض بسیار شدید حقوق بشر در این کشور حفظ نماید" تا بتواند گزارشی در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران را به اجلاس آینده ارائه کند.

در این مورد اخیر لازم است خاطرنشان نمایم که قبل از آغاز سی و نهمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر طی نامه‌ی مورخ ۱۹۸۲/۱/۲۸ خود، خطاب

آقای رئیس، محترماً به عنوان مسئول شورای ملی مقاومت ایران که آلترناتیو دمکراتیک و مردمی برای رژیم ضدبشری خمینی را نمایندگی می‌کند؛ به مناسبت تشکیل جلسات "شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل"، گوشه‌ای از آخرین موارد نقض حقوق بشر در ایران را به آگاهی می‌رسانم.

همانطور که مطلعید بدنال قطعنامه‌ی شماره‌ی: ۳۵/۱۹۸۲ مورخ ۷ مه ۱۹۸۲ شورای اقتصادی و اجتماعی، گزارشات آقای پرزدوگوئلار دبیرکل سازمان ملل متحد (۱۹۸۳/۱۹) / E/CN.۴ مورخ ۲۲ فوریه ۱۹۸۳) و آقای S. AMOS WAKO گزارشگر مخصوص (۱۹۸۳/۱۶) / E/CN.۴ مورخ ۳۱ ژانویه ۱۹۸۳) به سی و نهمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد تقدیم شد.

این گزارشات به روشنی بر نقض حقوق و آزادی‌های اولیه در ایران تاکید داشت. علاوه بر آن، اجلاس در قطعنامه‌ی مورخ ۸ مارس خود ( E/CN.۴/۱۹۸۳/۱.۱۰ Add.۳ یا (E/CN.۴/۱۹۸۳/۱.V/R Rev.۱) صراحت موارد نقض حقوق بشر در ایران را به شرح زیر برشمرده است:

"کمیسیون با توجه به

**برای تحقق صلح و آزادی همهٔ سلاح‌ها را بجانب رژیم ضدبشری خمینی نشانه رویم!**



# نمایش "مبارزه با اعتیاد" در خدمت اهداف پلید و ضد بشری خمینی

\* رژیم خمینی در طرح مسائلی چون "مبارزه با اعتیاد" و بکارگیری شیوه‌های قرون وسطائی سرکوب و بعد هم براه انداختن تبلیغات گسترده و دامن زدن هر چه بیشتر به آن، در پی آنست که از یک طرف بحران‌های فزاینده اقتصادی و اجتماعی گریبانگیرش را تحت‌الشعاع چنین مسائلی قرار دهد و از طرف دیگر با به نمایش گذاشتن شیوه‌های سرکوبگرانه‌اش فضای رعب و وحشت را بیشتر حاکم گرداند.

بقیه از صفحه اول

ریختن خونشان را مباح شمرد و در همانجا حکم اعدام و یا قطع دست را مجازات آن‌ها دانست و سپس به شیوهی ضربتی براه - انداختن محاکم سیار خیابانی متوسل شد و اعلام نمود که این محاکم از فردا کارشان را آغاز خواهند کرد. (مصاحبهی موسوی اردبیلی با خبرگزاری خمینی مندرج در کیهان و اطلاعات ۲۳/ فروردین/۶۱) محاکمی که اساس کارشان دستگیری، محاکمه‌ی خیابانی، شلاق زدن در ملاء عام و تحویل دادن متهمان به زندان و به تبعیدگاه‌هایی چون شورآباد قم را تشکیل می‌داد. بلافاصله پس از دستور این عنصر خائن و اعلام شورای عالی قضائی رژیم خمینی، از روز بیست و چهارم فروردین، محاکم سیار، مرکب از یک آخوند و چند پاسدار در مناطق جنوبی شهر براه افتادند و هر جا که معنادی می‌یافتند، در عرض چند دقیقه او را محاکمه نموده و سپس به تخت شلاق می‌بستند. و بعد هم اخبار این "شاه" کارهای خود را به طور روزانه در رسانه‌های خبری منعکس می‌نمودند. روزنامه‌های بیست و چهارم فروردین ماه اعلام کردند که: " در اولین روز فعالیت دادگاه‌های سیار مبارزه با مواد مخدر که به دستور آیت‌الله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور تشکیل شده است سه واحد دادگاه سیار در خیابان جمشید رباط کریم و جوادیه استقرار یافته و پس از محاکمه‌ی معتادین ولگرد جمع‌آوری شده آن‌ها را به ۱۵ الی ۷۵ ضربه شلاق محکوم کرد."

روزنامه‌های رژیم در بیست و پنجم فروردین ماه نیز نوشتند: " ۵۰ معتاد پس از تعزیر، به شورآباد قم منتقل شدند." و روزنامه‌ی کیهان بیست و هشتم فروردین ماه اعلام کرد: " پاسداران کمیته‌ی منطقه‌ی ۱۳ تهران موفق شدند طی سه روز گذشته بیش از ۲۵۰ نفر از معتادین ولگرد را از مناطق مختلف گود عرب‌ها، باغ آذری، خزانه بخارائی، یاخچی آباد، ترمینال جنوب و خانجی آباد نو و دیگر نقاط

ننگین خمینی و دارودسته‌ی جنایتکارش سرعت رشد اعتیاد به مواد مخدر به قدری زیاد بوده است که تعداد معتادین به ۲۹ برابر افزایش یافته و به اعتراف خود رژیم هم‌اکنون بیش از یک میلیون نفر گرفتار این معضل خانمان برانداز اجتماعی هستند. در اینجا ما به اختصار به بررسی اقدامات و عملکردهای عمیقاً ارتجاعی و تبلیغاتی موهن و عوام‌فریبانه‌ای که اخیراً رژیم دجال خمینی در باب به اصطلاح "مبارزه با مواد مخدر" و با مظاهر فساد! براه انداخته است می‌پردازیم تا روشن شود که خمینی از براه - انداختن نمایش مسخره‌ی "مبارزه با فساد" در شرایط کنونی چه اهداف پلید و ضد بشری‌ای را دنبال می‌کند؟ در حالی که خود او و سیاست‌های ضد خلقی‌اش عامل اساسی رواج و گسترش فساد در جامعه‌ی ما بوده‌اند.

بیش از ۲ ماه پیش رژیم دجال خمینی موجی از تبلیغات تحت عنوان "مبارزه با اعتیاد و مواد مخدر" براه انداخت تا به خیال خود با اعمال شیوه‌های قرون وسطائی و ضد بشری‌اش به ریشه‌کن کردن آن بپردازد! در ماه‌های آخر سال گذشته اخباری از دستگیری، حبس و اعدام تعدادی به جرم اعتیاد به مواد مخدر در روزنامه‌های رژیم انتشار یافت. سپس در اواخر اسفندماه گزارشی حول این مساله در ارگان‌های رسمی رژیم به چاپ رسید. تا این که در تاریخ بیست و دوم فروردین ماه امسال ستاد مرکزی مبارزه با مواد مخدر رژیم خمینی اعلام کرد که نزدیک به ۱۸ هزار نفر را به جرم اعتیاد و قاچاق مواد مخدر طی سال گذشته دستگیر، زندانی و یا اعدام نموده است. یک روز پس از انتشار این خبر، موسوی اردبیلی جنایتکار به میدان آمد و طی مصاحبه‌ای اوج برخورد ارتجاعی رژیم را با این معضل اجتماعی به نمایش گذاشت. او با قاحت تمام کلیه‌ی معتادین را مفسد فی‌الارض خواند و

**کیمیا** صفحه ۱۸  
شنبه ۲۴ فروردین ۱۳۴۲  
۲۸ جمادی الثانی ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۱

**کیمیا** صفحه ۱۹  
شنبه ۲۴ فروردین ۱۳۴۲  
۲۸ جمادی الثانی ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۱

**کیمیا** صفحه ۲۹  
چهارشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۴۲  
۲۹ جمادی الثانی ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۴

**کیمیا** صفحه ۳۰  
پنجشنبه ۲۵ فروردین ۱۳۴۲  
۳۰ جمادی الثانی ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۴

**کیمیا** صفحه ۳۱  
شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۴۲  
۳۱ جمادی الثانی ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۳۲  
یکشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۴۲  
۱ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۳۳  
دو شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۴۲  
۲ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۳۴  
سه شنبه ۲۹ فروردین ۱۳۴۲  
۳ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۳۵  
چهارشنبه ۳۰ فروردین ۱۳۴۲  
۴ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۳۶  
پنجشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۴۲  
۵ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۳۷  
شنبه ۱ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۶ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۳۸  
یکشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۷ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۳۹  
دو شنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۸ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۴۰  
سه شنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۹ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۴۱  
چهارشنبه ۵ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۱۰ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۴۲  
پنجشنبه ۶ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۱۱ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۴۳  
شنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۱۲ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۴۴  
یکشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۱۳ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۴۵  
دو شنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۱۴ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۴۶  
سه شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۱۵ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۴۷  
چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۱۶ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۴۸  
پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۱۷ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۴۹  
شنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۱۸ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۵۰  
یکشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۱۹ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۵۱  
دو شنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۲۰ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۵۲  
سه شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۲۱ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۵۳  
چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۲۲ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۵۴  
پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۲۳ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۵۵  
شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۲۴ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۵۶  
یکشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۲۵ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۵۷  
دو شنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۲۶ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۵۸  
سه شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۲۷ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۵۹  
چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۲۸ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۶۰  
پنجشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۲۹ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۶۱  
شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۳۰ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۶۲  
یکشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۳۱ رجب ۱۴۰۳ - شماره ۱۱۸۴۵

**کیمیا** صفحه ۶۳  
دو شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۱ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۶۴  
سه شنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۲ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۶۵  
چهارشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۳ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۶۶  
پنجشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۴ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۶۷  
شنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۴۲  
۵ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۶۸  
یکشنبه ۱ فروردین ۱۳۴۳  
۶ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۶۹  
دو شنبه ۲ فروردین ۱۳۴۳  
۷ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۷۰  
سه شنبه ۳ فروردین ۱۳۴۳  
۸ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۷۱  
چهارشنبه ۴ فروردین ۱۳۴۳  
۹ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۷۲  
پنجشنبه ۵ فروردین ۱۳۴۳  
۱۰ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۷۳  
شنبه ۶ فروردین ۱۳۴۳  
۱۱ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۷۴  
یکشنبه ۷ فروردین ۱۳۴۳  
۱۲ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۷۵  
دو شنبه ۸ فروردین ۱۳۴۳  
۱۳ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۷۶  
سه شنبه ۹ فروردین ۱۳۴۳  
۱۴ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۷۷  
چهارشنبه ۱۰ فروردین ۱۳۴۳  
۱۵ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۷۸  
پنجشنبه ۱۱ فروردین ۱۳۴۳  
۱۶ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۷۹  
شنبه ۱۲ فروردین ۱۳۴۳  
۱۷ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۸۰  
یکشنبه ۱۳ فروردین ۱۳۴۳  
۱۸ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۸۱  
دو شنبه ۱۴ فروردین ۱۳۴۳  
۱۹ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۸۲  
سه شنبه ۱۵ فروردین ۱۳۴۳  
۲۰ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۸۳  
چهارشنبه ۱۶ فروردین ۱۳۴۳  
۲۱ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۸۴  
پنجشنبه ۱۷ فروردین ۱۳۴۳  
۲۲ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۸۵  
شنبه ۱۸ فروردین ۱۳۴۳  
۲۳ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۸۶  
یکشنبه ۱۹ فروردین ۱۳۴۳  
۲۴ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۸۷  
دو شنبه ۲۰ فروردین ۱۳۴۳  
۲۵ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۸۸  
سه شنبه ۲۱ فروردین ۱۳۴۳  
۲۶ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۸۹  
چهارشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۴۳  
۲۷ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۹۰  
پنجشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۴۳  
۲۸ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۹۱  
شنبه ۲۴ فروردین ۱۳۴۳  
۲۹ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۹۲  
یکشنبه ۲۵ فروردین ۱۳۴۳  
۳۰ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۹۳  
دو شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۴۳  
۳۱ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۶

**کیمیا** صفحه ۹۴  
سه شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۴۳  
۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۹۵  
چهارشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۴۳  
۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۹۶  
پنجشنبه ۲۹ فروردین ۱۳۴۳  
۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۹۷  
شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۴۳  
۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۹۸  
یکشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۴۳  
۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۹۹  
دو شنبه ۱ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۱۰۰  
سه شنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۱۰۱  
چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۸ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۱۰۲  
پنجشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۱۰۳  
شنبه ۵ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۱۰۴  
یکشنبه ۶ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۱۰۵  
دو شنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۱۰۶  
سه شنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۱۰۷  
چهارشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۱۰۸  
پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۱۰۹  
شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۱۱۰  
یکشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۱۱۱  
دو شنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۱۱۲  
سه شنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۱۱۳  
چهارشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۱۱۴  
پنجشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۱۱۵  
شنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۱۱۶  
یکشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۱۱۷  
دو شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۱۱۸  
سه شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۱۱۹  
چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۱۲۰  
پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۱۲۱  
شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۱۲۲  
یکشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۱۲۳  
دو شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۱۲۴  
سه شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۷

**کیمیا** صفحه ۱۲۵  
چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۱ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۲۶  
پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۲ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۲۷  
شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۳ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۲۸  
یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۴ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۲۹  
دو شنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۴۴  
۵ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۳۰  
سه شنبه ۱ فروردین ۱۳۴۵  
۶ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۳۱  
چهارشنبه ۲ فروردین ۱۳۴۵  
۷ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۳۲  
پنجشنبه ۳ فروردین ۱۳۴۵  
۸ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۳۳  
شنبه ۴ فروردین ۱۳۴۵  
۹ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۳۴  
یکشنبه ۵ فروردین ۱۳۴۵  
۱۰ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۳۵  
دو شنبه ۶ فروردین ۱۳۴۵  
۱۱ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۳۶  
سه شنبه ۷ فروردین ۱۳۴۵  
۱۲ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۳۷  
چهارشنبه ۸ فروردین ۱۳۴۵  
۱۳ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۳۸  
پنجشنبه ۹ فروردین ۱۳۴۵  
۱۴ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۳۹  
شنبه ۱۰ فروردین ۱۳۴۵  
۱۵ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۴۰  
یکشنبه ۱۱ فروردین ۱۳۴۵  
۱۶ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۴۱  
دو شنبه ۱۲ فروردین ۱۳۴۵  
۱۷ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۴۲  
سه شنبه ۱۳ فروردین ۱۳۴۵  
۱۸ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۴۳  
چهارشنبه ۱۴ فروردین ۱۳۴۵  
۱۹ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۴۴  
پنجشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۴۵  
۲۰ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۴۵  
شنبه ۱۶ فروردین ۱۳۴۵  
۲۱ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۴۶  
یکشنبه ۱۷ فروردین ۱۳۴۵  
۲۲ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۴۷  
دو شنبه ۱۸ فروردین ۱۳۴۵  
۲۳ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۴۸  
سه شنبه ۱۹ فروردین ۱۳۴۵  
۲۴ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۴۹  
چهارشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۴۵  
۲۵ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۵۰  
پنجشنبه ۲۱ فروردین ۱۳۴۵  
۲۶ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۵۱  
شنبه ۲۲ فروردین ۱۳۴۵  
۲۷ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۵۲  
یکشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۴۵  
۲۸ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۵۳  
دو شنبه ۲۴ فروردین ۱۳۴۵  
۲۹ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۵۴  
سه شنبه ۲۵ فروردین ۱۳۴۵  
۳۰ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۵۵  
چهارشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۴۵  
۳۱ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۸

**کیمیا** صفحه ۱۵۶  
پنجشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۴۵  
۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۹

**کیمیا** صفحه ۱۵۷  
شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۴۵  
۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۹

**کیمیا** صفحه ۱۵۸  
یکشنبه ۲۹ فروردین ۱۳۴۵  
۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۹

**کیمیا** صفحه ۱۵۹  
دو شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۴۵  
۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۹

**کیمیا** صفحه ۱۶۰  
سه شنبه ۳۱ فروردین ۱۳۴۵  
۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۹

**کیمیا** صفحه ۱۶۱  
چهارشنبه ۱ اردیبهشت ۱۳۴۶  
۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۹

**کیمیا** صفحه ۱۶۲  
پنجشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۴۶  
۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۹

**کیمیا** صفحه ۱۶۳  
شنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۴۶  
۸ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۹

**کیمیا** صفحه ۱۶۴  
یکشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۴۶  
۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۹

**کیمیا** صفحه ۱۶۵  
دو شنبه ۵ اردیبهشت ۱۳۴۶  
۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۹

**کیمیا** صفحه ۱۶۶  
سه شنبه ۶ اردیبهشت ۱۳۴۶  
۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۹

**کیمیا** صفحه ۱۶۷  
چهارشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۴۶  
۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۹

**کیمیا** صفحه ۱۶۸  
پنجشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۴۶  
۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۹

**کیمیا** صفحه ۱۶۹  
شنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۴۶  
۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۹

**کیمیا** صفحه ۱۷۰  
یکشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۴۶  
۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۹

**کیمیا** صفحه ۱۷۱  
دو شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۴۶  
۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۹

**کیمیا** صفحه ۱۷۲  
سه شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۶  
۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۸۴۹

**کیمیا** صفحه ۱۷۳  
چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۴۶  
۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۴ - شماره



# شیوه‌های ابداعی رژیم خمینی برای چپاول هر چه بیشتر مردم

سفرهای دیگری هم که به کشورهای دیگر باشد ثبت نام کند.

## پرداخت اجباری

۴۵۰۰ تومان

## بخاطر داشتن تلفن!!

نمونه‌ی دیگری که بجای شیوه‌ی ابداعی، باید آنرا شیوه‌ی اجباری چپاول نامید، اخذ ۴۵۰۰ تا ۵۰۰۰ تومان عوارض از مشترکین تلفن است. کسانی که بیش از ۷ سال است که علاوه بر پرداخت ودیعه‌ای به مبلغ دو هزار و دویست تومان، بطور ماهیانه عوارض اشتراک می‌پردازند، حالا هم بایستی مبلغ فوق را بطور اجباری بپردازند تا تلفن آن‌ها قطع نگردد.

در تاریخ هشتم آبان ماه ۶۱ رژیم خمینی اعلام کرد که کلیه مشترکین تلفن که بعد از ۲۲ اسفند ۵۵ صاحب تلفن شده‌اند مبلغ ۴۵۰۰ تومان و کلیه کسانی که از مهرماه ۵۹ صاحب تلفن شده‌اند مبلغ ۵۰۰۰ تومان بایستی به عنوان حق نصب پرداخت کنند (کیهان ۸/آبان/۶۱) لازم به توضیح است که در گذشته هر کس که می‌خواست صاحب تلفن شود مبلغ دو هزار و دویست تومان به عنوان حق اشتراک تلفن پیشاپیش می‌پرداخت و پس از نصب تلفن و مشترک شدن نیز بطور ماهیانه مبلغی عوارض به عنوان حق اشتراک پرداخت می‌کرد. حال آنکه رژیم خمینی به بهانه‌ی اینکه هزینه‌ی نصب تلفن بیشتر از میزان ودیعه‌ی دریافتی برای شرکت مخابرات تمام می‌شود، اقدام به اخذ مبلغ فوق از مشترکین کرده است در حالیکه هزینه‌ی نصب تلفن - فی‌المثل تلفن‌هایی که در سال ۵۵ به بعد نصب شده‌اند - از عوارض اشتراک ماهیانه، سالیانه که تامین شده و این اقدام تنها برای چپاول و سرکشی کردن مردم صورت گرفته است. حال برای آنکه ببینیم این حرامیان غارتگر چگونه شرکت مخابرات و مسئله‌ی اشتراک تلفن را - که بایستی در خدمت تامین رفاه عمومی قرار گیرد - به منبعی برای اخذی از مردم تبدیل کرده‌اند، به چند قلم از دزدی‌های هنگفت آن که از این راه صورت گرفته اشاره می‌کنیم: طبق آمار ارائه شده از بقیه در صفحه‌ی ۲۴

**چگونه رژیم خمینی حتی شعائر مذهبی مردم را به مقبری برای غارت آنها تبدیل کرده است!!**

ریال از مردم اخذی کرده است. و در حالی که به بقای خود امید ندارد با دادن وعده‌ی سرخرمن می‌خواهد در ۶ سال آینده!! آنها را به سفر سوریه اعزام کند. قابل توجه است که این عنصر سرسپرده‌ی خمینی سرمست از بدست آوردن این پول هنگفت

وزارت ارشاد! خمینی طی مصاحبه‌ی اعلام کرد که تاکنون ۳۰۰ هزار نفر برای سفر به سوریه ثبت نام کرده‌اند که تنها هفته‌ای هزار نفر به آن کشور اعزام خواهند شد. به این ترتیب حدود ۶ سال طول خواهد کشید تا تمام متقاضیان براساس نوبت به دمشق اعزام

خویش سرازیر نموده است. جالب اینجاست که طبق اطلاعاتی منتشر شده‌ی دوم اسفندماه ۶۰ سازمان به اصطلاح حج و زیارت، ثبت نام از متقاضیان، تنها برای سال ۶۱ می‌بایستی انجام می‌گرفت و کلیه‌ی قبول شدگان در قرعه‌کشی نیز می‌بایستی طی سال ۶۱ به حج اعزام می‌شدند، اما وقتی رژیم خمینی دید که چه منبع سرشاری برای اخذی از مردم پیدا کرده است با اخذ بیست هزار تومان از هر متقاضی تا ۵ سال آینده نیز ثبت نام به عمل آورد.

## اعزام زائر به سوریه

### بهانه دیگری

## برای سرکشی کردن مردم

یک فقره‌ی دیگر از دزدی‌های بی حساب و کتاب رژیم خمینی، اخذ پول‌های کلان با استفاده از شیوه‌ی ابداعی و دغلکارانه‌ی اعزام زائر به سوریه برای شش سال آینده است. در تاریخ نهم بهمن ماه ۶۱ قائم مقام خائن

بدین ترتیب شرکت مخابرات رژیم خمینی که به وسیله‌ای برای چپاول مردم تبدیل شده است تنها طی سال گذشته - صرف نظر از پول‌هایی که از سال ۵۷ از مردم دریافت کرده و عوارض ماهیانه‌ای که بابت حق اشتراک دریافت نموده است - بیش از ۱۱ میلیارد ریال از دسترنج مردم را به یغما برده است.

برای موارد دیگر چپاول نیز به تبلیغ پرداخته و اشتباهی سیری ناپذیر رژیم را با دعوت به سفرهای مشابه عیان تر می‌کند. چنانکه در همانجا اظهار می‌دارد که: "ما از نظر شرکت علاقمندان در این سفرها محدودیتی قائل نشده‌ایم و فی‌المثل کسی که در سفر سوریه شرکت می‌کند می‌تواند احتمالاً در

شوند. (اطلاعات ۹/بهمن/۶۱) همچنین او در همانجا اعلام کرد که سازمان حج و زیارت! خمینی از هر متقاضی مبلغ ۶ هزار تومان دریافت کرده است. بدین ترتیب ملاحظه می‌کنید که از این طریق نیز رژیم خمینی تنها طی بهمن ماه، مبلغی در حدود ۱۸ میلیارد

دوشنبه ۲۳ فروردین ماه ۱۳۶۱ - شماره ۱۶۶۹۳

شنبه ۹ بهمن ماه ۱۳۶۱ - شماره ۱۶۹۲۹

## ۳۶۰ هزار نفر برای حج ثبت نام کرده‌اند

وی گفت با وجود امکاناتیکه کشور سعودی در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار داده است و عدم امکانات کافی در ایران ما سالانه بیش از ۷۰ تا ۸۰ هزار نفر را نمی‌توانیم به حج بفرستیم بدینصورت اسامی برای پنجمین سال آینده ثبت نام از متقاضیان حج به عمل آمده است و ما تا سال ۱۳۶۵ ثبت نامی از متقاضیان حج نخواهیم داشت. مگر اینکه امکانات خود را بیشتر کنیم.

شماره ۱۶۶۵۷

بگوشنبه دوم اسفند ماه ۱۳۶۰

ح - اصل تناسنامه عکسدار برای متقاضیان جدید. در تهران و شهرستانها به شعب بانک ملی ایران که بعدا اعلام خواهد شد مراجعه و مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰/ (دویست هزار) ریال برای متقاضی و مبلغ ۳۸۰۰۰۰۰/ ریال برای متقاضی و همراه بطور علی الحساب پرداخت و سند مخصوص دریافت نمایند

رژیم چپاولگر خمینی علاوه بر تاراج نفت، اخذ مالیات‌های سنگین و عوارض گوناگون از مردم، چاپ بدون پشتوانه‌ی اسکناس و ... - که شمای از سیاست‌های ضد خلقی رژیم را در این زمینه در شماره‌های گذشته‌ی "مجاهد" متذکر شدیم - به انواع و اقسام شیوه‌های ابداعی و "خمینی ساخته" نیز متوسل می‌شود تا با استفاده‌ی از آن‌ها باز هم با سرکشی کردن مردم، باقیمانده‌ی پول و دارائی‌شان را به یغما ببرد و به کام قدرت طلبی‌ها و جنگ‌افروزی‌های خود بکشد. قابل توجه است که رژیم خمینی در هر مقطعی که تنگناها و بحران‌های اقتصادی و اجتماعی موجود افزایش یافته است، برای مقابله با این بحران‌ها، با استفاده از شیوه‌های گوناگون چپاول به هر منبعی که توانسته، دست انداخته است. شیوه‌هایی عوام‌فریبانه و دجال‌گونه و با ظاهری آراسته و با رنگ و لعاب با اصطلاح قانونی! که در بطن خود چیزی جز غارت افزون‌تر اموال خلق را در بر نداشته است.

## مناسک حج راه جدیدی

## برای اخذی از مردم!!!

در تاریخ بیست و سوم فروردین ماه سال گذشته، سرپرست سازمان به اصطلاح حج و زیارت رژیم خمینی اعلام کرد که تاکنون ۳۶۰ هزار نفر برای زیارت بیت الحرام ثبت نام کرده‌اند، که به دلیل کمبود امکانات، سالانه بیش از ۷۰ تا ۸۰ هزار نفر به حج اعزام نخواهند شد و اعزام متقاضیان تا ۵ سال آینده بطول خواهد انجامید. (اطلاعات ۲۳/۱/۶۱) همچنین بر طبق اطلاعاتی که یک ماه قبل از آن از سوی همین سازمان انتشار یافته بود، هر متقاضی هنگام ثبت نام بایستی مبلغ دویست هزار (۲۰۰/۵۰۰) ریال پرداخت کند تا حق شرکت در قرعه‌کشی را دریافت نماید! (اطلاعات یکشنبه ۲/۱۲/۶۰) همانطور که ملاحظه می‌کنید با یک محاسبه‌ی ساده روشن می‌شود که رژیم خمینی با سوءاستفاده‌ی خائنانه از مناسک حج - صرف نظر از سودهای کلانی که در همین زمینه از مابه‌التفاوت پول دریافتی از مردم و هزینه‌ی اعزام آنان به حج نصیب خود می‌کند - ۷۲ میلیارد ریال پول و سرمایه‌ی مردم را به مدت ۵ سال به کیسه‌ی گشاد چپاول



آموزش ویژه‌هسته‌های مقاومت مسلحانه (۱۰)

وظایف نیروها در شرایط قطع ارتباط

بقیه از صفحه اول

مثلا در نظر بگیرید که یک نفر در هنگام اجرای قرار به دلیل وضعیت مشکوک منطقه نمی‌تواند قرار را اجرا کند و ارتباطات "زایاس" وی نیز به دلایلی برقرار نمی‌گردد و نتیجتا ارتباط وی موقتا با تشکیلات قطع می‌شود و یا یک نفر هنگام تردد در خیابان و یا در حین انجام یک عملیات، با مزدوران رژیم درگیر شده و شهید می‌شود و به این ترتیب ممکن است ارتباط افراد تحت مسئولیت وی با تشکیلات تا مدتی قطع گردد. برخی دیگر از ارتباطات سازمانی که فاصله‌ی زمانی آنها نسبتا طولانی است، نیز امکان دارد که در معرض قطع ارتباط قرار بگیرند.

حال با توجه به اینکه مسأله‌ی قطع ارتباط با سازمان ممکن است به دلایل قابل پیش‌بینی

و یا غیرقابل پیش‌بینی برای هر فرد اتفاق بیفتد لازم است که رزمندگان، از قبل آمادگی‌های ذهنی و عملی کافی داشته و نسبت به وظایف خودشان در مدت قطع رابطه تا گرفتن ارتباط مجدد آشنا بوده و آگاه باشند.

این آمادگی‌ها باعث می‌شود که رزمندگان از سردرگمی و ابهام به دور بمانند و بتوانند در همان مدت نیز نسبت به انجام وظایف انقلابی‌شان اقدام کنند و تا زمان ارتباط مجدد در حد ممکن به پیش‌رفته باشند.

در این شماره از آموزش‌های ویژه‌ی هسته‌های مقاومت مسلحانه و در ادامه‌ی پاسخ به سوالات آنها، به توضیح جنبه‌هایی از وظایف رزمندگان و دیگر نیروها به هنگام قطع ارتباط با سازمان می‌پردازیم.

● سوال ۹۱: وظیفه‌ی اصلی نیروها پس از قطع موقت ارتباط با سازمان چیست؟

جواب: پس از قطع رابطه‌ی نیروها با سازمان، ایفای وظایف و مسئولیت‌های تشکیلاتی به قوت خود باقی است و افراد، متناسب با توانائی و امکاناتی که دارند و همچنین با بهره‌گیری از آموزش‌های رادبو و نشریه‌ی "مجاهد" هماهنگ با برنامه‌هایی که از قبل در رابطه با آنها تنظیم شده است، می‌باید کارهای خود را به پیش ببرند. افراد و هسته‌هایی که توان اجرای عملیات متناسب با این مرحله را دارند، با توجه به مشخص بودن وظیفه‌ی اصلی در این مرحله از استراتژی و روشن بودن دستور محوری روز، می‌توانند با آگاهی و اشراف کامل، اقدامات لازم را انجام دهند. به این معنا که اگر فی‌المثل دشمن احیانا ضربه‌ای وارد نمود، به پاک کردن ردها اقدام نمایند و یا سعی کنند در حد توان و مقدوراتشان، سرنخ دیگر نیروهائی را که ارتباطشان قطع شده، حفظ نمایند. طبعاً روشن است که فعالیت‌ها و کارهای اعضاء و نیروهای هوادار سازمان، در صورتی بالاترین بازدهی را دارد که توسط تشکیلات با یکدیگر هماهنگ شده و در رابطه‌ی عمیق‌تری با هم قرار گیرد.

● سوال ۹۲: پس از قطع ارتباط، به لحاظ امنیتی و حفاظتی رزمندگان چه مسأله‌ی را بایستی رعایت کنند؟

جواب: همانطور که فوفا تاکید کردیم بعد از قطع ارتباط، رزمندگان موظف هستند که برای برقراری مجدد رابطه اقدامات لازم را انجام دهند. ولی این موضوع به آن معنی نیست که نسبت به رعایت ضوابط و دستورالعمل‌های امنیتی و حفاظتی، دقت لازم اعمال نشود و به اصطلاح به هر ریسکی تن داد. انجام اقداماتی که از قبل، خطرات آن قابل پیش‌بینی است، چه بسا ناشی از تمایل شدید به برقراری سریع رابطه و یا بخاطر عدم آمادگی رزمندگان برای شرایط قطع ارتباط می‌باشد. با توجه به این موضوع، کسانی که ارتباطشان قطع می‌شود باید به عنوان یک ضابطه و دستورالعمل در جهت حفاظت از خود بطور جدی کوشش کنند، زیرا در صورت سالم باقی ماندن نیروها، سرانجام ارتباط با سازمان - دیر یا زود - مجددا برقرار خواهد شد. اما اگر بخاطر عدم رعایت نکات امنیتی، مسئله‌ای برای عناصر قطع رابطه شده پیش بیاید، برقراری مجدد ارتباط، دیگر موضوعیت خود را از دست می‌دهد. بنابراین از هرگونه

برای برقراری مجدد تماس، اتخاذ شده باشد. مسئولیت برقرار کردن مجدد ارتباط با سازمان در درجه‌ی اول به عهده‌ی همان افرادی است که ارتباطشان قطع شده است. باید توجه داشت که در مسیر انجام این وظیفه، نیروها تجارب فراوانی بدست خواهند آورد و بیچیدگی و توان آنها در برخورد و حل اینگونه مسائل، افزایش پیدا می‌کند. این مسئله خود به عنوان مرحله‌ای دیگر از رشد نیروها محسوب می‌گردد.

برای برقراری مجدد ارتباط با سازمان، شیوه‌های مختلفی وجود دارد و هرکس متناسب با امکاناتی که در اختیار دارد، می‌تواند آنها را مورد استفاده قرار دهد. مثلا کسانی که ارتباطشان قطع است، در صورتی که سرنخی در محیط اطرافشان وجود داشته باشد، می‌توانند از آن طریق اقدام کنند و با در نظر گرفتن و رعایت مسائل امنیتی، دوباره ارتباط خود را برقرار سازند. اگر امکان این کار نبود، بایستی از تلاش بازایستاده و مایوس شوند، بلکه باید در محیط‌های دیگر بدنبال برقراری مجدد ارتباط باشند. شیوه‌ی دیگر، برقراری مجدد رابطه و ارسال گزارش، علاوه بر کانال‌هایی که هر فرد بطور ویژه می‌تواند پیدا کند، استفاده از شیوه‌های ارتباطی غیرمستقیم نظیر امکانات خارج از کشور می‌باشد. برای ارسال چنین گزارش‌هایی که طبیعتاً حاوی ردهای اطلاعاتی است، بایستی کانال‌ها و شیوه-

برخورد چپ‌روانه برای برقراری ارتباط سریع بایستی جدا پرهیز نمود. مثلا بدون علت و برنامه‌ی مشخصی نبایستی به این در و آن در زد و تردهای بیش از حد در سطح شهر انجام داد. قرارهای مشکوک و قرارهای ویژه‌ی زمان قطع ارتباط را نباید بدون چک و کنترل کامل انجام داد. در مراجعه به افراد و پایگاه‌هایی که خبر سلامتی آنها بطور کامل در دسترس نمی‌باشد، نباید اقدام به انجام ریسک‌های خطرناک کرد. چرا که حاصل اینگونه برخوردها گذشته از اینکه برقراری مجدد رابطه را نمی‌تواند بطور قطع و یقین در بر داشته باشد، بیشترین احتمال دریافت ضربه را نیز ایجاد می‌کند. و طبعاً اگر اینگونه فعالیت‌ها به نتیجه نرسد آثار منفی به همراه خواهد داشت.

برعکس حالت تمایل به برقراری سریع ارتباط مجدد بدون توجه به شرایط، عدم تلاش و کوشش مکفی جهت برقراری ارتباط می‌باشد که این نیز صحیح نیست. یعنی عنصری که رابطه‌اش قطع شده است نباید منتظر بماند تا پس از مدتی بطور تصادفی ارتباط او برقرار گردد. طبعاً اینگونه برخورد، خودبخودی و راست-روانه است و پس از مدتی با دور شدن از شرایط نظامی حاکم، عنصر قطع رابطه شده، انطباق و آداپتاسیون خود را با ملاء پیرامون از دست می‌دهد و چه بسا به همین دلیل ضربه نیز بخورد.

به هر حال به منظور رعایت مسائل امنیتی و حفاظتی در شرایط قطع ارتباط، بطور خاص نکات زیر را بیشتر در نظر داشته باشید:

● سوال ۹۳: برای زمان قطع ارتباط، چه آمادگی‌هایی می‌توان از قبل کسب کرد؟

جواب: اگر نیروها و افرادی که با تشکیلات در رابطه می‌باشند، شرایط قطع ارتباط را که طبیعتاً ممکن است برای هر کسی پیش بیاید، از قبل در نظر بگیرند و آمادگی‌های لازم را کسب کنند، در هنگام روبرو شدن با مسئله‌ی قطع ارتباط، بقیه در صفحه ۲۳

برخورد چپ‌روانه برای برقراری ارتباط سریع بایستی جدا پرهیز نمود. مثلا بدون علت و برنامه‌ی مشخصی نبایستی به این در و آن در زد و تردهای بیش از حد در سطح شهر انجام داد. قرارهای مشکوک و قرارهای ویژه‌ی زمان قطع ارتباط را نباید بدون چک و کنترل کامل انجام داد. در مراجعه به افراد و پایگاه‌هایی که خبر سلامتی آنها بطور کامل در دسترس نمی‌باشد، نباید اقدام به انجام ریسک‌های خطرناک کرد. چرا که حاصل اینگونه برخوردها گذشته از اینکه برقراری مجدد رابطه را نمی‌تواند بطور قطع و یقین در بر داشته باشد، بیشترین احتمال دریافت ضربه را نیز ایجاد می‌کند. و طبعاً اگر اینگونه فعالیت‌ها به نتیجه نرسد آثار منفی به همراه خواهد داشت.

آن پایگاه را جویا شوید. دقت داشته باشید که صدا و هویت شخصی که به تلفن شما پاسخ می‌دهد، شناخته شده و مطمئن باشد، گاهی اوقات مزدوران دشمن، خودشان تلفن‌ها را پاسخ می‌دهند و افراد را به پایگاه‌ها و یا محل‌های محاصره شده کشانده و دستگیر می‌کنند. همچنین در مراجعه به افراد علنی که فکر می‌کنید می‌توانند جهت وصل مجدد به شما کمکی بکنند، حداکثر دقت را انجام دهید. در اینکار می‌باید با ابتکار و خلاقیت و تا حدودی صبر و دوراندیشی مشکلات را حل نمود.

اگر در شهری که ساکن می‌باشید چهره‌ی شناخته‌شده‌ای هستید و ممکن است این موضوع برای شما خطراتی ایجاد کند، به نقاط دیگر مسافرت ننمائید تا از این نظر نیز محفوظ بمانید.

در صورتی که برقراری مجدد رابطه‌ی شما مدتی به طول انجامید، می‌توانید با رعایت مسائل امنیتی و عادی‌سازی‌های لازم نسبت به پیدا کردن شغل‌های لازم اقدام کرده و به نحوی پایه‌های حفاظتی خود را محکم کنید تا در برابر شگردها و تاکتیک‌های رژیم برای دستیابی به رزمندگان، مصون باقی بمانید.

برای حل مسئله‌ی استقرار و دیگر موارد مشابه از سمپات‌ها و هواداران سازمان که می‌شناسید، می‌توانید کمک بگیرید. ولی در این رابطه، رعایت مسائل امنیتی و سفارشات و آموزش‌های لازم را برای فردی که از امکاناتش استفاده می‌کنید، فراموش ننمائید و متوجه باشید که آلودگی‌های احتمالی افراد علنی به شما سرایت نکند. با رعایت مسائل فوق و دیگر مواردی که نیروها بطور عام با آنها آشنا هستند و یا در مباحث و آموزش‌های قبلی تاکنون گفته شده است، خود را حفظ کرده و به کوشش‌های خود برای برقراری مجدد تماس ادامه بدهید.

● سوال ۹۳: برای زمان قطع ارتباط، چه آمادگی‌هایی می‌توان از قبل کسب کرد؟

جواب: اگر نیروها و افرادی که با تشکیلات در رابطه می‌باشند، شرایط قطع ارتباط را که طبیعتاً ممکن است برای هر کسی پیش بیاید، از قبل در نظر بگیرند و آمادگی‌های لازم را کسب کنند، در هنگام روبرو شدن با مسئله‌ی قطع ارتباط، بقیه در صفحه ۲۳



# متن کنفرانس مطبوعاتی ده افسر، همافر و خلبان پیوسته به سازمان مجاهدین خلق ایران

توضیح: روز ۱۶ اردیبهشت، ۱۰ تن از افسران و همافران نیروی زمینی، دریائی و هوائی ایران، طی کنفرانس‌ها و مصاحبه‌های مطبوعاتی که در "پاریس"، "بن" و "وین" برگزار گردید، ضمن افشای توطئه‌های سرکوبگرانه‌ی رژیم ضدبشری خمینی، درباره‌ی محاکمه‌ی ۸ تن از پرسنل نیروی هوائی، درباره‌ی وضعیت ارتش و نیروی هوائی و شیوه‌های سرکوبگرانه‌ی رژیم خمینی در داخل ارتش به خبرنگاران توضیحاتی دادند. لازم به یادآوری است که اطلاعاتی مطبوعاتی مربوط به افسران و همافران فوق‌الذکر در شماره‌ی قبل مجاهد درج گردید.

در کنفرانس مطبوعاتی که در پاریس برگزار گردید، همافر یکم فریدون ورمزیاری، نماینده‌ی همافران و عضو شورای فرماندهی پایگاه یکم شکاری (صهراآباد) پس از معرفی خود و دوستانش به خبرنگاران، مطالب زیر را بیان نمود:

داخل ارتش و همچنین علل اقدام رژیم خمینی به تدارک چنین توطئه‌هایی اشاره خواهم کرد و سپس در مورد این محاکمه‌ی فرمایشی، توضیحاتی خواهم داد.

اصولا گرایش اکثریت پرسنل ارتش ایران در مخالفت با سیاست جنگ‌طلبانه‌ی رژیم خمینی از یکسو و طیف گسترده‌ای از هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران در ارتش و بویژه نیروی هوائی از سوی دیگر، در زمره‌ی مشکلات و تنگناهای این رژیم انحصارطلب بوده و هست و به همین دلیل نیز همیشه سرکوب و خفقان در داخل ارتش به گونه‌ای مضاعف برقرار بوده‌است.

نمونه‌هایی که این واقعیات را در درون ارتش نشان می‌دهد، بسیار زیاد است و هر یک از دوستان، در رابطه با موقعیت شغلی خود، نمونه‌های زیادی را بیاد دارند. اما من قبل از اینکه به ذکر چند مورد اساسی که باعث وحشت شدید رژیم و طبعا عکس‌العمل‌های قرون وسطائی او در ارتش شده‌است بپردازم، به سخنان سرهنگ معین‌پور، فرماندهی مزدور نیروی هوائی اشاره می‌کنم که به خوبی مطلب فوق را اثبات می‌کند. وی در مصاحبه‌ای که به مناسبت سالروز انقلاب با روزنامه‌ی کیهان کرده است می‌گوید:

"... بدون تعارف، ۹۰ درصد پایگاه‌ها ... در اختیار منافقین و ضدانقلاب بود ..."

(کیهان ۲۱/بهمن/۶۱)

پرواز آقای رجوی، رهبر مجاهدین خلق و آقای بنی‌صدر رئیس جمهور که توسط پرسنل نظامی مجاهد خلق به اجرا

ما که در داخل ایران به علت وجود اختناق و سرکوب وسیع و گسترده‌ی رژیم خمینی، تحت تعقیب قرار گرفته و خود و خانواده‌مان در خطر دستگیری و شکنجه و اعدام قرار داشتیم، طی سال گذشته، با تحمل مشکلات و مشقات فراوان از طریق مرزهای زمینی و به شکل مخفی، کشور را ترک نموده و خود را به اروپا رساندیم.

در طول اقامتمان در خارج از کشور، پیوسته از طریق دوستانمان که از هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران در داخل ایران و در صفوف پرسنل ارتش ایران هستند، در جریان وقایع درون ارتش و نیروی هوائی و همچنین جبهه‌های جنگ قرار داریم.

اخیرا بر اساس گزارشاتی که از داخل ایران دریافت کرده‌ایم از یک توطئه که تحت عنوان محاکمه‌ی ۸ تن از پرسنل نیروی هوائی ایران، بوسیله‌ی رژیم خمینی برای کشتار و ارباب و سرکوب هرچه بیشتر پرسنل میهن‌پرست ارتش ایران تدارک دیده شده‌است، مطلع شدیم و لازم دیدیم که طی چند کنفرانس مطبوعاتی که در کشورهای مختلف اروپائی برگزار می‌گردد، این توطئه را افشاء نموده و از سازمان‌های بین‌المللی بشردوستان و طرفداران حقوق بشر برای جلوگیری از کشتار نظامیان و ارتشیان میهن‌پرست ایران و خانواده‌ها و بستگان‌شان توسط رژیم ضدبشری خمینی استمداد نمائیم.

برای توضیح پیرامون چگونگی این توطئه، ابتدا مختصرا به علل افزایش سرکوب مضاعف در

نداشته و بخصوص پس از دعوت آقای رجوی، از پرسنل میهن‌پرست ارتش برای ترک صفوف نیروهای سرکوبگر خمینی و نیز پس از انتشار طرح صلح شورای ملی مقاومت، رژیم خمینی بیش از پیش با مقاومت و مخالفت ارتشیان، مخصوصا در جبهه‌های جنگ مواجه می‌باشد. زیرا پس از ملاقات نایب‌نخست‌وزیر عراق با آقای رجوی، رهبر مجاهدین خلق و مسئول شورای ملی مقاومت و صدور بیانیه‌ی مشترک و نیز صدور طرح صلح شورای ملی مقاومت، مخالفت ارتشیان ایران با جنگ، رشد فزاینده‌ای یافته است و آنان دیگر حاضر به همکاری در جنگی که بر علیه مردم و کشور ایران و تنها به نفع خمینی است و از آن به عنوان سرپوشی برای سرکوب مردم و مقاومت داخلی ایران بوسیله‌ی رژیم استفاده می‌شود، نیستند.

در این رابطه بر اساس گزارشاتی که از داخل ایران و جبهه‌های جنگ دریافت کرده‌ایم در جریان تهاجمات خمینی به خاک عراق، منجمله در تهاجم ۱۴/آوریل/۸۳، نیروی زمینی و توپخانه‌ی ارتش ایران از همکاری موثر، تا حد امکان خودداری

درآمد، شورش پرسنل نظامی مجاهد خلق در پادگان لویزان در روز ۷ فروردین ماه سال گذشته (۲۷/مارس/۸۲) و تامین سلاح‌های نیروهای مقاومت از پایگاه‌های نظامی، منجمله پادگان قصر فیروزه‌ی تهران و پادگان لشکر ۷۷ مشهد، موارد مهم و برجسته‌ای از عملیات و اقدامات پرسنل نظامی مجاهد خلق بود که رژیم خمینی را شدیداً به وحشت انداخت. علاوه بر این، خروج پی‌درپی پرسنل ارتش و خلبانان و همافران نیروی هوائی چه بصورت مخفیانه و چه با مصادره‌ی هواپیما و یا هنگام شرکت در مسابقات بین‌المللی و پیوستن آنها به سازمان مجاهدین خلق ایران، یکی دیگر از دلایل وحشت رژیم خمینی از پرسنل نظامی و میهن‌پرست ارتش ایران

**نمونه‌ای از اعتراض پرسنل ارتش ایران به جنگ‌طلبی رژیم خمینی، به‌رگبار بسته‌شدن جایگاه فرماندهان وابسته به خمینی، توسط یکی از پرسنل نظامی مجاهد خلق در جریان رژه‌ی روز شنبه ۲۱ اسفند/۶۱ (۱۲/مارس/۸۳) در استان جنگ‌زده‌ی خوزستان می‌باشد که به‌گفته‌ی سرهنگ سپهری فرماندهی عملیاتی ژاندارمری خوزستان انجامید.**

ورزیدند و همچنین در جریان آخرین حمله‌ی ایران، نیروی هوائی، تهاجم پاسداران رژیم به عراق را پشتیبانی نکرده‌است. نمونه‌ای از اعتراض پرسنل ارتش ایران به جنگ‌طلبی رژیم خمینی، به رگبار بسته شدن جایگاه فرماندهان وابسته به خمینی، توسط یکی از پرسنل نظامی مجاهد خلق در جریان رژه‌ی روز شنبه، ۲۱/اسفند/۶۱ (۱۲/مارس/۸۳) در استان جنگ‌زده‌ی خوزستان می‌باشد که به گفته‌ی سرهنگ سپهری، فرماندهی عملیاتی ژاندارمری خوزستان انجامید.

سخنان سرهنگ صیاد شیرازی فرماندهی نیروی زمینی در نماز جمعه‌ی ۲۶/فروردین/۶۲ (۱۵/آوریل/۸۳) - که بوسیله‌ی خبرگزاری‌های جهان نیز منعکس گردید - مبنی بر اینکه علت شکست اخیر ایران وجود مخالفت‌ها و اختلافات در درون ارتش بوده‌است، بخوبی عمق وحشت رژیم خمینی را

می‌باشد. در همین رابطه، رژیم اقدام به تصویب یکسری قوانین و مقررات فاشیستی نموده‌است که به‌خوبی نشان‌دهنده‌ی نگرانی و وحشت اوست. مثلا دستور داده‌است که به هواپیماهایی که توسط خلبانان نیروی هوائی هدایت می‌شوند، سوخت کم و محدود بدهند، زیرا ممکن است آنها با هواپیما، کشور را ترک کرده و به مجاهدین خلق بپیوندند. حال آنکه این امر، خطرات زیادی برای کادر پرواز دارد و یا اینکه در تاریخ ۲۱/فروردین/۶۲ قانونی را در مجلس به تصویب رسانده‌است که بر طبق آن شرکت ورزشکاران ارتش ایران در مسابقات بین‌المللی در خارج از ایران کلا ممنوع شده‌است.

اما این اقدامات فاشیستی و صدها مورد دیگر که بخشی از سرکوب و خفقان شدید در درون ارتش می‌باشد، تاکنون برای رژیم خمینی هیچ نتیجه‌ای

از مقاومت ارتشیان ایران در برابر نیات جنگ‌طلبانه و اقدامات سرکوبگرانه‌ی خمینی نشان می‌دهد. بدین ترتیب، وقتی رژیم خمینی از اقدامات سرکوبگرانه در درون ارتش نتوانست نتیجه‌ای بگیرد، اکنون با تدارک توطئه‌ی حساب‌شده‌ای، تحت عنوان محاکمه‌ی ۸ پرسنل نیروی هوائی، منجم به شرکت در عملیات پرواز آقای رجوی، رهبر مجاهدین و آقای رئیس جمهور بنی‌صدر، قصد دارد که با براه انداختن موج جدیدی از کشتار ارتشیان، جو رعب و وحشت در ارتش را افزایش داده و با اعدام پرسنل ارتش و یا نمایندگان تلویزیونی، نظامیان را به اطاعت و شرکت اجباری در جبهه‌ها وادار نماید. سازمان مجاهدین خلق نیز قبلا طی اطلاعیه‌ای این توطئه را افشاء نموده‌است.

در مورد این محاکمه بایستی بگویم که افرادی که در این باصلاح دادگاه محاکمه می‌شوند، بعضا از حدود ۲ سال قبل دستگیر شده و چون پرونده‌ای نداشته‌اند، به‌صورت بلا تکلیف در زندان‌ها نگهداری می‌شده‌اند و حالا رژیم خمینی با جمع کردن آنها در یک دادگاهی که نه وکیل مدافعی در آن وجود دارد و نه خبرنگار و ناظری، قصد دارد با تهدید به اعدام و اجرای نمایشات تلویزیونی، این توطئه را به اجرا درآورد. حال آنکه اتهامات وارده به آنها بی‌اساس بوده و در گذشته نیز رژیم بارها افرادی را در این رابطه متهم کرده‌است. بی‌اساس بودن این اتهامات از سراسر کیفرخواست طراحی شده توسط دادستان به‌اصطلاح انقلاب ارتش که در روزنامه‌های کیهان و اطلاعات روز ۱۶ فروردین منعکس شده‌است نیز به خوبی پیداست. بدین ترتیب کاملا روشن است که رژیم خمینی از این توطئه چه بهره‌برداریهائی می‌خواهد بکند ما این توطئه را افشاء می‌کنیم و بار دیگر از تمام سازمان‌های بین‌المللی طرفدار حقوق بشر، برای جلوگیری از کشتار پرسنل میهن‌پرست ارتش ایران و تشدید فشار و اختناق بر نظامیان ایران و خانواده‌ها و بستگان آنها به منظور ادامه‌ی جنگ، استمداد می‌نمائیم.

\* اکنون آماده‌ی پاسخگویی به سوالات خبرنگاران محترم هستیم.

در پایان خبرنگاران سوالات خود را مطرح کردند که از طرف شرکت‌کنندگان در کنفرانس پاسخ داده شد.

\*



# انعکاس اعلام پیوستگی اتن از افسران و همافران ایران به مجاهدین خلق در مطبوعات و سایر رسانه‌های کشورهای مختلف

il manifesto

giovedì 5 maggio

1983

روزنامه‌ی ایتالیائی

ایران - طی چند روز گذشته ۱۰ تن از افسران و همافران نیروهای مسلح ایران به اروپای غربی (فرانسه، آلمان فدرال، اتریش) آمدند. آنان طی اطلاعیهای الحاق خود را به مقاومت ضدخمینی و بطور مشخص به گروه مسعود رجوی اعلام کردند.

## IRAN: Militära ledare rensas ut

روزنامه‌ی سوئدی

### سران نظامی تصفیه می‌شوند

پاریس (تت - رویتر) روز جمعه یک گروه از افسران و خلبانان پناهنده‌ی ایرانی در پاریس اعلام کردند که مقامات ایرانی دست به یک تصفیه در نیروهای مسلح زدند. این چهار نفر ارتشی در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی که از طرف چریک‌های چپ‌گرای مجاهدین خلق تشکیل شده بود گفتند سران رژیم ایران این مبارزه (تصفیه) را از آنجا که شکست حمله‌ی اخیر ایران علیه عراق را ناشی از مقاومت فزاینده در میان افسران هوایی، دریائی و زمینی می‌دانند، آغاز کردند. یکی از افسران به نام فریدون ورمزیاری گفت مقامات دولت صدها تن از پرسنل را بازداشت کرده‌اند و تعداد زیادتری را به سربازخانه‌های مطمئن انتقال داده‌اند. او گفت که مقاومت نظامیان علیه رژیم پس از اینکه مسعود رجوی رهبر مجاهدین در تبعید از افسران خواست که از خمینی حمایت نکنند، افزایش یافته است. مقامات ایران همچنین مقرراتی در جهت جیره‌بندی سوخت هواپیماهای نظامی وضع نموده‌اند.

بقیه در صفحه‌ی ۲۱

توضیح: چون درجات "همافری" ویژه‌ی ارتش ایران بوده و در سایر کشورهای جهان متداول نیست لذا مطبوعات کشورهای مختلف برای افسران و همافران عموماً واژه‌های "افسر" و "افسران" بکار برده‌اند.

giovedì 5 maggio 1983

LA STAMPA

Militari  
iraniani  
si rifugiano  
in Europa

روزنامه‌ی ایتالیائی

### نظامیان ایرانی به اروپای آیند

رم - در چند روز گذشته - ۱۰ افسر و همافر نیروهای مسلح ایران به فرانسه، آلمان فدرال و اتریش آمده‌اند. این مطالب را تبعیدیان طی اطلاعیه که در ایتالیا نیز پخش شد اعلام داشتند. آنان همبستگی و الحاق خودشان را به مقاومت ضدخمینی و مجاهدین خلق بیان داشتند.

السبت ۱۹۸۳/۵/۷

الشرق الأوسط

### ۱۰ ضباط ایرانیین

### انضموا للمعارضة

چاپ انگلستان

### ۱۰ افسر ایرانی به اپوزیسیون پیوستند

روزنامه‌ی ایتالیائی لاستامبا دیروز اعلام داشت که ۱۰ تن از افسران ایرانی با درجه‌های مختلف، واحدهای نظامی خود را ترک نموده و در طی مدت کوتاهی به فرانسه و آلمان و اتریش آمده‌اند.

می‌تواند در رابطه با تحولات جنگ و اوضاع سیاسی و تأثیرات جدی ناشی از آن در داخل ایران باشد. بنابراین، این روزها سرکوب ابعاد جدیدی به خود گرفته و هرگونه راه حل سیاسی مسالمت‌آمیز برای خاتمه‌ی جنگ با عراق و یا هر فرد صلح‌دوستی که خواستار خاتمه بخشیدن به خونریزی در جبهه‌های جنگ باشد، با شدیدترین شیوه‌های سرکوب و ترور مواجه می‌گردد. این سرکوب دلیل دیگری است بر اصرار ایران در ادامه‌ی جنگ و بی‌توجهی این کشور حتی نسبت به نظرهای مخالف (جنگ) در داخل ایران.

## مغزک الأحداث

خواسته بود که سلاح‌های خود را بر علیه رژیم که بر ضد منافع مردم ایران عمل می‌کند، نشانه روند. در حال حاضر ۸ تن از نظامیان ایرانی به جرم دست داشتن در عملیات فرار رجوی و ابوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهور اسبق ایران در ژوئن ۱۹۸۱، محاکمه می‌شوند. ناظران مشاهده می‌کنند که سرکوب در ایران وارد مرحله‌ی جدیدی شده است، این تغییر

چاپ انگلستان

الخميس ۱۹۸۳/۵/۵

### خمینی یعد مذبحه للعسکریین الایرانیین

### المناهضین لحکمه

### خمینی خود را برای قتل عام نظامیان ایرانی مخالف رژیمش آماده می‌کند

پاریس - ده تن از افسران اپوزیسیون ایرانی که اخیراً از جهنم خمینی و سیاست جنگ‌طلبی او به خارج آمده‌اند، سرکوب وحشیانه بر علیه پرسنل ملی در ارتش ایران بویژه عناصر مخالف جنگ‌افروزی تحمیلی با عراق را افشاء کردند. این افسران از درجه‌داران مختلف ارتش ایران می‌باشند. آنان که در حال حاضر در فرانسه، اتریش و آلمان فدرال بسر می‌برند، در نامه‌ای به مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت ایران اظهار داشتند که اقدامات استبدادی، سرکوبگرانه و فاشیستی رژیم بر علیه افسران ملی و دمکرات بطور خاص پس از اعلام طرح صلح که در آغاز ماه ژانویه گذشته به همراه طارق عزیز، نایب نخست‌وزیر و وزیر خارجه‌ی عراق امضاء گردید، افزایش یافته است. این ده افسر در نامه‌ای که مفاد آن توسط دفتر سازمان اپوزیسیون مجاهدین خلق ایران اعلام گردید، اضافه نمودند که این اقدامات استبدادی همچنین پس از پیام

۲۲ رجب ۱۴۰۳ هـ - الموافق ۵ مايو ۱۹۸۳ عربستان

### خبرهای داغ

مقاومت و طارق عزیز نایب - نخست‌وزیر عراق، اعلام گردید اقدامات سرکوبگرانه بر علیه افسران شدت یافته است. افسران که در حال حاضر در فرانسه، اتریش، و آلمان فدرال بسر می‌برند طی نامه‌ای به مسعود رجوی توضیح دادند که بطور خاص پس از پیام رجوی به نظامیان ایرانی، این اقدامات استبدادی بیش از پیش افزایش یافته است. رجوی از نظامیان

افسران مخالف رژیم ایران اعلام کردند که در ارتش ایران سرکوب وحشیانه‌ی بر علیه افسران مخالف رژیم و مخالف جنگ با عراق براه افتاده است. این افسران که تعدادشان ۱۰ نفر است دارای درجه‌های مختلف نظامی هستند. آنان مدتی است که ایران را ترک کرده‌اند و می‌گویند پس از اینکه بیانیه‌ی صلح در ژانویه گذشته توسط مسعود رجوی مسئول شورای ملی



# دستاویز تازه رژیم خمینی برای کشتار بیشتر محکومین و تشدید خفقان در زندانهای شیراز

نگاه داشته و باعث رسوائی هر چه بیشتر این رژیم ضد بشری، در افکار عمومی ایران و جهان گشته است. ضمناً خبر فوق نشانگر این مسأله نیز هست که رژیم درماندهی خمینی، از هیچیک از تبلیغات و نمایشات مسخره‌ی خود، بمنظور وارونه جلوه دادن مقاومت قهرمانانه‌ی رزمندگان اسیر، هیچ طرفی نبسته و در نتیجه ضمن اعتراف آشکار به چنین مقاومتی و ضمن اعتراف به پوشالی بودن تبلیغات و نمایشات مرسوم رژیم، بازهم چاره را تنها در توسل به تشدید شکنجه و کشتار رزمندگان اسیر می‌بیند.

در اینجا ضروری است که ضمن جلب توجه خانواده‌های زندانیان در مورد این سلسله جنایات رژیم (که شواهد آن در اعترافات مقامات رژیم و از قضا در لابلای تبلیغات مربوط به باصلاح آزادی زندانیان بخوبی قابل دستیابی است) بایستی از سازمان‌های بین‌المللی طرفدار حقوق بشر و صلیب سرخ جهانی خواست که این دسیسه‌ی جنایتکارانه‌ی رژیم خمینی را دقیقاً پیگیری نموده و بر علیه آن اعتراض نمایند. \*

بقیه از صفحه‌ی آخر  
بزودی تجدید محاکمه خواهند شد. به اصل خبر توجه نمائید:

**دانشگاه انقلاب اسلامی**  
**لیست عفو شدگان شیراز بزودی اعلام میشود**  
شیراز - خبرنگار کیهان - حجت‌الاسلام سید ضیا میرعمادی، دادستان انقلاب اسلامی و دادسرای عمومی شیراز در مصاحبه‌ای اختصاصی با خبرنگار کیهان گفت:

لیست ۳۶۶ نفر از محکومین اعم از گروهکها و مادی که نامها اظهار ندامت کرده‌بودند، بموافق دیوان عالی کشور و امام امت بمشیراز آمد، لیکن آیات‌الله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور در پایان لیست با توجیه کرده‌اند که آزادی اینگونه محکومین دقت نمائید لذا با توجه باین جمله شرعاً و تقاضای بررسی مجددی روی لیست می‌کنیم و آنهایی که تأیید هستند و واجد شرایط باشند بزودی آراء خواهند شد که از این تعداد ۱۹۸ نفرشان اعضای سابق گروهکها هستند.

دادستان انقلاب اسلامی شیراز در بخشی دیگر از این مصاحبه در مورد کشف شبکه در زندان گفت:

متأسفانه در بین آنهایی که خود را تواب چلوه می‌پندند شبکه‌ای در داخل زندان کشف شده‌تعدادی از این راهپله هستند که بزودی محاکمه‌شان تجدید خواهند شد زیرا آنها خود را تواب نشان دادند ولی در داخل زندان با اصلاح خودشان تشکیلات را بنا نهادند.

در مورد اجرای احکام در ملاء عام اظهار داشت:

هر کدام از احکام که جنبه ارشادی و آموزشی برای مردم داشته باشد، با دستور است حزب‌الله پیورده اجرا در می‌آید و در مورد سباحت مخصوص در خصوص سارقین صلح حکم قطعی نیست با اجرا در می‌آید.

## اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان

### در مورد تهاجم انقلابی پیشمرگان مجاهد خلق به پایگاه حمران در محور سردشت - مهاباد و ازپای در آوردن بیش از ۲۰ پاسدار مزدور ضد خلقی

بنام خدا  
بنام خلق قهرمان ایران  
مردم قهرمان ایران، مردم آگاه و مبارز کردستان!

پیشمرگه‌های مجاهد خلق، واحد پارتیزانی مجاهد شهید حسن عزیزپور در یک تهاجم غافلگیرانه، پایگاه حمران یکی از مهمترین مراکز توطئه و سرکوب خمینی جلاد در محور سردشت - مهاباد را درهم گوبیدند. این پایگاه که نقش مرکز فرماندهی مزدوران را در منطقه‌ی ربط - سردشت برعهده دارد، در ساعت ۵ بامداد روز چهارشنبه ۶۲/۲/۲۱ با آتش‌موشک‌های آر. پی. جی، تیربار سبک و نیمه سنگین و رگبار مسلسل‌های پیشمرگه‌های مجاهد خلق مورد تهاجم انقلابی قرار گرفت. در جریان این عملیات پیروزمانده یک سنگر بزرگ مزدوران بطور

کامل منهدم شد و ۸ سنگر اجتماعی و منجمله سنگر فرماندهی دشمن به شدت آسیب دید. شدت آتش پیشمرگه‌های مجاهد بر روی مواضع پاسداران و دیگر مزدوران رژیم ضد بشری به حدی بود که در تمام مدت تهاجم و حتی مدتی پس از پایان عملیات، آنها قادر به انجام هیچگونه عکس‌العملی نشدند. تعداد تلفات پاسداران و مزدوران ضد خلقی در این عملیات حداقل ۲۰ تن بوده است. پس از خاتمه‌ی عملیات کلیه‌ی پیشمرگان سالم به پایگاههای خویش مراجعت کردند.

مرگ بر خمینی جلاد - نابود باد پاسداران ظلمت و تباهی سلام بر خلق - سلام بر آزادی برقرار باد دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران سازمان مجاهدین خلق ایران مرکز کردستان ۶۲/۲/۲۲

## نامه ۸۹ نفر از شخصیت‌ها و عناصر مترقی سوئیس به برادر مجاهد مسعود رجوی در حمایت از مبارزه قهرمانانه مردم ایران و شورای ملی مقاومت

- ۱- آقای ژبولناز ( J. Bolanz ) سوئیس و شخصیت حزب سوسیالیست سوئیس.
- ۲- آقای لنگ شام ( Longchamps ) استاد دانشگاه و شخصیت حزب سوسیالیست سوئیس.
- ۳- خانم ف - پتیلو ( F. Pitteloud ) نماینده‌ی مجلس از حزب سوسیالیست سوئیس
- ۴- آقای ر - آبلو ( R. Abeggler ) اقتصاددان معروف و عضو حزب سوسیالیست سوئیس.
- ۵- خانم ب . آبلو ( B. Abeggler ) روانشناس و عضو حزب سوسیالیست سوئیس و ۸۲ امضاء دیگر شامل پزشکان، اساتید دانشگاه، نمایندگان پارلمان، حقوقدانان و وکلا، سندیکالیست‌ها، نویسندگان و دیگر شخصیت‌ها و عناصر مترقی سوئیس. \*

توضیح:  
روز ۵ مه کنفرانسی تحت عنوان "مبارزه مسلحانه در کشورهای جهان سوم" در مورژ ( Morge ) سوئیس با شرکت احزاب مترقی (سوسیالیست، کمونیست) و سازمان‌ها، سندیکاها و شخصیت‌های مترقی سوئیس تشکیل گردید. در این جلسه که با حضور بیش از ۶۰۰ نفر برگزار شد از آقای دکتر کاظم رجوی نماینده‌ی شورای ملی مقاومت در سوئیس دعوت شد که در مورد مبارزه و مقاومت در ایران صحبت کنند. سخنرانی ایشان مورد استقبال زیاد حاضرین قرار گرفت.

در پایان مراسم شخصیت‌های شرکت کننده متن زیر را خطاب به برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت نوشته و امضاء کردند:

۵ مه ۱۹۸۳  
به مجاهد خلق مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران امضاء کنندگان زیر از مبارزه‌ی قاطع شما علیه رژیم واپسگرا و عوام‌فریب خمینی با تمام قوا حمایت نموده و همچنین از اقدامات شورای ملی مقاومت ایران پشتیبانی می‌نمایند.

رژیم خونخوار موجب انحراف همه‌ی اهداف انقلاب

بزرگ ایران شده و جز از طریق ادامه‌ی جنگ و وحشت وسیله‌ی دیگری برای حفظ قدرت نمی‌شناسد.

ما کمال موفقیت شما را در پیکارتان علیه این رژیم جنایتکار آرزو می‌کنیم.

۱- آقای بوس، کشیش مترقی سوئیس ( Buss )  
۲- آقای ژان زیگلر: جامعه‌شناس و نماینده‌ی پارلمان از حزب سوسیالیست سوئیس

از سوی دیگر اعلام خبر کشف شبکه‌ی تشکیلاتی در زندان‌های شیراز و اعمال سرکوب بیشتر در مورد زندانیان، بخوبی بیانگر این واقعیت است که علیرغم تبلیغات مضحک رژیم خمینی دایر بر ابراز "ندامت" رزمندگان اسیر، مقاومت قهرمانانه‌ی فرزندان رشید خلق، آتش مقاومت انقلابی سراسری را در درون شکنجه‌گاه‌های قرون وسطائی رژیم خمینی، همچنان شعله‌ور

ملاحظه می‌کنید که تاکیدات دادستان ضدانقلابی خمینی در شیراز مبنی بر اینکه بنا به دستور رئیس دیوان عالی خمینی روی لیست زندانیان باصلاح "تواب" در شرف آزادی، بررسی مجدد به عمل خواهد آمد، و بخصوص اظهارات او در مورد "کشف شبکه‌ی تشکیلاتی در بین توبه کنندگان"! بخوبی بیانگر تصمیم جنایتکارانه‌ی جدید خمینی در مورد گسترش کشتار و شکنجه و

## حمله و هجوم مردم به مقر بسیج ضد خلقی کلارک کرج

بقیه از صفحه‌ی اول  
ضدمردمی مزدوران رژیم به مخالفت برمی‌خیزند. مخالفت و اعتراض مردم به اشکال مختلف ادامه داشت تا اینکه در تاریخ ۶۲/۱/۲۷ مزدوران بسیجی اقدام به دستگیری تعدادی از جوانان محل که به عنوان اعتراض در برابر مقر بسیج ضد خلقی اجتماع کرده بودند می‌نمایند.

پس از این جریان اهالی محل با تجمع در برابر ساختمان بسیج شروع به اعتراض کرده و با مزدوران مستقر در بسیج درگیر می‌شوند. مردم خشمگین با سنگ و چوب تمامی در و

پنجره و شیشه‌های ساختمان را درهم می‌شکنند و حتی تلاش می‌کنند که مزدوران بسیجی را خلع سلاح کنند. در این هنگام واحدهای سپاه ضد خلقی که بنا به درخواست بسیج منطقه چندین واحد نیروی کمکی به محل اعزام کرده بود، با تیراندازی اقدام به سرکوب مردم نموده و آنها را از اطراف ساختمان بسیج پراکنده می‌نمایند، و پس از آن نیز تعدادی از پاسداران مزدور به مدت چندین روز برای جلوگیری از حرکت‌های اعتراضی مردم در محل مستقر می‌شوند.

\*\*\*



اعتراضات کارگران و تشدید اختناق در کارخانهها جستجو می‌کند. البته ناگفته نماند که رژیم دجال خمینی، هرازگاهی نیز وعده و وعیدهای توخالی خود را تکرار می‌کند. سیاست ضد خلقی رژیم را، در طول سال گذشته و آغاز سال جدید، در سرکوب یکسری از اعتراضات و اعتصابات کارگری مشاهده کردیم ولی در مقابل حتی وعده و وعیدها و شعارهای توخالی سردمداران رژیم در طول این مدت به حدت و شدت سال‌های قبل نبوده و تنها در حد تیتراژی درشت بر صفحات روزنامه‌های جیره‌خوار باقی‌ماند. قابل توجه است که در روز جهانی کارگر بازم سردمداران رژیم فرصت را برای عوام‌فریبی از دست نداده و در رابطه با کارگران و زحمتکشان شعارهایی دادند. اما این بار شعارها به قدری کلی و مسخرآمیز بود که حتی از خاصیت عوام‌فریبی نیز برخوردار نبود.

هاشمی وزیر صنایع در کارخانه‌ی پارس الکتریک می‌گوید: "هر کس کار کند، کارگر است اعم از کشاورز، کارگر ساختمانی، کارگر صنعتی و بطور کلی همه‌ی اقشاری که کار

انجام دهی ... عرق کارگران همانند خون شهیدان است" نخست‌وزیر ارتجاع در مورد روز جهانی کارگر چنین می‌گوید: "روز کارگر که دشمنان اسلام به آن امید زیادی بسته بودند به روز خداوند و روز حاکمیت ارزش‌های اسلامی تبدیل شده است و با حاکمیت چنین ارزش‌هایی است که کارگران ما کار خود را که توام با

دیوانعالی خمینی: "روز کارگر ما نباید مثل روز کارگر اروپا یا سایر نقاط دنیا باشد. ما وقتی امسال روز کارگر را برگزار می‌کنیم باید ببینیم به مناسبت روز کارگر از سال گذشته تا امسال برای کارگران چه کرده‌ایم. بار مملکت روی دوش مستضعفین است ... خدا نکند ما از آنهایی باشیم که به نفع مستضعف شعار بدهیم و به نفع مستکبر عمل کنیم." موسوی نخست‌وزیر خائن

جز سرکوب و فقر و بدبختی نصیب کارگران و زحمتکشان جامعه نشده است. بویژه گسترش روزافزون اعتراضات کارگری باعث شده است که رژیم بطور جدی سرنیزه سرکوب را نیز در لابلای وعده‌های توخالی خود به رخ کارگران بکشد. و به این دلیل این روزها تهدید به سرکوب و تشدید اختناق در محیط‌های کارگری، در نطق و شعارهای مرتجعین جای خاص خود را

قسمت‌هایی از سخنان او توجه نمائید: "... برآشفته کردن وضع کارخانجات اضافه بر آشفتگی سیاسی هنوز می‌تواند یک برگ برنده‌ای باشد که آمریکا (!؟) می‌تواند رویش حساب کند. ما معتقدیم وجدای می‌گوئیم دست - هائی در کار هستند که این محیط‌ها را به آشوب بکشند و اتکاء ما هم در مقابل توطئه‌ها به خود کارگران مسلمانی است که باید این هوشیاری را داشته باشند و باید این هوشیاری به آنها داده شود که در مقابل این مسائل بایستند ... البته معتقدیم که اگر یک روزی یک کارخانه‌ای پیدا شود ولو با کارگران کم یا زیاد که نخواهد در جهت این انقلاب و در جهت این مردم حرکت کند ... اگر توجه پیدا کنند که یک کارخانه ممکن است باعث دردسر شود بطور کلی از تمام محصولات آن کارخانه صرف‌نظر خواهند کرد و خودشان مسالهی آن کارخانه را حل خواهند کرد. اخیراً مقامات قضائی در حال گفتگو هستند که مسائل کارگری را به مرجع صلاحیت‌داری واگذار کنند و ما از این تبدیل و تبدیل خوشحالیم ..."

(کیهان ۶۲/۱/۲۷)

واضح است که منظور این

## وعده‌های پوچ و سرکوب واقعی رژیم خمینی در مورد کارگران

اعتقاد و مذهب می‌باشد به عنوان عملی عبادی می‌دانند و کار در کارخانه از جهاد در جبهه‌های جنگ کمتر نیست."

و این هم حرف‌های خامنه‌ای در مورد "معلم" و "کارگر": "حقیقت این است که شما معلمین همه کارگرید شما با تلاش و کار، انسان می‌سازید و مصنوعات شما برای پیشبرد آینده‌ی این کشور همین انسان سازی شماست ... شما

خمینی نیز طی یک مصاحبه‌ی تلویزیونی، در مقابل این سوال خبرنگار که: "... در آستانه‌ی روز کارگر چه نویدی برای کارگران در سنگر تولید دارید و حرکت‌های گروهک‌ها را که به عنوان طرفداری از کارگر در محیط‌های کارگری آشوب می‌کنند چگونه تحلیل می‌کنید و ناشی از چیست ...؟"، پاسخ داد: "... اگر در کشور ما چیزی ساخته می‌شود مال همین برادرها می‌باشد ... دولت سیاست‌هایی در رابطه با مسائل اقتصادی در پیش گرفته که خدای ناکرده باعث ضربه‌زدن حادی به کارگران نشود ...!" (کیهان ۶۲/۱/۲۷)

دارد. مقدم بر همه، خمینی دجال در ۴ اردیبهشت امسال به ابادیش خط می‌دهد تا با "جهاد بزرگ اسلامی" به مقابله با اعتراضات کارگران بروند. نخست‌وزیر خائن خمینی هم در پاسخ سوال خبرنگار در مورد "آشوب" در محیط‌های کارگری، از پاسخ مستقیم طفره رفته و متقابلاً بر تقویت هرچه بیشتر انجمن‌های ضد اسلامی و به عبارت دیگر شاخک‌های جاسوسی

**تهدیدهای فوق و فعل و انفعالاتی که رژیم قصد دارد در زمینه‌ی مسائل کارگری انجام دهد بخوبی بیانگر نگرانی و استیصال و درماندگی رژیم از رشد فزاینده‌ی مقاومت در محیط‌های کارگری است، و در آینده بحران‌های جدی را بر سایر بن‌بست‌ها و بحران‌های غیرقابل حل رژیم متزلزل خمینی خواهد افزود.**

کارگران هم معلمید، معلم تلاش، کار، سازندگی و ابتکار، شما کارگران، معلم صبر و تحمل کردن زحمات، برای انجام کارهای مفید و ضروری هستید و در حقیقت شما دو قشر کارگر و معلم خیلی به هم نزدیک هستید ...

برای این انسان‌های صبور و زحمتکش آنچه مهم است ارزش نهادن به انسانیت آنها و بها دادن به قدرتشان و تاثیرشان در جامعه است، زیرا در گذشته چنین نبوده و هنوز هم در بسیاری از مناطق جهان خصوصاً در کشورهای سرمایه‌داری و سوسیالیستی، کارگر به عنوان یک ابزار کار مطرح است ... ما بایستی همچنان به سوی رفع محرومیت از قشرهای زحمتکشی چون کارگران، معلمان و کشاورزان پیش برویم ... و اما حرف‌های رئیس

می‌کنند کارگر نامیده می‌شوند. " و لابد این جانی فراموش نکرده است که امام رذالت پیشگان هم قبلاً گفته بود: "تم هم کارگره"، "خدا هم کارگره" وزیر خائن کار و ضد کارگر در پیام خود چنین می‌گوید: "مردم محروم و رنج‌دیده‌ی دنیا خصوصاً کارگران زحمتکش جهان بدانند که شرق و غرب آزمایش تاریخی خود را به قیمت نابودی فرهنگ بشریت و کشتار وحشیانه‌ی آنان و مکیدن شیر جان زحمتکشان پس داده‌اند و اینجاست که انقلاب اسلامی از زبان کارگرسر ندا می‌دهد: ای مردم آزاده جهان بهوش باشید که شما را پیامی است سواى فرازهای دنیای کنونی ... تو یک انسان کارگر برای خدا باش ... و کار را پیش از دریافت مزد به قصد قربت و تقرب الی‌الله

در طول چهار سال حاکمیت ویرانگر رژیم خمینی از اینهمه شعارهای عوام‌فریبانه که خمینی و اعوان و انصار پلیدش از بام تا شام برای "مستضعفان" و "کوخ‌نشینان" سرداده‌اند، چیزی جز سرکوب و فقر و بدبختی نصیب کارگران و زحمتکشان جامعه نشده است.

خائن از بکاربردن عناوین "انقلاب" و "مردم" همان رژیم ارتجاعی خمینی و دار و دسته‌ی وابسته به آن می‌باشد و منظور از "کارگران مسلمان" نیز همان هزدوران و جاسوسان انجمن‌های ضد اسلامی کارخانه‌ها می‌باشند که استاندار اصفهان نقش آنها را در مراقبت از کارگران و جلوگیری از اعتراضات و اعتصابات در کارخانه‌ها مورد تاکید قرار می‌دهد. و منظور وی از "مرجع صلاحیت‌دار" نیز همان پاسداران ظلمت و تباہی می‌باشند.

تهدیدهای فوق و فعل و انفعالاتی که رژیم قصد دارد در زمینه‌ی مسائل کارگری انجام دهد بخوبی بیانگر نگرانی و استیصال و درماندگی رژیم از رشد فزاینده‌ی مقاومت در محیط‌های کارگری است، که در آینده بحران - های جدی را بر سایر بن‌بست‌ها و بحران‌های غیرقابل حل رژیم متزلزل خمینی خواهد افزود \*

و سرکوب و اختناق رژیم در کارخانه‌ها تاکید می‌کند. (کیهان ۶۲/۱/۲۷) نخست‌وزیر ارتجاع، دو هفته بعد از این تاریخ در اصفهان سوال فوق‌الذکر را صریح‌تر پاسخ می‌دهد: "من به مدیریت کارخانه‌ها توصیه می‌کنم که به مسئله‌ی شوراها و انجمن‌های اسلامی کارگری که دولت آنها را یک نهاد انقلابی و جوشیده از بطن مردم تلقی می‌کند، توجه داشته باشند و کارگران عزیز نیز باید در کنار مدیریت برای پیشبرد اهداف انقلاب فعالیت کنند."

اما در این زمینه، سخنان کرباسچی استاندار جدید اصفهان (با توجه به موقعیت کارگری شهر اصفهان و مسائلی که در کارخانه‌های آن بویژه ذوب آهن می‌گذرد) حائز اهمیت بیشتری است و بوضوح بیانگر ماموریت تازه‌ی او در سرکوب اعتراضات کارگران اصفهان می‌باشد. به



# گرامی باد خاطره مجاهد قهرمان شهید حمید جلال زاده

فَضَّلَ اللهُ الْمَجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ اجْرَاعًا عَظِيمًا

مجاهد شهید حمید جلال زاده در سال ۱۳۲۵ در شیراز متولد شد. پس از گذراندن تحصیلات متوسطه، در دانشکده فنی تهران در رشته مهندسی راه و ساختمان به تحصیلات خود ادامه داد. در دانشگاه فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد. حمید ۴۷ سال از دانشگاه فارغ - التحصیل شد و تا سال ۵۰ فعالیت‌های پراکنده سیاسی او ادامه داشت. در سال ۵۰، و همزمان با آغاز مبارزه مسلحانه انقلابی، با مجاهد شهید مهدی رضائی در ارتباط قرار گرفت و این فعالیت‌ها تا زمان دستگیری مهدی - اردیبهشت ۵۱ - ادامه داشت. در جریان دستگیری مهدی و یورش مزدوران ساواک به خانه آنها، حمید نیز بانفاق مجاهد شهید محمدرضا ساداتی دستگیر و در زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها قرار گرفت. اما علیرغم شکنجه‌های زیاد، هیچگاه تعهد خود به خدا و خلق را فراموش نکرد و با مقاومت سرسختانه و هوشیاری انقلابی خود توانست از این آزمایش نیز سربلند و سرافراز بیرون بیاید. پس از اتمام بازجویی‌ها، او به پنج سال زندان محکوم شد و پس از آن کم‌مدتی در زندان‌های کمیته موقت شهربانی بود به زندان قصر منتقل گردید.



مراحل عالیتر مبارزه و تقبل مسئولیت‌های سنگین‌تر آماده می‌نمود. او بخوبی می‌دانست که "زندانی فقط یک مرحله از زندگی هر انقلابی است" و هر انقلابی باید در کلیه شرایط به فکر آینده انقلاب، خلق و سازمان و تشکیلات خود باشد. حمید

بند ۴ و ۵ زندان قصر منتقل گردید. بازگشت به قصر و قرار گرفتن تحت مسئولیت برادرانی چون مجاهد شهید فرمانده ذوالانوار و برادر مجاهد علی زرکش باعث افزایش هرچه بیشتر توان مبارزاتی و تشکیلاتی حمید شد. حمید در زندان قصر دارای مسئولیت‌های متعددی در زمینه - های آموزشی، امنیتی و تشکیلاتی بود. چندی بعد یعنی زمانی که تعدادی از برادران - از جمله برادر مجاهد مسعود رجوی که قبلاً به کمیته برده شده بود - به اوین منتقل شدند، مسئولیت‌های او بیشتر و سنگین‌تر شد. او با اتکاء به تجربیات و دستاوردهای گرانبهای داخل زندان در هر مرحله، با موفقیت به مرحله جدید وارد می‌شد و مسئولیت‌های بیشتری را عهده‌دار می‌گردید. سال ۵۴ همزمان با ضربهی خائنانهی اپورتونیستی و بازتاب آن یعنی بروز زودرس جریان راست ارتجاعی، حمید نیز مانند سایر برادران مجاهد خویش وارد یکی از حساس‌ترین مقاطع مبارزات ایدئولوژیک سیاسی و تشکیلاتی خود شد. او تحت مسئولیت برادر مجاهد علی زرکش به سهم خود در مبارزه با این دو جریان انحرافی و در دفاع از مواضع سازمان شرکت داشت. در سال ۵۶ بقیه در صفحه ۱۸

حمید نقش ارزشمندی در سازماندهی جنبش کارگران مسلمان، انتشار نشریهی بازوی انقلاب و آگاه‌سازی کارگران - از طریق کارهای توضیحی - داشت. بعدها این اقدامات همگی مقدماتی شدند تا با آغاز مبارزه مسلحانهی انقلابی، نیروهای کارگری سازمان یکی از ذخایر ارزندهی سازمان در جریان این نبرد تاریخ ساز گردند.

همواره می‌گفت "زندانی آدمی مبارزه‌ی بیرونست" او بخوبی پیوند ارگانیک و تاثیر متقابل زندان و بیرون را درک کرده بود. در سال ۵۲ حمید به اتفاق تعدادی از برادران دیگر به زندان قزل‌حصار تبعید شد. در آنجا فرصت بیشتری بود تا ضمن شکل دادن به روابط تشکیلاتی آنجا - تحت مسئولیت مجاهد شهید فرهاد صفا - آموزش‌های نیمه‌تمام خود را تکمیل کند. در خلال این مدت او عهده‌دار مسئولیت‌های متعددی از قبیل برخورد با پلیس، ارتباط با سایر گروه‌ها و ... بود. در سال ۵۲ حمید مجدداً به

حمید بلافاصله پس از ورود به زندان در درون روابط تشکیلاتی داخل زندان قرار گرفت. آن سالها، زندان، که بخصوص به همت مجاهدین اسیر به دانشگاه انقلاب تبدیل شده بود، محیط مساعدی بود که حمید توانست در آن به مبارزه‌ی خویش ادامه داده و بیشترین استفاده را در جهت رشد انقلابی و کسب صلاحیت‌های مربوطه بنماید. او به سرعت آموزش‌های ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی سازمان را فرامی‌گرفت و به این ترتیب با اندوختن ذخیره‌های ارزشمند، خود را برای ورود به

## به یاد مجاهد شهید زکیه محدث (جلال زاده)

از پائیز ۵۸ زکیه بطور تمام‌وقت و حرفه‌ای در نهاد دانش‌آموزی به فعالیت پرداخت. وی در ابتدا مسئولیت برخی از مدارس منطقه‌ی مرکزی تهران را تحت نظر مجاهد شهید نصرت رضائی (ضابطی) به عهده داشت و پس از آن نیز مدتی در ارتباط با دانش‌آموزان منطقه‌ی شرق تهران کار می‌کرد. مجاهد شهید زکیه محدث از انگیزه‌های مبارزاتی قوی و حل‌شدگی کامل تشکیلاتی و احساس مسئولیت نسبت به وظایف انقلابی‌اش در همه‌ی زمینه‌ها برخوردار بود. اما آنچه که باید به عنوان بارزترین ویژگی‌های انقلابی خواهر مجاهد شهید زکیه محدث از آن‌ها نام برد، صداقت، خلوص انقلابی و عاری بودن وی از گرایشات و تمایلات فردگرایانه و رباکارانه بود. ویژگی‌هایی که در اولین برخورد با زکیه، به خوبی خود را نشان می‌داد و

خواهر مجاهد زکیه محدث در سال ۱۳۳۷ در خانواده‌ای متوسط در تهران بدنیا آمد و تحصیلات ابتدائی و متوسطه‌ی خود را در همین شهر به پایان رساند. او که بخصوص از طریق برادرش مجاهد شهید حسن محدث و از همان دوران دبیرستان با مسائل سیاسی آشنا شده بود، از بدو ورود به دانشگاه در سال ۵۵، بطور فعال در حرکت‌های دانشجویی شرکت جست. بطوری که پس از مدت کوتاهی به عنوان یکی از فعال‌ترین دانشجویان در دانشکده‌ی علوم دانشگاه تهران شناخته شد. زکیه در برگزاری برنامه‌های جمعی دانشجویی نظیر کوهنوردی و ... که در آن شرایط زمینه‌ی مساعدی در جهت آماده شدن برای فعالیت‌های مبارزاتی بود، نقش بسزائی داشت.

مجاهد شهید زکیه محدث در دوران دانشگاه با مطالعه‌ی کتب و آثار مجاهدین و نیز در ارتباط با دانشجویان هوادار

آنچه که باید بعنوان بارزترین ویژگی‌های انقلابی خواهر مجاهد شهید زکیه محدث از آن‌ها نام برد، صداقت، خلوص انقلابی و عاری بودن وی از گرایشات و تمایلات فردگرایانه و رباکارانه بود. ویژگی‌هایی که در اولین برخورد با زکیه، به خوبی خود را نشان می‌داد و این نقطه‌قوت‌های او انگشت گذاشته می‌شد.

سازمان، با آرمان‌ها و اهداف مجاهدین آشنائی پیدا کرد. پس از پیروزی انقلاب و طی مدت زمانی که شوراها و دانشکده‌ها برقرار بود زکیه یکی از نمایندگان دانشجویان در شورای دانشکده بود و در همین رابطه، از عناصر اصلی مقاومت در برابر انحصارطلبی‌ها و برخوردهای ارتجاعی فلالنژها و مزدوران رژیم در دانشکده به حساب می‌آمد. طی این دوران او به همراه تعدادی دیگر از دانشجویان هوادار مجاهدین با نهاد دانشجویی سازمان ارتباط داشت. در تابستان ۵۸، در اردوی خواهران دانش‌آموز هوادار سازمان که در کرج تشکیل شده بود، زکیه معاونت یکی از مسئولین اردو را به عهده داشت.



## حماسه‌های مجاهد خلق،

### لحظه‌های انقلاب

# نبردی زندگی ساز...

## گزارشی از چگونگی شهادت قهرمانانه خواهران مجاهد

### مهری شیرنگی و ملیحه مرتضوی در حین يك مأموریت انقلابی

اتوموبیل را به سمت راست جاده هدایت کرد اطرافش را نگرید. کم‌کم غروب می‌شد. سمت چپ جاده رودخانه‌ای با موج‌های ریز و درشت خود شتابان بر روی بستر پهن و سنگی خود می‌غلطید و به پیش می‌شتافت و در سمت راست جاده روستاهای کوچک و کشتزارهای اطراف آن که در مه آبی رنگی فرو رفته بودند و بعد از آن جنگل که اندک‌اندک انبوه‌تر می‌شد پیدا بود. "مهری" با دیدن گالش (۵) پییری که مشغول رد کردن گاوهایش به آنسوی جاده بود سرعت

در قبیلگی سبزپوشان رویان بر فرشی به رنگ گلبوته‌های خاک و آفتاب در انبوه فشرده‌ی شمشادهای هم‌اره بهار بر شانه‌ی رودی بزرگ یا چشمه‌ای ظریف بر یال تپه‌ای، کتلی، یا عمق دره‌ای قبل از طلوع پرواز سینه سرخ و یا چه‌چبه شامه‌دار "زیک" (۱) قبل از شروع کار جوار کهنه‌کار دارکوب سخت‌کوش و یا خمیازه‌ی پلنگ رزمندگان بیدار دل در راستای رزمی بزرگ با دیو تیرگی نوید خورشید را با سرود و سلاح به یل‌دای خلق شلیک می‌کنند...

اردیبهشت ۶۱

که پرونده‌های سیاه در ضدیت با مجاهدین و انقلابیون داشت به پاسگاه "هولار" منتقل کرده‌است. با اینهمه نا لحظاتی دیگر آنها می‌بایستی برای انجام مأموریت خود از مقابل این پاسگاه عبور کنند. مأموریتی که طی آن می‌بایست یکی از مسئولین واحدهای عملیاتی جنگل برای انجام برخی کارها به شهر منتقل شود...

"ملیحه" دوباره به "مهری" که همچنان آرام در حال رانندگی بود نگاه کرد و گفت: "کم‌کم باید به "هولار" برسیم... از وضعیت پاسگاه که خبر داری! رژیم حسابی نیروهاشو تو این پاسگاه و پاسگاه‌های دیگه تقویت کرده." "مهری" نگاهی به "ملیحه" کرد و دوباره به جاده چشم دوخت و در حالیکه لبخند می‌زد گفت:

"باید نیروهاشو تقویت کنه! این روزها واحدهای عملیاتی، خواب راحت رو از رژیم گرفتن... و بعد پایش را روی گاز فشرد و از اتوبوسی که تعدادی از روستائیان را به "کیاسر" می‌برد سبقت گرفت. و پس از آنکه دوباره

تاریخ: ۲۵/ اردیبهشت/ ۶۱  
ساعت: ۹ و ۳۰ دقیقه شب  
مکان: ساری - خیابان سنگ - تراشان

صدای گریه‌ی "گلشید" (۲) که نیم‌ساعتی بود امان مادرش را بریده بود قطع شد و دقایقی بعد با صدای نفس‌های آرامش نشان داد که به خواب رفته‌است. "ملیحه" (۳) نگاهی به ساعت خود و بعد به "مهری" (۴) که مشغول رانندگی بود انداخت و به فکر فرو رفت. نزدیک نیم ساعت بود که از "ساری" حرکت کرده بودند و الان می‌بایستی حوالی پاسگاه "هولار" باشند. با به یاد آوردن اخبار و اطلاعاتی که روز قبل از مسئولین خود شنیده بود اندکی احساس نگرانی کرد. اطلاعات رسیده حاکی از آن بود که رژیم پس از تهاجم مجاهدین مستقر در جنگل به مرکز بسیج مزدوران در "قادیلا" و درهم کوبیده شدن آن، شدیداً روی منطقه حساس شده و برای کنترل دقیق‌تر جاده‌ی "ساری - کیاسر" چند تن از فالانترترین مأمورین خود از جمله یک استوار زاندارم‌ری را

زیبائی‌های این مبین و مردم را ناپود گنه... حتی خمینی، با وجود این جرثومه‌ی خیانت و تاریکی، مرز بین زشتی و زیبائی و حقیقت و دروغ روشن‌تر از همیشه کشیده شد. مرز بین شگوه و عظمت و حقیقت انقلاب و انقلابی با ضعف و زبونی و فساد و فریب ارتجاع و سازشکاری... چیزی که سرانجام ناپود خواهد شد زشتی‌ها و ناپاکی‌هاست که خمینی در راس همه‌ی آنها قرار دارد. فعلاً که شگوه و درخشش انقلاب چشم‌های این جرثومه‌ی تباهی رو خیره کرده. این که از وضع کنونی، آینده را هم اگر که زنده ماندیم، خواهیم دید و اگر در این نبرد زندگی‌ساز فدا شدیم که مهم نیست دیگران بعد از ما به زندگی شایسته‌ای خواهند رسید... و بعد بی‌اختیار، یک دستش را از فرمان اتوموبیل برداشت و آنرا روی اسلحه‌ی "برنا"ئی که در زیر لباس به کمرش بسته بود فشرد و از لمس کردن آن احساس آرامش کرد. مدت‌ها بود که احساس می‌کرد این اسلحه تکه‌ای از وجودش شده. ... "ملیحه" از شنیدن حرفهای مهری احساس نشاط و سبکی خاصی کرد و به بیرون نگاه کرد. جاده برایش آشنا بود. بارها از این جاده گذشته بود. اوایل که چند بار با همسرش که اکنون دور از او و فرزند

مشغول و رفتن به ماشین جیب جلوی پاسگاه بود. از پاسگاه که دور شدند مهری دوباره سرعت گرفت. چیزی به موعد قرار نمانده بود. \* \* \* پاسداری که مشغول درست کردن جیب بود با خستگی سرش را بلند کرد و گفت: "درست بشو نیست. هر چی ماشین درست و حسابی بوده و گذاشتن بردن گشت اونوقت این قراضه رو گذاشتن اینجا، اگه یه مسالده‌ای پیش بیاد معلوم نیست چیگار باید کرد" و بعد دست‌های روغنی‌اش را با پارچه‌ی کهنه‌ای پاک کرد و به طرف پاسگاه راه افتاد و پس از عبور از راهروی مقابل اتاق‌ها وارد اتاق بی‌سیم شد و می‌خواست با پاسدار دیگری که پشت بی‌سیم نشسته بود صحبت کند که با اشاری دست او مجبور به سکوت شد. پاسداری که پشت دستگاه بی‌سیم نشسته بود چند دقیقه بعد و پس از پایان مخابراتی پیام، گوشی بی‌سیم را از گوش‌هایش برداشت و گفت: "بچه‌های گشت الان پیام دادن که تمام جنگلو زیر و رو کردن ولی از منافقین هیچ ردی گیر نیاروند. معلوم نیست بعد از حمله به بسیج "قادیلا" کجا گم‌و‌گور شدن، شاید سر و کله‌شون اینطرفا پیدا بشه. فعلاً که دستور

"مهری" حرف "ملیحه" را قطع کرد و گفت: "... چیزی که سرانجام ناپود خواهد شد زشتی‌ها و ناپاکی‌هاست که خمینی در راس همه‌ی آنها قرار دارد. فعلاً که شگوه و درخشش انقلاب چشم‌های این جرثومه‌ی تباهی رو خیره کرده. این که از وضع کنونی، آینده را هم اگر که زنده ماندیم، خواهیم دید و اگر در این نبرد زندگی‌ساز فدا شدیم که مهم نیست دیگران بعد از ما به زندگی شایسته‌ای خواهند رسید..."

رسیده جاده رو ببندیم و یکی دو ساعتی افرادی رو که بهشون مشکوک می‌شیم بازرسی کنیم." و دیگری جواب داد: "منم اوادم همین مساله بقیه در صفحه ۱۷ پاورقی: ۱ - زیک - نام محلی پرنده‌ای شبیه به گنجشک ۲ - گلشید - فرزند خردسال مجاهد شهید ملیحه مرتضوی که هم‌اکنون نیز در اسارت رژیم خمینی است. ۳ - مجاهد شهید ملیحه مرتضوی ۴ - مجاهد شهید مهری شیرنگی (مه‌دوی) ۵ - گالش - روستائیان ستمدیده‌ای که در حاشیه‌ی جنگل زندگی می‌کنند و به دامداری می‌پردازند.

کوچک‌شان در حال نبرد با خمینی بود و بعدها در حین انجام مأموریت‌هایی که به عهده‌اش گذاشته می‌شد... صدای "گلشید" او را بخود آورد. "گلشید" پس از خوابی کوتاه از تکان‌های ماشین بیدار شده بود و با نگاهی متعجب و شیرین او را می‌نگریست. و بعد یکمرتبه لبخند زد. ساختمان پاسگاه از دور پیدا شده بود. "مهری" به "ملیحه" گفت: "بچه رو بغل کن. الان به پاسگاه می‌رسیم. اینجوری عادی‌تره." "ملیحه" بچه را در آغوش گرفت و چند لحظه بعد به آرامی از جلوی پاسگاه گذشتند. یک استوار ریشو و تنومند در حالیکه به درخت جلوی پاسگاه تکیه داده بود با پاسداری مشغول صحبت بود و یک پاسدار هم

اتوموبیل را کم کرد و وقتی که گالش گاوهایش را از جاده رد کرد و دستش را بعنوان تشکر برای آنها تکان داد دوباره سرعت گرفت و به ملیحه گفت: "خوب اطراف خودتون نگاه کن... این جنگل و کوه و رودخونه و خورشیدی که موقع غروب انگار تور زرینی بر سر تمامی درختان جنگل پهن کرده بدرد شعرهای تو می‌خوره... تو هم که همیشه ماشاءالله مشغول سرودنی." "ملیحه" خندید و گفت: "موقعیکه خمینی بره زندگی، زیبائی واقعی خودشو آشکار می‌کنه الان با وجود خمینی زیبائی خیلی چیزها از بین رفته... و "مهری" حرف "ملیحه" را قطع کرد و گفت: "هیچ چیز نمی‌تونه



# گزارشی از شرکت اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان خارج از کشور

## در تظاهرات روز جهانی کارگر در کشورهای مختلف جهان

**انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه، حمله تروریست های خمینی به تظاهرات اول ماه مه در پاریس را محکوم می کند**

انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه ( هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران ) با ابراز تأسف، حمله تروریست های صدارتی خمینی به تظاهرات اول ماه مه در پاریس را که نشانه ماهیت ضددمکراتیک و ضدکارگری رژیم خمینی است، محکوم می کند.

این حملات که موارد مشابه آن بارها در پاریس و سایر نقاط جهان صورت گرفته است، همواره توسط عوامل خمینی که با سوءاستفاده از پوشش دیپلماتیک به کشورهای مختلف جهان اعزام می شوند، صورت می گیرد. آنان موظفند تا با توسل به خشونت و ترور، نیروهای دمکراتیک، آزادیخواه و مبارز ایران در خارج از کشور را مورد حمله قرار دهند.

سیاست صدور تروریست و سازماندهی آن مستقیماً زیر نظر شخص خمینی و جانشین وی منتظری قرار داشته و بودجه های هنگفتی به آن اختصاص داده می شود.

انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران  
۶۲/۲/۱۲



فرانسه

گردد.

چند دقیقه ای از شروع تظاهرات نگذشته بود که تروریست های صدارتی خمینی، در حالی که چماق های بلندی در دست داشتند و عکس امام جنایتکارشان را نیز بر سینه نصب کرده بودند، به سوی صفوف انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه حمله کردند. اما مقاومت خواهران و برادران



فرانسه

چند دقیقه ای از شروع تظاهرات نگذشته بود که تروریست های صدارتی خمینی با چماق به صفوف انجمن دانشجویان مسلمان حمله کردند.

مختلف جهان از هواداران مجاهدین خلق ایران و آرمان های حق طلبانه و آزادیخواهانه آنها بود. در واقع شرکت کنندگان در تظاهرات بزرگداشت روز جهانی کارگر با ابراز حمایت خود از دانشجویان هوادار مجاهدین، به عنوان نمایندگان مقاومت مشروع و عادلانه ی خلق مان در خارج از کشور، همدردی خویش را نسبت به مردم، کارگران و زحمتکشان ایران ابراز می نمودند.

این همدردی ها که به اشکال مختلف، از تشویق و ابراز احساسات گرفته تا کمک های مادی و ابراز انزجار از رژیم ضدبشری خمینی و حتی حلقه زدن به دور دانشجویان هوادار مجاهدین خلق (و نیز حفاظت از آنها در برابر تهاجم وحشیانه تروریست های صدارتی خمینی در پاریس) ابراز می شد، به خوبی نشان می دهد که فعالیت های افساگرانه ی هواداران مجاهدین خلق تا چه حد حقانیت مقاومت عادلانه ی مردم ایران از یکسو و ماهیت ضدکارگری، ضد مردمی و سرکوبگرانه ی خمینی را از سوی دیگر به مردم جهان شناسانده است.

آنچه در زیر می خوانید گزارش کوتاهی است از شرکت اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان خارج از کشور در تظاهرات روز جهانی کارگر در کشورهای مختلف جهان که اخیراً بدست ما رسیده است.

امسال نیز همانند سال گذشته، شرکت هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران در خارج از کشور در تظاهرات اول ماه مه (روز جهانی کارگر) چشمگیر و قابل توجه بود. انجمن های دانشجویان مسلمان (هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران) با شرکت در تظاهراتی که بوسیله ی احزاب، سازمان ها و سندیکاهای مترقی کارگری در کشورهای مختلف جهان برگزار می شد، فریاد خلق تحت ستم ایران و بویژه کارگران در زنجیر میهن مان را به گوش جهانیان رساندند.

آنها با در دست داشتن تصاویری از کارگران شهید و نیز با حمل پلاکاردهائی حاوی شعارهائی از قبیل "خمینی کارگران ایران را اعدام می کند"، "خمینی کارگران را در زندان ها، شکنجه گاهها و میدان های جنگ می کشد" و... همچنین از طریق برپا ساختن صحنه های اعدام، چهره ی تنگین و ضدبشری رژیم خمینی و بویژه جنایات او را در حق کارگران و زحمتکشان محروم میهن مان بیش از پیش رسوا ساختند و با دادن شعارهائی چون: "زنده باد صلح"، "زنده باد مقاومت خلق ایران"، "کارگران ایران از طرح صلح شورای ملی مقاومت پشتیبانی می کنند"، "مجاهدین امید کارگران ایران"، تنفر و انزجار کارگران میهن مان را - همچون تمامی خلق در زنجیر مان - از جنایات و سیاست های سرکوبگرانه و جنگ طلبانه ی خمینی و حمایت و پشتیبانی آنان را از مجاهدین خلق و طرح صلح شورای ملی مقاومت بیان داشتند.

خواهران و برادران دانشجویان در آن روز با پخش هزاران اطلاعیه و تراکت، گوشه هائی از تاریخچه مبارزات کارگران میهن مان را به اطلاع جهانیان رساندند. آنها همچنین بمناسبت روز جهانی کارگر ویژه نامه ی نشریه ی اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان خارج از کشور (که به ۸ زبان و در کشورهای مختلف جهان منتشر می گردد) را در جریان تظاهرات اول ماه مه توزیع نمودند که با استقبال بسیار گسترده ای روبرو گردید.

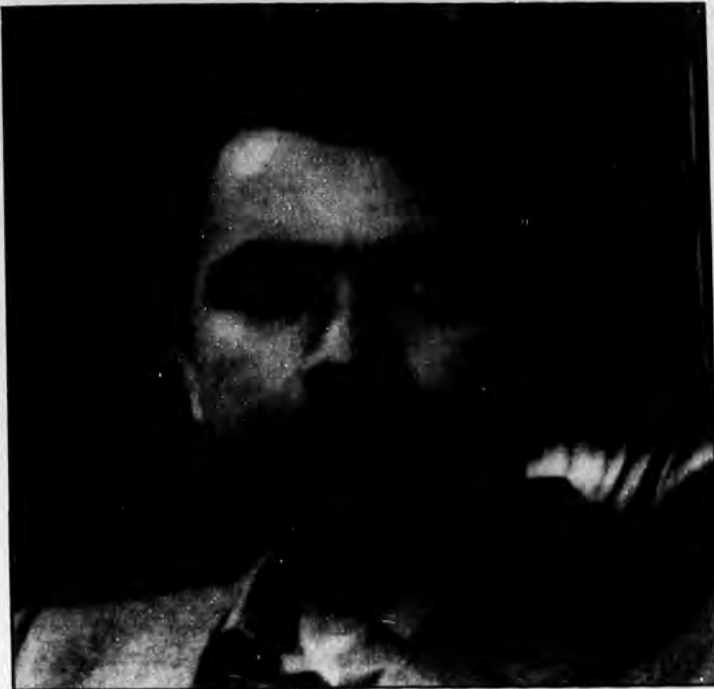
نکته ی قابل توجهی که در اغلب این تظاهرات به چشم می خورد، حمایت گسترده ی مردم کشورهای

دانشجو و حمایت فعال شرکت کنندگان در تظاهرات و مسئولین انتظامات آن که بلافاصله بدور صف هواداران سازمان حلقه زده و برای متفرق ساختن تروریست های خمینی جلاد به مقابله با آنها پرداختند، باعث گردید که آنها در کمال سرافکنندگی، زبونانه پا به فرار بگذارند.

صحنه ی مقاومت خواهران و برادرانمان در برابر حمله ی اوباش صدارتی خمینی، با حمایت فعال مردم همراه بود و بدین ترتیب مردم و بخصوص کارگران فرانسه یکبار دیگر نمونه ای از وحشیگریهای مزدوران خمینی را که در واقع بیانگر ماهیت ضدکارگری و ضددمکراتیک رژیم بقیه در صفحه ۱۶



# مصاحبه برادر مجاهد مسعود رجوی



تلاش می‌کردند، گفته‌ام که این هیئت‌ها با خمینی به هیچ نتیجه‌ای نخواهند رسید و تنها وقت خود را تلف می‌کنند. در حال حاضر خمینی در موضعی شدیداً ضعیف قرار دارد و ادامه‌ی جنگ، عامل عمده‌ی ادامه‌ی حیاتش می‌باشد. ما بر این نظریه که این مسئله می‌تواند از طریق گفتگوهای مستقیم و براساس مرزهای به رسمیت شناخته شده در قرارداد سال ۱۹۷۵ الجزایر حل شود. واضح است که ما با تمام مفاد این معاهده موافق نیستیم، اما مرزهای زمینی و آبی آن را به رسمیت می‌شناسیم و تابستان گذشته دولت عراق اعلام کرد که با این مسئله موافق است. باید در ابتدا یک آتش‌بس فوری اعلام کرد. بعداً در مرحله‌ی دوم که بسیار هم به اولی نزدیک است، باید زندانیان مبادله شوند و در عین حال مذاکرات مستقیم جهت پیدا کردن یک راه‌حل نهائی و قرارداد صلح انجام شود.

## انقلاب کالانیست

### که بتوان آنرا صادر کرد

\* سوال: اسلام چه جایی در مبارزه‌ی شما دارد؟

جواب: ابتدا باید بگویم که پس از سقوط خمینی ما یک مرحله‌ی گذار ۶ ماهه خواهیم داشت. طی این مدت ما باید انتخابات آزاد را در سرتاسر کشور برگزار کنیم و پس از اینکه مجلس موسسان تشکیل شد، این مجلس درباره‌ی دولت آینده و قانون اساسی تصمیم

هم چنین در میان دو کشور یک سنت صلح‌طلبی ظاهر شده است که من امیدوارم که تا نسل‌های آینده نیز ادامه یابد. لازم است خاطرنشان کنم که این ملاقات، ریسک سیاسی بسیار مهمی در بر داشت و تنها مجاهدین قادر بودند آنرا به عهده گیرند. باید بگویم که گزارشی که از داخل ایران بدستم می‌رسد، حاکی از یک هیجان عمومی در پی این ملاقات است.

تنها دو گرایش از این ملاقات بسیار ناراضی بودند و مخالفت خود را ابراز کردند. آنها نیروهائی هستند که در دشمنی خود با استقلال و آزادی، منافع مشترک دارند. این دو نیرو عبارتند از طرفداران خمینی و طرفداران شاه.

باین ترتیب، خلق ما متوجه شد که ما همچنان که قادر به مبارزه برای یک جنگ عادلانه هستیم، از توانائی مبارزه برای یک صلح عادلانه نیز برخورداریم.

تا زمانی که عراقی‌ها در خاک ما بودند با آنها جنگیدیم و امروز که طالب صلح هستند ما نیز آنرا رد نمی‌کنیم.

\* سوال: عاقبت جنگ را چگونه می‌بینید و برای برقراری صلح چه راه‌حلی پیشنهاد می‌کنید؟

جواب: تا زمانی که خمینی در قدرت است، هیچگونه چشم‌انداز صلح‌آمیزی وجود نخواهد داشت، به همین دلیل من همواره به هیئت‌های حسن‌نیت که برای برقراری صلح

DRÔITS  
SOCIALISTES  
DE L'HOMME  
ARC EN CIEL N°13

سه‌ماهه‌ی دوم ۱۹۸۳

IRAN

MASSOUD RAJAVI

PARLE

propos recueillis par Patrice Renaud.

است. او با دفاتر تفتیش عقاید خود که در همه جا حضور دارند و هم‌چنین در اثر دستگیری‌ها و اعدام‌های دستجمعی در سطح بسیار وسیعی، ارتش را ویران کرده است. و به همین دلیل، ارتش در کوتاه مدت، امکان انجام کودتا ندارد. این واقعیتی است که من از همان ابتدای ورود خود به پاریس اعلام کردم. واقعیتی که طی یک‌سال و نیم گذشته به اثبات رسید. اما در رابطه با حمایتی که از ما در درون ارتش می‌شود باید بگویم که طبق آماری که توسط دفتر سیاسی - ایدئولوژیک خمینی اعلام شده است، ۵ تا ۱۰ درصد هوادار خمینی و بیش از چهار درصد هوادار مجاهدین هستند. این حمایت در حال حاضر عمدتاً معنوی است چرا که ارتش در مرزها مشغول است. یکی از طرح‌های ما برای آینده این است که این سمپاتی را به حمایت عملی و مادی تبدیل کنیم.

## یک سنت صلح جوانانه

\* سوال: شما اخیراً با نایب ریاست جمهوری عراق ملاقات کردید. تحلیل شما از جنگ ایران و عراق چیست؟

جواب: این ملاقات و اطلاعاتی که بدنبال آن منتشر شد، از نظر سیاسی یک نقطه‌عطف تعیین‌کننده در رابطه با جنگ ایران و عراق محسوب می‌شود. عکس‌العمل‌ها در ایران بسیار مهم بودند:

- ۱- سیاست جنگ طلبانه‌ی خمینی در سطح داخلی و در سطح بین‌المللی افشاء شده است.
- ۲- در داخل، تعادل قوا برعلیه خمینی جهت گرفته است.
- ۳- خمینی بدین ترتیب مقدار زیادی از قدرت بسیج عمومی خود را از دست داده است.

برای بحث بر سر مسائل ایران کنونی و آینده به دیدار مسعود رجوی رهبر مجاهدین خلق که با بنی‌صدر مسئولیت شورای ملی مقاومت را به عهده دارند رفته است.

\* سوال: آیا به نظر شما انقلاب ایران به شکست انجامیده است؟

جواب: آنچه را که تا به امروز به اسم اسلام انجام گرفته است، ما هیچگاه انقلاب اسلامی محسوب نکرده‌ایم. در واقع خمینی با فریبکاری رهبریت انقلاب را غصب کرد. توجه داشته باشید که در ایران خلأ سیاسی عمیقی وجود داشت که نتیجه‌ی دیکتاتوری شاه و قبل از او دیکتاتوری پدرش بود. نیروهای انقلابی و مبارز مثل مجاهدین راه را با فدا کردن زندگی خود گشودند. اما رهبران این نیروهای دمکراتیک حقیقی، یا به کلی از بین رفته بودند و یا در شکنجه‌های ساواک زندانی بودند. خمینی از این شانس تاریخی جهت غصب رهبریت انقلاب استفاده کرد. ما از همان دو‌مین هفته به مردم اعلام کردیم که این انقلاب به دلیل جهتی که در پیش گرفته، محکوم به شکست است. امروز خمینی به قیمت بیش از ۲۵۰۰۰ اعدام طی یکسال و نیم گذشته و ۶۰۰۰۰ زندانی سیاسی، دیگر فاقد هرگونه مشروعیتی است. او در زمینه‌ی ایدئولوژیکی و اجتماعی شکست خورده است و به لحاظ سیاسی، دیگر نفس آخر خود را می‌کشد.

\* سوال: موقعیت ارتش در حال حاضر در ایران چگونه است؟

جواب: خمینی در حال تشکیل ارتش خود، یعنی سپاه پاسداران می‌باشد و در سال گذشته قسمتی از نیروی دریائی را تحت اختیار خود گرفته

ایران:

مسعود رجوی

سخن می‌گوید

از فوریه ۱۹۷۹ چهار سال گذشته است. در پی فرار شاه ایران، شاهپور بختیار آخرین نخست‌وزیر وی نیز سرگردان شده بود. "امام" خمینی پس از ۱۶ سال تبعید در عراق و بعد در نوفل‌لوشاتو، به قدرت رسید و "انقلاب اسلامی" آغاز شد. این انقلاب نتیجه‌ی یکسری تظاهرات است که حتی تا مرحله‌ی گردآوری بیش از یک میلیون نفر در خیابان‌های تهران نیز پیش رفت. (بانوجه به مجموعه‌ی فعالیت‌های سال ۱۹۷۸) یک نیرو در ایران تجسم و تبلور این خواسته‌های مردمی بود: مجاهدین خلق.

جدائی بین حزب ملاحا (حزب جمهوری اسلامی) و مجاهدین بسیار زود فرا رسید. خمینی یک سیاست قشری‌گرایانه‌ی مذهبی در پیش گرفته بود که می‌رفت تا در پی خود سرکوب خونین تمام آنهائی را که از پیروی او سر باز می‌زدند، به همراه داشته باشد و این سرکوب قبل از هر کس شامل مجاهدین (به رهبری مسعود رجوی) می‌شد. آنان قربانیان اصلی رژیم هستند و سازمان عفو بین‌المللی در این رابطه بیان دردناک ۲۵۰۰۰ کشته و ۶۰۰۰۰ زندانی را ارائه داده است. در اواسط سال ۱۹۸۱ مجاهدین به رهبری مسعود رجوی با آخرین فراکسیون دمکراتیک باقی مانده از حزب خمینی که توسط خود او نیز برکنار شده بود، یعنی بنی‌صدر رئیس‌جمهور ایران در سال ۱۹۸۰، اتحاد کردند.

مسعود رجوی و بنی‌صدر شورای ملی مقاومت را تشکیل دادند که خود را به عنوان تنها آلترناتیو در مقابل رژیم خمینی معرفی می‌کند و روزبروز پایگاه مردمی بیشتری چه در خارج و چه در داخل ایران بدست می‌آورد. "حقوق بشر سوسیالیست"



# با حقوق بشر سوسیالیست (فرانسه)

خواهد گرفت. در طی این ۶ ماه شورای ملی مقاومت نقش قوهی مقننه را خواهد داشت. این شورا قسمت اعظم نیروهای آزادیخواه، دمکراتیک، ملی و مردمی را در برمیگیرد. قوهی مجریه، یک دولت موقت به مسئولیت من خواهد بود.

می‌تواند بگوید: "من از اسلام در مقابل کفار و مفسدین دفاع می‌کنم."

**\* سوال:** شما برای مستقر کردن رژیمی که حقوق بشر را رعایت کند چه اقدامات فوری در ایران انجام خواهید داد؟

**جواب:** همچنان که در برنامه‌ی ما آمده است ما تمامی مفاد اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را خواهیم پذیرفت. در ایران بعد از خمینی هیچگونه اجبار، سرکوب و شکنجه‌ای وجود نخواهد داشت. زندانیان سیاسی باید بلافاصله آزاد شوند و به خانواده‌های شهدا و آوارگان جنگ کمک خواهد شد و از آنها حمایت به عمل خواهد آمد. هیچگونه دادگاه استثنائی وجود نخواهد داشت و دادگاه‌هایی که به محاکمه‌ی شکنجه‌گران رژیم خمینی می‌پردازند از هیئت منصفه برخوردار خواهند بود.

محاکمات، عمومی و با حضور ناظرین و خبرنگاران بین‌المللی برگزار خواهد شد. انجمن‌های حقوق دانان و وکلای آزاد خواهند بود. تمام تبعیضات بر علیه زنان لغو خواهد شد و زنان حق انتخاب کار و پوشش خود را خواهند داشت. دولت موقت، تساوی حقوق اجتماعی، حرفه‌ای فرهنگی و سیاسی مردان و زنان را اعلام خواهد کرد. سندیکاها و مطبوعات همچون حق بیان و مذهب، آزاد خواهد بود و دولت موقت وظیفه دارد که دمکراسی و هنر و فرهنگ را اشاعه دهد.

باید اضافه کنم این‌ها مسائلی هستند که مجاهدین طی ۱۸ سال برای آن مبارزه کرده‌اند و خواستار آن بوده‌اند.

## برای من دمکرات بودن

یعنی آمادگی برای

صرف نظر کردن از قدرت

ورژ "حفظ قدرت

به هر قیمت و با هر وسیله..."

**\* سوال:** خمینی قبل از اینکه به قدرت برسد قول‌های بسیاری داد ولی به آن‌ها وفا نکرد، شما چه ضمانتی به جهانیان می‌دهید که به قول‌هایتان وفا دار بمانید؟

**جواب:** من از شما به خاطر

ما (مجاهدین) دمکرات، ناسیونالیست، مترقی و البته مسلمان هستیم. ولی اسلام ما مشخصاً ضد اسلام خمینی می‌باشد. ما موافق آزادی، صلح و تمدن هستیم. ما موافق تعدد نظرات سیاسی (پلورالیسم) هستیم و آزادی و استقلال را از هم جدا نمی‌دانیم و به همین دلیل است که بعضی از احزاب از جمله حزب توده با ما مخالف هستند. ما به هیچ کس تعهد و وابسته نیستیم و عمیقاً خواستار عدالت اجتماعی هستیم. اسلام ما به ما حکم می‌کند که در هیچ صورتی نباید حاکمیت و انحصار یک ایدئولوژی خاص را تحمیل کرد. اسلام ما ایدئولوژی‌های دیگر را می‌پذیرد، تحمل می‌کند و حتی از آن‌ها استقبال می‌کند. این بدین معنا است که ما نمی‌خواهیم مانند خمینی یک دولت مذهبی بوجود آوریم. شما در شورای ملی مقاومت شاهد همکاری مسلمان و غیرمسلمان، مارکسیست‌ها، شیعه‌ها و سنی‌ها... هستید. همچنین در زمانی که کاندیدای ریاست جمهوری بودم و خمینی مرا از کاندیداتوری حذف کرد، من کاندیداتوری اغلب اقلیت‌های ملی و مذهبی را نیز نمایندگی می‌کردم.

**\* سوال:** دولت شما یک جمهوری اسلامی برقرار خواهد کرد. خصوصیت آن چه خواهد بود؟

**جواب:** این بسیار مهم است که من علت وجود کلمه‌ی "اسلامی" در دولت جمهوری دمکراتیک اسلامی را خاطر نشان سازم:

خمینی نباید بتواند مانند رژیم شاه ما را با برجسب مارکسیست اسلامی به مردم ایران معرفی کند. وانگهی اگر ما کلمه‌ی اسلامی را حذف کنیم مسلماً این عمل باعث خشنودی عده‌ای از روشنفکران غیرمذهبی می‌شود ولی به خمینی اجازه می‌دهد که ادعا کند جنگ بین ما و او جنگی مذهبی و بخاطر اسلام است. او

سوالی که کردید عمیقاً سیاسی‌گزارم چرا که این سوالی است که برای خلق ایران نیز مطرح است و از خمینی پرسیده نشده بود. زیرا وی پیرمردی ۸۰ ساله و مدعی نمایندگی خدا بود! در حالی که شما در حال حاضر در حضور مردی ۳۶ ساله هستید که مشروعیت

برنامه‌ی شما چیست جواب می‌داد: "این را بعداً تعیین می‌کنیم". در برنامه‌ای که ما تنظیم کرده‌ایم همه چیز روشن است و حتی نقطه‌نظرهایمان نیز در آن توضیح داده شده‌اند. اجازه بدهید در یک جمله خلاصه کنم. برای من دمکرات بودن، آزادیخواه بودن یعنی،

در ایران بعد از خمینی هیچگونه اجبار، سرکوب و شکنجه‌ای وجود نخواهد داشت. هیچگونه دادگاه استثنائی وجود نخواهد داشت و دادگاه‌هایی که به محاکمه‌ی شکنجه‌گران رژیم خمینی می‌پردازند از هیئت منصفه برخوردار خواهند بود.

آمادگی برای صرفنظر کردن و باین آمدن از قدرت و رد کردن "حفظ قدرت به هر قیمت و یا هر وسیله...". می‌باشد. من فکر می‌کنم خون‌ها و جان‌هایی که ما در این راه داده‌ایم، شاهدی بر این مدعا هستند. در تحلیل نهائی بعد از رژیم شاه و خمینی، یا ایرانی دمکراتیک بوجود می‌آید و یا دیگر ایرانی وجود نخواهد داشت.

## ۵۰ درصد از شهدای ما

روز شهادت

**\* سوال:** برنامه‌ی شما تساوی حقوق زنان و مردان را اعلام می‌نماید. آیا در دولت شما

خود را از مقاومتش، سازمانش و مبارزات گذشته‌اش کسب می‌کند. برای شناختن مجاهدین باید به گذشته‌ی آنها رجوع کرد. نقش خمینی در کودتای ۱۹۵۳ علیه دکتر مصدق رهبر ملی که نفت ایران را ملی کرد، غیرقابل انکار است. محتوای مواضعش در قبال رژیم شاه مرتجعانه و از موضع مخالفت با اصلاحات ارضی و بر علیه آزادی زنان بود. در حالی که من به عنوان نماینده‌ی یک نسل و یک جنبش مقاومت با شما صحبت می‌کنم. من ۸ سال از عمر خود را در زندان‌های شاه سپری کرده‌ام و دوبار محکوم به اعدام شدم و تمامی شکنجه‌های آن رژیم را تحمل کرده‌ام. این رژیم علاوه بر هزاران خواهر و برادرم، همسر را نیز در سال گذشته به قتل رسانده است. اگر ما مجاهدین تمایلی به قدرت داشتیم، خمینی اولین کسی بود که آن را به ما می‌داد زیرا که ما نیروئی مردمی بودیم و قسمت اعظم ملاحه رهبری ما را در آن سال‌ها پذیرفته بودند. امروزه همه می‌دانند که مقاومت واقعی در ایران (بطور سراسری) اساساً توسط مجاهدین انجام می‌شود و بیش از ۹۰ درصد شهدا و اعدام شدگان از مجاهدین خلق هستند. اما با اینحال ما پذیرفتیم که هنگام تصمیم‌گیری در بطن شورای ملی مقاومت رای مساوی با هر نیرو یا حزب عضو شورا داشته باشیم و در پراتیک و عمل ثابت کرده‌ایم که دمکرات هستیم. خمینی هرگز مدرک امضاء شده‌ای ارائه نداده بود و زمانی که از او سوال می‌شد

زنان شرکت خواهند داشت؟ **جواب:** چرا که نه؟ نگاهی به لیست اسامی شهدا و زندانیان ما بیندازید. شاید بیش از ۵۰ درصد آن‌ها زن هستند. این در تاریخ ایران بی‌سابقه است که این تعداد زن در نبرد شرکت داشته باشند زنان ایرانی با مبارزه‌ی خود آزادی خود را بدست آورده‌اند. در نتیجه وقتی زنان با صلاحیت وجود داشته باشند، چرا به آنها مسئولیت داده نشود؟

**\* سوال:** آیا شما ارزش‌ها و دست‌آوردهای غرب را رد می‌کنید؟ **جواب:** ما غرب را در تمامیت و کلیت آن رد نمی‌کنیم. استقلال برای ما به معنی ضدیت با فرهنگ، علم، تکنولوژی و پیشرفت‌های اقتصادی و هنری غرب نیست. این خمینی بود که می‌گفت: "اگر می‌توانستم دیواری مانند دیوار چین به دور ایران می‌کشیدم" خمینی از موضع ارنجاعی و عوام‌فریبانه و روبه گذشته با غرب مخالفت می‌کند. ما نه می‌خواهیم و نه می‌توانیم از دنیای پیرامون خود جدا زندگی کنیم. اما جرات این را هم داریم که بگوئیم "ارتباط‌آری، دوستی‌آری، همکاری متقابل آری، استفاده‌ی متقابل از امکانات دوجانبه‌آری، ولی رابطه‌ی استعماری و استثمارگری هرگز! و من فکر می‌کنم این حق ماست: رابطه‌ی آری، اما رابطه‌ی از موضع متساوی!"





## گزارشی از شرکت اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان خارج از کشور در تظاهرات روز جهانی کارگر در کشورهای مختلف جهان

بقیه/صفحه ۱۳

اوست، به چشم دیدند. آکسیون نمایش اعدام یک کارگر توسط "خمینی" بر بالای برج میدان باستیل، کار جالب دیگری بود که توسط انجمن دانشجویان فرانسه در تظاهرات اول ماه مه به اجرا درآمد و مورد توجه بسیاری از کارگران این کشور واقع گردید.

یادآوری و تاکید بر جهانی بودن مبارزات کارگران و شادباش بمناسبت این روز اظهار داشت: "روز جهانی کارگر فرصتی است تا از کارگران دیگر کشورهای جهان نیز یادی بکنم و من می‌خواهم بخصوص در رابطه با مصیبت و اختناق که کارگران و مردم ایران از آن رنج می‌برند، صحبت بکنم و

### ایتالیا

تظاهرات بزرگداشت روز جهانی کارگر در ایتالیا به دعوت سندیکاهای متحد کارگری CGIL - CSIL - UIL برگزار شده بود که انجمن دانشجویان مسلمان ایتالیا نیز در تظاهرات شهرهای رم، میلان و فلورانس بطور فعال

بسیاری از شرکت کنندگان در مراسم و دهها فیلمبردار و خبرنگار بدور صفوف انجمن شده بود.

شهردار رم با خرید کارت تبریک انجمن به مناسبت روز جهانی کارگر، قیمت آن را به عنوان هدیهی مردم رم به مناسبت اول ماه مه به انجمن دانشجویان مسلمان ایتالیا اهداء کرد و برای آنان آرزوی موفقیت نمود. همچنین رادیوی سراسری G.R.T و تلویزیون سراسری RAT<sub>1</sub> و RAT<sub>2</sub> و چندین رادیوی محلی دیگر، گزارشی از شرکت هواداران مجاهدین در این تظاهرات را پخش نمودند.

در شهر میلان پس از پایان تظاهرات، دفتر فدراسیون کارگران فلزکار ایتالیا (F.L.M) از نمایندگان انجمن برای شرکت در جشن افتتاحیهی دفتر این فدراسیون در شهر میلان دعوت نمود و ضمن آن فدراسیون، انجمن دانشجویان مسلمان ایتالیا را به مدعویین معرفی نمود.

زنجیر کشیده شدهی یک کارخانه که توسط "خمینی" کشیده می‌شد و حرکت آرام و منظم چندین "کارگر" که پلاکاردهائی حاوی شعارهائی در رابطه با قتل و کشتار کارگران توسط رژیم خمینی را حمل می‌کردند، صحنهی جالب و گویائی بود که به خوبی دشمنی خمینی جلاد با کارگران و تلاش او را در نابودی "حرث" و "نسل" تصویر می‌کرد.

در قسمتی از مسیر راهپیمائی، شعارهای "مرگ بر خمینی" و "خمینی کارگران را می‌کشد" از بلندگوی یکی از گروه‌های شرکت‌کننده (F.B.R) جنبش کمونیستی و گروه انقلابی کمونیست‌ها) پخش شد که تمام افرادی که در این قسمت از تظاهرات حضور داشتند، این شعارها را تکرار کردند.

تلویزیون اسپانیا در بخش اخبار خود صحنه‌هائی از شرکت دانشجویان هوادار مجاهدین در تظاهرات اول ماه مه و آکسیون‌های آنها را نشان داد.

### سوئد

شهرهای استکهلم، گوتنبرگ، امئو، اُپسالا، لولئو و بسیاری دیگر از شهرهای سوئد، در روز اول ماه مه شاهد تظاهراتی بودند که به دعوت احزاب و سازمان‌های سیاسی آن کشور بمناسبت روز جهانی کارگر برگزار شده بود. انجمن دانشجویان مسلمان سوئد نیز با

بقیه در صفحه ۲۳

### اسپانیا

آرایش جالب صفوف دانشجویان هوادار سازمان در تظاهرات ۶۰ هزار نفری مردم اسپانیا در شهر مادرید، توجه بسیاری از شرکت‌کنندگان در تظاهرات "روز کارگر" و همچنین فیلمبرداران و خبرنگاران رسانه‌های گروهی اسپانیا را به خود جلب کرده بود. ماکت به



ایتالیا

### انگلستان

امسال دومین سالی بود که تظاهرات روز اول ماه مه (روز جهانی کارگر) بوسیلهی شورای شهر لندن برگزار می‌گردید. در این تظاهرات بیش از ۱۴۰ اتحادیهی کارگری، شعب حزب کارگر، سازمان‌ها، گروه‌ها و احزاب سیاسی جهان سوم و ... شرکت داشتند. خواهران و برادران ما در انجمن دانشجویان مسلمان انگلستان نیز در حالی که پیشاپیش صفوفشان، آرم بزرگ سازمان مجاهدین خلق ایران به چشم می‌خورد و عکس‌هائی از شهدای کارگر مجاهد و پلاکاردهای متعددی در رابطه با محکومیت رژیم ضدکارگری و ضدبشری خمینی در دست داشتند، در این تظاهرات شرکت کرده بودند.

در ابتدای تظاهرات چند تن از نمایندگان اتحادیه‌های سراسری انگلستان و نیز آقای ریچارد بالف نمایندهی حزب کارگر در پارلمان اروپا، برای شرکت‌کنندگان سخنانی ایراد کردند. آقای بالف ضمن

مخصوصاً می‌خواهم تا پیام تبریک آقای رجوی مسئول شورای ملی مقاومت و مردم ایران را به شما عرض کنم. ما باید همیشه مردم ایران را بیاد داشته و از مبارزات آنها برعلیه اختناق آیت‌الله خمینی حمایت کنیم، زیرا که کارگران ایران، برای بسیاری از حقوقی که ما اینجا از آن برخورداریم، مبارزه می‌کنند و اعدام می‌گردند."

پس از پایان سخنان آقای بالف، تظاهرات روز جهانی کارگر با راهپیمائی بسوی پارک "ویکتوریا" ادامه یافت. طی مسیر راهپیمائی فیلمبرداران کانال‌های تلویزیونی I.T.V و B.B.C از صفوف هواداران مجاهدین خلق فیلمبرداری کردند و یکی از رادیوهای محلی لندن نیز مصاحبهی کوتاهی با یکی از خواهران انجام داد.

انجمن دانشجویان مسلمان انگلستان در محل پایانی تظاهرات - پارک ویکتوریا- اقدام به برپائی غرفهی صنایع دستی ایران نموده بود که با استقبال زیادی از سوی شرکت‌کنندگان در مراسم مواجه گشت.



سوئد



## حماسه‌های مجاهد خلق، لحظه‌های انقلاب

### نبردی زندگی ساز...

بقیه از صفحه ۱۲

رو بگم. الان همه‌ی ماشینا رو بردن گشت، اگه یه خبری شد، اونوقت بایست چیکار کرد؟ پریروز بسیج "قادیکلا" روز زیر و رو کردن. امروز یه جای دیگه. معلوم نیست یکساعت دیگه کجا پیدا شون بشه؟ و بعد لحظاتی ساکت شد و دوباره ادامه داد:

— "این دهاتیای زبون نفهم هم که حرف نمیزنن. هرچی کتک می‌خورن حرف نمیزنن. میگن ما مجاهد ندیدیم. دیروز تو "قادیکلا" چند تا شون اینقدر کتک خوردن که نزدیک بود بمیرن ولی حرف نزدند در صورتیکه همه‌ی تجهیزات و غذا و پوشاک منافقینو همین "گالشا" تهیه می‌کنن."

پاسداری که پشت بی‌سیم بود با ناراحتی از جایش بلند شد و گفت:

— "چیزی نیست بابا... یه جای دیگه رو زدن تو چرا ترسیدی؟ ماشینا رو تا ساعت هشت برمی‌گردونن، همین دورو ورا رفتن گشت" و در حالیکه از اتاق بیرون می‌رفت گفت:

— "من میرم سراغ بچه‌ها که راه بندون درست کنیم و کم‌کم جاده رو کنترل کنیم. تو مواظب بی‌سیم باش شاید دوباره پیامی چیزی مخابره بشه..."

\* \* \*

محمود نگاهی به اطرافش کرد و به ساعتش نگریست ساعت ۱۵ و ۷ دقیقه بود بچه‌های واحد که راهی طولانی را طی کرده بودند. درحال استراحت بودند. از روز حمله به بسیج "قادیکلا" این سومین راهپیمایی طولانی آنها بود. زیرا رژیم پس از درهم کوبیده شدن بسیج "قادیکلا" و کشته و مجروح شدن تعدادی از مزدوران به شدت نیروهای خود را افزایش داده بود و نقاط مختلف جنگل را در جستجوی واحدهای عملیاتی مجاهدین مستقر در جنگل زیر و رو کرده بود ولی بازهم نشانی از مجاهدین نیافته بود زیرا واحد عملیاتی با رعایت اصل تحرک پس از ضربه به دشمن همواره در حرکت بود و...

بچه‌های واحد مستقر شده بودند و مشغول آماده کردن شام بودند. "محمود" دوباره ساعتش را نگریست. ساعت ۱۷ و ۲۰ دقیقه

بود یعنی درست زمانی که در جاده‌ی "ساری - کیاسر" و در محل قرارمی‌بایستی حاضر باشد. بی‌اختیار محل قرار را با شیب تندى که به انبوه درختان جنگلی ختم می‌شد در نظر آورد و به فکر قرار زاپاس خود افتاد. موعد قرار زاپاس او چند روز دیگر بود و تا آنموقع حساسیت گشتی‌های رژیم به احتمال زیاد روی آن منطقه کم شده بود و او می‌توانست به "ساری" برود. صدای "اسدالله" او را بخود آورد و "محمود" به طرف بچه‌ها

قطعی شد، "مهری" دوباره به سمت ساری حرکت کرد. شب فرا می‌رسید و جنگل را در سیاهی فرو می‌برد کم‌کم پاسگاه هولار از دور پیدا شد. همه چیز عادی به نظر می‌رسید. "مهری" به آرامی شیب ملایم قبل از پاسگاه را طی کرد و می‌خواست از جلوی پاسگاه بگذرد که متوجه موضوع شد. مامورین رژیم جاده را بسته و مشغول بازرسی اتوموبیل‌ها بودند. "مهری" لحظه‌ای به "ملیحه" نگاه کرد و به سرعت به ارزیابی موقعیت پرداخت با توجه به خلوت بودن راه و دیده شدن بوسیله پاسداران امکان بازگشت نبود. بنابراین بهترین کار تکیه بر عادیسازی بود مخصوصا که با وجود "گلشید" این کار آسانتر می‌نمود.

\* \* \*

— "می‌ذاشتی که همونجا بازرسی انجام می‌شد و این همه دردسر واسه‌ی ما درست

"مهری" لحظه‌ای با خود اندیشید: رسیدن به "ساری" و بازرسی شدن یعنی کشف سلاح و بعد شکنجه شدن تا سرحد مرگ خصوصاً که "ملیحه" نیز مدتی را در زندان "اوین" بسر برده بود و بهر حال شناخته می‌شد و بعد بی‌اختیار به یاد واحدهای مستقر در جنگل افتاد و خطراتی که این دستگیری می‌توانست برای آنها

ببار آورد.

که دور هم جمع شده بودند رفت...

\* \* \*

جنگل، حسابی انبوه شده بود و بر خلاف قبل که مسافتی دورتر از جاده خود را نشان می‌داد اینک جلو آمده بود و جاده به صورت نوار باریکی در دل جنگل خود را نشان می‌داد و بهمین علت یعنی وصل بودن جاده به جنگل، محل قرار در این نقطه انتخاب شده بود.

مهری یک دقیقه قبل، علامت سلامتی را نصب کرده و با سرعتی کم از کنار جاده به پیش می‌رفت و پس از آنکه حدود یک کیلومتر از محل قرار دور شد پشت سرش را چک کرد و دور زد و این بار دومین علامت سلامتی را نیز نصب کرد و دوباره به حرکت خود ادامه داد. قاعدتا در این موقع می‌بایستی "محمود" سر قرار آمده باشد ولی بازهم کسی در محل قرار نبود. ابتدا اندکی نگران شد ولی با در نظر گرفتن اوضاع منطقه و نقش "محمود" در عملیات آرام گرفت و به یاد قرار زاپاس افتاد قرارى که موعد آن پنج روز دیگر بود.

... بالاخره ساعت ۱۷/۴۰ دقیقه و هنگامیکه نیامدن "محمود"

## فرازهائی از زندگی انقلابی مجاهد شهید مهری شیرنگی

عهدده‌دار مسئولیت‌های مختلفی گردید. از جمله مسئولیت تشکیلاتی خواهران بابل را عهده‌دار شد. در خرداد ماه همان سال مهری با برادر مجاهد "محمود مهدوی" ازدواج کرد.

پس از ۳۰ خرداد ۶۰ مهری نیز به همراه سایر خواهران و برادران مجاهدش به صحنه مبارزه‌ی انقلابی مسلحانه بر علیه رژیم ضد - بشری خمینی گام نهاد. او که از جسارت و قاطعیت انقلابی برخوردار بود همواره در انجام سخت‌ترین و خطرناکترین ماموریت‌ها مشتاقانه

داوطلب می‌شد و به خوبی از عهده‌ی انجام آنها نیز برمی‌آمد. روحیه بالای نظامی به او این امکان را می‌داد تا در برخورد با مسائل ویژه‌ی دوران نبرد انقلابی مسلحانه، مسئولیت خویش را در امر حفاظت از پایگاه و حل مسائل امنیتی آن بخوبی به انجام رساند.

مجاهد شهید مهری شیرنگی سرانجام روز ۲۰ اردیبهشت سال ۶۱، هنگامیکه جهت انجام یک ماموریت انقلابی، پایگاه محل استقرار را ترک گفته بود، همراه با هم‌زم دلیرش مجاهد شهید ملیحه مرتضوی با مزدوران خمینی درگیر شد و طی یک نبرد قهرمانانه به شهادت رسید.

یادش گرامی باد

خواهر مجاهد مهری شیرنگی در سال ۱۳۳۵ در گرگان متولد شد و تحصیلات ابتدائی و متوسطاش را در این شهر به پایان رساند. او از دوران دبیرستان مطالعه‌ی کتب سیاسی و اجتماعی را آغاز کرد و طی همین مدت توانست با تعدادی از جوانان پرشور و مبارز گرگان آشنا شده و ضمن دستیابی به آثار و نشریات مجاهدین با اهداف و آرمان‌های انقلابی سازمان آشنا گردد. از آن پس وی وارد صحنه مبارزه شد.

طی دوران انقلاب مجاهد شهید مهری شیرنگی بطور فعال در حرکت‌های اعتراضی مردم شرکت می‌کرد و به سهم خود نقش موثری در فعال کردن هرچه بیشتر زنان گرگان در مبارزه بر علیه رژیم شاه داشت.

پس از پیروزی انقلاب مهری فعالیت خود را در ساختمان ستاد سازمان در گرگان آغاز کرد و سپس در اواخر تابستان ۵۸ به تهران آمد. در این دوران او روز بروز مراحل رشد انقلابی را پشت سر می‌گذاشت، بطوری‌که در اواخر سال ۵۸، با کسب صلاحیت‌های لازم به مدار عضویت سازمان ارتقاء یافت. در بهار سال ۵۹ خواهر مجاهد مهری شیرنگی مجدداً به مازندران بازگشت و در رابطه با تشکیلات آن استان،

می‌شدند. "مهری" دوباره از آینه پشت سرش را نگاه کرد. استوار فالانژ در حال چرت زدن بود و پاسدار یوزی بدستی که کنار او نشسته بود بیرون را نگاه می‌کرد. پشت سر آنها نیز یک اتومبیل جیب همراه با چهار سرنشین مسلح در حرکت بود.

"مهری" لحظه‌ای با خود اندیشید: رسیدن به "ساری" و بازرسی شدن یعنی کشف سلاح و بعد شکنجه شدن تا سرحد مرگ خصوصاً که "ملیحه" نیز مدتی را در زندان "اوین" بسر برده بود و بهر حال شناخته می‌شد و بعد بی‌اختیار به یاد واحدهای مستقر در جنگل افتاد و خطراتی که این دستگیری می‌توانست برای آنها بار آورد.

... دیگر فرصت زیادی باقی نمانده بود مهری سلاحش را با نرمش خاص و بدون این که

توجه پاسدار و استوار فالانژی را که در عقب ماشین نشسته بودند جلب کند، بیرون آورد و به خیابان "راه‌بند سنگ تراشان" که رسیدند نگاهی به "ملیحه" انداخت. "ملیحه" که با دیدن اسلحه‌ی او در لحظاتی قبل منظورش را فهمیده بود به او لبخندی زد و "مهری" پایش را تا انتها بر روی گاز فشرد و ماشین به یکباره از جا کنده شد. استوار فالانژ که در عقب ماشین نشسته بود با دیدن حرکت ناگهانی ماشین از جایش نیم‌خیز شد و خواست اعتراض کند که...

\* \* \*

صدای شلیک گلوله‌های شنیده شد و در پی آن ماشین با سرعت زیادی از مسیر منحرف شد و با صدای وحشتناکی به دیوار خورد و پس از یکی دو بار چرخیدن و بقیه در صفحه ۱۸



## گرامی باد خاطرۀ مجاهد قهرمان

### شهید حمید جلال زاده

بقیه/ز صفحه ۱۱

پس از اتمام مدت محکومیت و انتقال به اوین آزاد شد و در فاصله کوتاهی به تشکیلات خارج از زندان پیوست و فعالیت‌های انقلابی خود را در دریای خلق و برعلیه رژیم شاه ادامه داد. این فعالیت‌ها - که اکنون ابعاد دیگری یافته بود - تا ۲۲ بهمن ۵۷ ادامه داشت و پس از پیروزی قیام و تشکیل ستادهای علنی سازمان، حمید که توانسته بود در عمل شایستگی‌های فراوانی از خود نشان دهد، ابتدا مسئولیت امداد و سپس مسئولیت نهاد کارگری سازمان را عهده‌دار شد. پس از شکل‌گیری بخش اجتماعی سازمان، حمید در مرکزیت این بخش مسئول نهاد کارگری شد. این مسئولیت با توجه به ویژگی‌های برجسته تشکیلاتی، توان بالا در سیستم‌سازی، قدرت برنامه‌ریزی و مدیریت قاطع حمید به او محول شد. و با آنکه به همین نقطه قوت‌ها بود که حمید توانست از عهده‌ی مسئولیت‌هایش بخوبی برآید.

مجاهد شهید حمید جلال زاده با نظم و دقت و بی‌گیری قابل تحسینی مسائل کارگری و سایر مسئولیت‌هایش را تعقیب می‌کرد. مجموعه‌ی ویژگی‌های انقلابی و تشکیلاتی او باعث شده بود که با موفقیت از عهده‌ی حل تضادهای مسئولیت‌هایش برآمده و مدارهای تشکیلاتی خود را در حد یک مسئول با تجربه و ورزیده‌ی تشکیلاتی ارتقاء دهد. حمید نقش ارزشمندی در سازماندهی جنبش کارگران مسلمان، انتشار نشریه‌ی بازوی انقلاب و آگاه‌سازی کارگران - از طریق شرکت مستقیم خود در کارهای توضیحی - داشت. بعدها این اقدامات همگی

مقدماتی شدند تا با آغاز مبارزه‌ی مسلحانه‌ی انقلابی، نیروهای کارگری سازمان یکی از ذخایر ارزنده‌ی سازمان در جریان این نبرد تاریخ‌ساز گردند.

برادر مجاهد حمید جلال زاده در سال ۵۹ با خواهر مجاهد زکیه محدث ازدواج کرد. این زوج مجاهد از آن پس در کنار هم به مبارزه‌ی انقلابی خود ادامه دادند و سرانجام نیز در روز ۱۲ اردیبهشت ۶۱ در کنار هم به شهادت رسیدند.

مجاهد شهید حمید جلال زاده از ویژگی‌های مثبت متعددی برخوردار بود. او همواره با احساس مسئولیت عمیق و ریزبینی و دقت ویژه‌ی با مسائل برخورد می‌کرد. هیچگاه از مسائل به سادگی نمی‌گذشت و کارها را تا انجام نهائی خود پیگیری می‌کرد. حمید کارآئی‌ها و توان بالای مسئولیت‌پذیری خود را با تیزبینی سیاسی و صداقت انقلابی می‌آمیخت. در اواخر سال ۵۹ انتشار نشریه‌ی "مجاهد" که توسط دادستان ضدانقلابی خمینی، غیر قانونی اعلام شده بود، به دلیل افزایش تهاجمات ارتجاع به برخی چاپخانه‌ها و مراکز توزیع نشریه، با اشکالات متعدد و جدی روبرو شده بود. از سوی دیگر با توجه به نقش تعیین‌کننده‌ی "مجاهد" در افشاء ماهیت پلید رژیم خمینی و بالا بردن سطح آگاهی توده‌ها لازم بود که انتشار "مجاهد" نه تنها متوقف نگردد، بلکه با توجه به نیازهای جامعه، گسترش هم پیدا کند. این امر مستلزم تهیه‌ی امکانات مخفی چه در زمینه‌ی چاپ و چه در زمینه‌ی توزیع بود. در همین رابطه بخشی از این مسئولیت در

### به یاد مجاهد شهید زکیه محدث

بقیه/ز صفحه ۱۱

خود را به خوبی به انجام رساند و سرانجام نیز در درگیری و نبرد حماسه‌آفرین ۱۲ اردیبهشت ۶۱ آخرین آزمایش خود را با موفقیت کامل پشت سر گذاشت و در کنار همسر دلآورش مجاهد شهید حمید جلال‌زاده و در پایگاه محل استقرار شهید والامقام محمد ضابطی به همراه تعدادی دیگر از خواهران و برادران مجاهدش قهرمانانه به شهادت رسید.

تهران به حمید محول شد. حمید می‌بایستی چاپخانه‌های مخفی، تدارکات چاپ، سازماندهی چاپ و توزیع در سطح تهران و نامین مقداری از نیازهای شهرهای دیگر را در کنار سایر مسئولیت‌هایش تدارک ببیند. در این مسئولیت نیز حمید بخوبی از عهده‌ی کارها برآمد.

مجاهد شهید حمید جلال زاده به دلیل کارآئی‌ها و صلاحیت‌هایی که از خود نشان داده بود در سال ۶۰ به بخش حفاظت سازمان منتقل شد و مسئولیت‌های متعددی را در این بخش به عهده گرفت. همزمان با آغاز مبارزه‌ی انقلابی مسلحانه برعلیه رژیم ضدبشری خمینی، طبعاً حفاظت کادرها و مسئولین سازمان از حساسیت ویژه‌ی برخوردار شد. حمید با احساس مسئولیت انقلابی و توان انطباق با شرایط جدید بخوبی توانست مسئولیت‌های متعددی را در قسمت تدارکات حفاظت و نیز در رابطه با ساختن بی‌سیم (صامت) و... عهده‌دار گردد. در فاز نظامی، حمید از درخشش خاصی برخوردار بود. او همیشه به عنوان یک مسئول و فرماندهی هشیار با مسائل برخورد می‌کرد و با موشکافی و دقت فراوانی مسائل را پیگیری می‌کرد.

در اواخر سال ۶۰ مجدداً به بخش اجتماعی منتقل شد و تحت مسئولیت فرماندهی والامقام مجاهد شهید محمد ضابطی مسئولیت‌های متعددی از قبیل مسئولیت منطقه‌ی شرق تهران، تدارکات بخش اجتماعی و... را بعهده گرفت. و سرانجام در ۱۲ اردیبهشت سال ۶۱ پس از سالها مبارزه بی‌امان علیه دشمنان خدا و خلق به پیمان خونین خویش وفا کرد و در کنار مجاهد شهید والامقام محمد ضابطی و همراه با همسر مجاهدش - زکیه محدث - در یک نبرد حماسی، قهرمانانه به شهادت رسید.

یادش گرامی و راهش پررهرو باد زکیه در آخرین ساعات نبرد و پس از به شهادت رسیدن تعدادی از خواهران و برادران مجاهدش از پایگاه خود به خانواده‌اش تلفن زد و به آنها خبر شهادت همسر قهرمان و دیگر هم‌زمانش را داد و گفت: "من نیز تا لحظاتی دیگر به آنها خواهم پیوست...". و پس از ابلاغ آخرین پیامش مجدداً به مقابله با مزدوران خمینی جلاد برخاست و سرانجام پس از نبردی قهرمانانه به شهادت رسید.

یادش گرامی باد

## نامه‌برادر مجاهد مسعود رجوی

### مسئول شورای ملی مقاومت

#### به رئیس کمیته اجتماعی...

بقیه/ز صفحه ۳

آقای دبیرکل سازمان ملل متحد ارسال داشته است. لیست اسامی قربانیان این قتل عام‌ها، کودکان ۲ ساله تا پیرمردان ۱۱۰ ساله و همچنین دختران جوان و زنان سالخورده را نیز شامل می‌شود. تنها در فاصله‌ی ۲۸ مارس تا ۱۵ آوریل یعنی کمتر از یک‌ماه بیش از ۹۰ تن از روستائیان کردستان در ۸ روستا قتل‌عام شده‌اند.

آقای رئیس! اکنون به عنوان مسئول شورای ملی مقاومت که تجسم مقاومت مشروع تمامی خلق ایران است، تقاضا می‌کنم که با استفاده از همه‌ی وسائل در مورد اجرای سریع و موثر قطعنامه‌ی موضوع این نامه، اقدام نمائید. این مشخصاً همان چیزی است که مردم ایران و وجدان همه‌ی مردم جهان از جنابعالی و سازمان ملل متحد انتظار دارند.

مسعود رجوی  
مسئول شورای ملی مقاومت  
۱۵/ اردیبهشت/ ۱۳۶۲  
۵ / مه / ۱۹۸۳

رسماً تصویب نمود که زنانی که از حجاب اجباری تخلف کنند دستگیر و مجازات گردند.

#### ۲- اعدام

اعدام‌های مخفیانه و بدون محاکمه همچنان در ایران ادامه دارد. اسامی ۲۸ نفر از کسانی که مخفیانه و در ماه‌های مارس و آوریل تیرباران شده‌اند، ضمیمه است. البته به دلیل اینکه رژیم خمینی بندرت اسم اعدام‌شدگان را اعلام می‌کند، این اسامی (که هرگز توسط خمینی اعلام نشده) فقط تعداد بسیار معدودی از اعدام‌شدگان طی این مدت را دربرمی‌گیرد.

#### ۳- قتل عام

چندین مورد قتل‌عام روستائیان بی‌گناه کردستان توسط رژیم خمینی در ماه‌های اخیر صورت گرفته که شورای ملی مقاومت گزارشات واصله را برای

## حماسه‌های مجاهد خلق،

### لحظه‌های انقلاب

## نبردی زندگی ساز...

مجاهد خلق عزم خلل‌ناپذیر خود را در نبرد با خمینی ضد بشر به اثبات رسانیده بودند و اسرار خلق را با پذیرش شهادتی قهرمانانه برای همیشه در سینه‌ی رازدار خود حفظ کرده بودند.

\* \* \* ساعت ۲ بامداد چهارم خرداد ماه ۶۱ یورش رزمندگان مجاهد جنگل به پایگاه "هولار" \* ساری شروع شد و ساعتی بعد پایگاه به تسخیر رزمندگان مجاهد درآمد. انقلاب همچنان پیروزمندان به پیش می‌ناخت و به پیش می‌نازد تا فریاد آزادی بی‌تردید ایران.

\* - چگونگی تهاجم رزمندگان دلیر مجاهد خلق به این مرکز سرکوب احتیاج به گزارش جداگانه دارد که آنرا به فرصت‌های دیگر موکول می‌کنیم.

بقیه/ز صفحه ۱۷ معلق زدن از حرکت باز ماند. "مهری" در همان لحظات اول بشهادت رسیده بود و ملیحه نیز که در آخرین لحظات قرصش را در دهان گذاشته بود با جویدن سیانور در حال گذراندن آخرین لحظات حیات بود. ولی گلشید بطور غیرمنتظره‌ای زنده مانده بود. بیکرهای خونین و درهم شکسته‌ی استوار ریشو و پاسدار هم در میان آهن‌پاره‌های ماشین پیکان دیده می‌شد... مزدورانی که با ماشین جیب در پشت سر ماشین "مهری" حرکت می‌کردند در آغاز علت تصادف را نفهمیدند ولی بعد که اسلحه‌ی مهری و جای گلوله را بر بدن استوار مزدور همراه آنان دیدند دیگر بار دانستند مساله تصادف نبوده بلکه یکبار دیگر دورزمنده‌ی



# حماسه‌های مجاهد خلق، لحظه‌های انقلاب

## تور...

### گزارشی کوتاه از

### درگیری و نبرد یکی از واحدهای عملیاتی

### گردان مجاهد شهید حمید جلال زاده

تاریخ: شنبه ۶۱/۳/۲۸  
ساعت: ۸ صبح  
مکان: تهران - خیابان دکتر  
شریعتی سه راه زندان

آخوندی که مشغول صحبت با فرماندهی گشتی‌های کمیته‌ی مرکز بود ساکت شد و با عصبانیت برگه‌ی کاغذی را به طرف مخاطبش دراز کرد و گفت: "بخوان ببین چی نوشته شده؟ همین دیروز یک منافق، پای پیاده و با یک گلت و یک نارنجک در میدان حسن‌آباد \* با افراد ما درگیر شده و پنج تا از آنها رو کشته و یک ماشین و یک موتور را از کار انداخته و پس از اینکه مسلسل یوزی یکی از برادرهای شهید ما رو مصادره کرده، صاف صاف گذاشته و در رفته... حالا شما هرچی که می‌خوای تو رادیو تلویزیون داد بزنی: اعدام کردیم... گرفتیم و ریشه‌ی منافقین کنده شد. خوب مردم می‌بینند. کور که

چهار ساعته یا دنبال خونگی تیمی... یا دنبال افراد مشکوک، یا دنبال تور پهن کردن و تعقیب و مراقبت و هزار تا کار دیگه‌ان، والله تعداد افرادی که همینجوری بهشون مشکوک می‌شیم و دستگیر می‌کنیم از حساب بیرون رفته. راجع به "تور" هم هر جا را که تونستیم تور پهن کردیم، بعضی وقتا وضع ترافیک شهر بخاطر تعداد زیاد توره‌ها، ریخته بهم، ولی خوب شما که توجه دارید! تور از اینطرف مانع حرکت منافقین هست ولی از اونطرف خودش طعمه‌ی مناسبی برای اونهاست میان توره‌ها رو می‌زنن و درمیرن تا حالا نمونه‌های زیادی داشتیم گزارشات اونها که حتما بدست شما..."

آخوند سرپرست کمیته با لحنی که نسبت به قبل ملایمتر شده بود گفت: "این مسائل که بیان کردید درست‌ه ولی بهرحال بایست راههای جدیدی پیدا کنید، با افراد خبره تماس

ضرر ماست. خطرناکه! برادر خطرناکه تنها راه چاره‌اینه که..."

\* \* \*

نرسیده به همراه زندان نزدیک خیابان "بیستون" دو اتومبیل با هم تصادف کرده بودند و باعث کندی حرکت اتومبیل‌ها شده بودند. معلوم نبود که چه زمانی این تصادف

که در کوچه‌های اطراف آماده بودند برای شناسایی بیشتر به مراکز بازجویی انتقال می‌دادند. ولی علیرغم همین این تلاش‌ها و پس از یک ساعتی که از زمان گسترده تور می‌گذشت هنوز چیزی بدست نیاورده بودند.

در آنروز با برنامه‌ی دقیق و از پیش طرح‌ریزی شده‌ی تعداد نسبتا زیادی از این تورها در نقاط مختلف شهر گسترده شده بود و مسئولین سپاه و کمیته تا اندازه‌ی زیادی امید داشتند که با بکارگرفتن این روش جدید خواهند توانست تعدادی از مجاهدین را دستگیر کنند.

بدنبال ما به خیابان فرعی پیچید آنرا پرت کردم. همراه با انفجار مهیب "فانوس قدیر" اتومبیل دشمن متوقف شد و از کار افتاد و لحظاتی بعد پس از آنکه نزدیک به یک خشاب مسلسل، امکان کوچکترین خطر احتمالی را از سوی مزدوران منتفی کرد و سه تن مزدور کمیته‌چی را که در ماشین بودند به سزای جنایاتشان رسانید، از چند کوچه و خیابان عبور کردیم و پس از آنکه اتومبیل خود را که به علت خرد شدن شیشه‌ها و صدمات دیگر قابل استفاده نبود در گوشه‌ای پارک کردیم... خود را به پایگاه رساندیم.

\* \* \*

"ف" گزارش عملیات آنروز را نوشت و به من داد و گفت: "امروز نقشه‌ی تازه‌ای طرح شده بود... تا حالا تور بازرسی با این شیوه ندیده بودم باید این شکل رو به اشکال قبلی توره‌های خیابانی افزود" و پس از مکثی کوتاه ادامه داد: "بگذار خمینی همه‌ی کلک‌ها را تجربه کند. این تورها پاره خواهند شد و ما به پیش

\* \* \*

"ف" که فرماندهی واحد بود و در عین حال رانندگی ماشین را به علت مهارت ویژه‌ی خود در این کار به عهده داشت به آرامی از کنار دو اتومبیلی که با هم تصادف کرده بودند گذشت و می‌خواست به راهش ادامه دهد که با دیدن پاسدار یوزی بدستی که درست در نبش "بیستون" به او فرمان ایست می‌داد، آهسته گفت: "تور!" و

"ف" که فرماندهی واحد بود و در عین حال رانندگی ماشین را به علت مهارت ویژه‌ی خود در این کار به عهده داشت، به آرامی از کنار دو اتومبیلی که با هم تصادف کرده بودند گذشت و می‌خواست به راهش ادامه دهد که با دیدن پاسدار یوزی بدستی که درست در نبش "بیستون" به او فرمان ایست می‌داد، آهسته گفت: "تور!" و من با یک نگاه همه چیز را فهمیدم... درست در میان "تور" دشمن بودیم.

خواهیم رفت. خمینی با هیچ وسیله‌ای نخواهد توانست به حکومت تنگین خود ادامه دهد" و سپس از جایش بلند شد و از اتاق بیرون رفت. به گزارش نگاه کردم "ف" نوشته بود:

گزارش نظامی ۶۷ و احاد عملیاتی "ج" گروهان حسن صادق گردان حمید جلال زاده تاریخ: شنبه ۶۱/۳/۲۸ ساعت: ۸ صبح منطقه: سه راه زندان نفرات واحد: ۲۰ تسلیحات واحد: یک مسلسل با خشاب اضافه، ۳ عدد فانوس قدیر، ۲ اسلحه‌ی گمری و یک نارنجک ضربات خودی: خسارت دیدن یک اتومبیل ضربات دشمن: به هلاکت رسیدن ۴ عامل سرکوب و جنایت و منهدم شدن یک اتومبیل

\* پاورقی: مشروح این عملیات نیز قبلا در نشریه‌ی اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور (نشریه‌ی شماره ۴۸ صفحه‌ی ۷) آمده است.

من با یک نگاه همه چیز را فهمیدم... درست در میان "تور" دشمن بودیم.

"ف" با دیدن پاسدار و اشاره‌ی او، سری تکان داد و لبخندی زد و به آرامی به طرفی که پاسدار مزبور اشاره می‌کرد رفت و درست هنگامیکه مقابل او رسیده بود همراه با فرمان آتش پایش را تا انتها به روی گاز فشرد و با اینکه بشدت قسمت راست ماشین به اتومبیل دیگری که متعلق به کمیته بود، برخورد کرد توانست وارد خیابان بیستون شود و همراه با آن رگبار مسلسل من پاسدار مزدور را که قصد شلیک داشت از جا کند و در پی آن ماشین کمیته بسرعت بدنبال ما حرکت کرد و رگبار مسلسل‌شان شیشه‌ی عقب ماشین ما را فرو ریخت.

نیمه‌های خیابان بیستون "ف" با مهارت زیاد وارد یکی از خیابان‌های فرعی شد و فریاد زد "فانوس". ما همراه خود سه فانوس داشتیم. یکی از آنها را برداشتم و پس از زدن کلید آن و درست هنگامیکه ماشین کمیته

رخ داده ولی از ساعت ۶ صبح کسانیکه از آنجا می‌گذشتند ماشین‌ها را می‌دیدند که وسط خیابان بهم برخورد کرده‌اند و معلوم نبود که چرا از پلیس خبری نیست! ولی چند متر آنطرف تر همه چیز روشن می‌شد. تصادف ماشین‌ها در حقیقت

تصادف ماشین‌ها در حقیقت صحنه‌ای ساختگی بود که بوسیله‌ی ما مورین رژیم بوجود آمده بود و آنطرف تر پاسدارها و کمیته‌چی‌ها با استفاده از کندی شدن حرکت ماشین‌ها و عادی بودن وضع، تور بازرسی خود را گسترده بودند و ما شین‌های مشکوک را بازرسی می‌کردند و افرادی را که مورد سوءظن قرار می‌گرفتند، بوسیله‌ی ماشین‌های سپاه و کمیته که در کوچه‌های اطراف آماده بودند برای شناسایی بیشتر به مراکز بازجویی انتقال می‌دادند.

صحنه‌ای ساختگی بود که بوسیله‌ی ما مورین رژیم بوجود آمده بود و آنطرف تر پاسدارها و کمیته‌چی‌ها با استفاده از کندی شدن حرکت ماشین‌ها و عادی بودن وضع، تور بازرسی خود را گسترده بودند و ماشین‌های مشکوک را بازرسی می‌کردند و افرادی را که مورد سوءظن قرار می‌گرفتند، بوسیله‌ی ماشین‌های سپاه و کمیته

بگیرید تا راهنمایی‌تان کنند. برادران تگاور هستند. برادرانی که قبلا در مسائل امنیتی سابقه‌ی کار دارند، هستند؛ اینها همه می‌توانند به شما کمک کنند. امام هم که دستور فرمودند از هر راهی که می‌توانید مشروعت و درست! بهرحال اگر این مساله تمام نشود که اخبار را نمیشود نهایتا پنهان کرد و این به

نیستند اگر اینجوری پیش بره یک وقت می‌بینی مملکت از دست ما رفت!..."

فردی که مورد خطاب آخوند بود با ناراحتی سرش را از روی کاغذی که در دست داشت بلند کرد و گفت: "خوب ما چیکار بایست بکنیم حاج آقا!... واحدهای ما مدام مشغول و گرفتارن، بیست و



معرفی کتاب:

”به هوای میهن“

شعرهای نعمت میرزازاده (م-آزم) - دفتر نهم

اخیرا دفتر نهم اشعار م.آزم، شاعر ملی و مردمی ایران که اکنون در تبعید بسر می برد، به دستمان رسید.  
این کتاب تحت عنوان ”به هوای میهن“ در پاریس چاپ شده است.  
م.آزم دفتر نهم اشعارش (در هوای میهن) را در سرآغاز این کتاب، به ”فرزندان جوان ایران، به نسل مقاومت“ بدینگونه ”پیشکش“ کرده است:  
”به نسلی که تیغی تاوان خونبارترین سوختافهم تاریخی را برگردی خویش تجربه کرد. نسلی که به هوای بهروزی خلق، با گذاری عاشقانه از معبر خونین مبارزات دوران ستمشاهی، در آستانه‌ی دروازه‌ی رهایی، به ذبح شرعی قربانی شد. و در همان حال، جبران اشتباه را چنان به مجاهدت، استقامت و رزید که عنوان نسل مقاومت یافت...  
به قهرمانان گمنام میهنم زنان و مردانی که در جنگل‌های گیلان و مازندران، گوهستان‌های نستوه کردستان و در سراسر ایران، در میان

شعله‌های سوزنده‌ترین جهنم تاریخ، نبرد سرنوشت را ادامه می‌دهند.  
به نسلی که افکندن طرحی نو - بر اساس بازبینی گارنامه‌ی مبارزات اجتماعی معاصر و ارزیابی دوباره‌ی ارزش‌ها - رسالت تاریخی اوست...  
به مبارزان آوارهای که افزون بر پذیرش دشوارترین شرایط زندگی، می‌باید مصیبت رجزخوانی‌های غارتگران، گاسه‌لیسان و پادوهای سیاسی نظام مدفون سلطنتی را نیز تحمل کنند. دلگدانی که در آشفته‌بازار لاف در غربت و به پشتوانه‌ی سرمایه‌های ربوده شده از ایران، در کسوت هنرمند، نظریه‌پرداز و سیاستگر، با قیافه‌ی حق بجانب، اکنون به یمن جنایات نظام آخوندشاهی به طلبکاری از خلق، ادعای خسارت دارند!  
ذیلا چند قطعه از اشعار کتاب ”به هوای میهن“ را ملاحظه می‌کنید، لازم به توضیح است که برخی از این اشعار قبلا در نشریات دیگر نیز مورد استفاده قرار گرفته است:

مزمونی

در شب به فراز شهر تبریز  
برخاست خروش رعد و توفان  
ستار بر اسب تیزیوش  
آمد به محله‌ی خیابان  
رخشان به دو چشم اختر اشک  
آشفته و خشمگین، شتابان  
پرسید خبر چگونه بوده‌ست؟  
برخاست ز خلق آه و افغان  
ناگاه ”سهند“ نعره برداشت  
گای مردم قهرمان ایران!  
فرزند دلاورم نمرده است  
فرمانده‌ی جبهه‌ی دلیران،  
موسی به هزار چهره زنده‌ست  
در حالت هر مجاهد خلق  
هنگام که رزم جامه پوشد،  
برلن  
بهمن ۱۳۶۰

پاک‌گرادی در راه

شگری هنوز در برابر بیدادگاه ایستاده سرافراز (۱)  
و همچنان دفاعنامه‌ی خود را بلند می‌خواند  
امواج التهاب صدایش،  
چون پویش مداوم تاریخ، بر سالن  
نظامی بیدادگاه لرزه‌فکنده‌ست  
هر واژه از میان لیش چون شهاب‌های پیاپی،  
بر آسمان تیره‌ی میهن ستاره می‌دوزد.  
او از زبان خلق سخن می‌گوید  
او دادگاه را به صحنه‌ی پرشور دادخواست‌های خلق  
مبدل کرده‌ست.  
او با مهیب‌ترین قدرت زمانه در افتاده‌ست.  
شگری درون بند نشسته‌ست  
در بند چار ”قصر“  
با دوستان به نرمی و آهستگی،  
- دور از نگاه و گوش گزارشگر -  
سرگرم بحث‌های اصولی‌ست  
سرگرم نقد تجربه‌های گذشته‌هاست  
آنگونه مهربان که گمانت نمی‌رسد،  
آن شیر شریزه اوست!  
مامور بند آمده ناگاه باز،  
احضار می‌کند به صدای بلند شگری را  
شگری به ”زیر هشت“ فرا خوانده می‌شود!  
شگری درون بند آمده با چهره‌ی کبود  
و قطره‌های گرم عرق روی چهره‌اش،  
آمیخته به رشته‌ی خونی که از لیش جاریست.  
بر روی پاشنه‌ی پا ستاده است خم‌ان، زیرا که،  
با ضربه‌ی مداوم شلاق، پای ورم می‌کند،  
و پوست‌های گف و ساق پای از تورم اندام‌های ملتهب  
زیر پوست می‌ترکد،  
وانگاه بر زمین نهادن هر گام،  
دردش هزار بار گزنده‌تر است ز شلاق!  
دردش به گونه‌ای‌ست که بر دشمنی‌های گداخته پای گذاری!  
شگری به بار چندم و چندین،  
از قصر باز آمده یا از اوین،  
باز آمده به بند پنج کمیته به بازجوئی تکراری،  
یعنی شکنجه‌های هرازگاه و نوبتی

در بند پنج به سلول شش نشسته کنار من،  
گل‌خنده‌ی صفا و صداقت به چهره‌اش،  
آرامش یقین به نگاهش،  
از زخم و درد خویش هیچ نمی‌گوید  
اما ز حال یک‌یک یاران بند می‌پرسد.  
می‌بوسمش ز شوق و از او با شتاب می‌پرسم  
می‌پرسم از ”اوین“ که چگونه‌ست این زمان  
می‌پرسم از ”بازجان“،  
می‌پرسم از تفاوت ”قصر“ و ”حصار“،  
می‌پرسم از یگایک یاران،  
می‌گویم: مبارزه در بندها به قوت خود باقیست  
می‌گویم: به بند میندیش!  
می‌گویم: بهار رهایی به راه دیر نخواهد ماند  
ما با بهار دامن البرز وعده‌ها داریم!  
شعری به پیشواز رهایی،  
شعری به پیشواز بهاران بخوان!  
شگری درون جبهه‌ی خلق است  
و روزهای بهمن پنجاه‌هفت،  
و روزهای آتش و خون است  
او تازه باز رسته ز زندان،  
و بی‌قرار، در پی دیدارها و عهد و قرار است  
در قلب گیرودارهای گونه‌گونه‌ی آن رزم سرنوشت،  
تا آن طلسم شوم فرو بشکند!  
شگری درون جبهه‌ی آزادی‌ست (۲)  
او باز روز و شب به تلاش است  
او یک تنه هزار گونه شگرد خطیر را به عهده گرفته‌ست،  
تا چشمه‌سارها و رودهای فراوان،  
در معبری یگانه بپیوندند!  
و آن سیل پر خروش گز امواج انقلاب روان می‌شود،  
سدهای گونه‌گونه‌ی جهل و دروغ را،  
از پیش پای خلق براندازد.  
سامان گارهای جبهه ازین سان بدست اوست  
او روز شب به چاره‌جوئی ماموت پیر سرگرم است!  
اکنون دوباره زندگی‌اش مخفی‌ست  
امکان هر تحرک آزاد از میان رفته‌ست  
اکنون دوباره روزگار ستم‌شاهی‌ست  
با حربه‌ی خشونت صدباره بیشتر.  
شگری ولی ز پای نیفتاده‌ست  
او در کنار جبهه‌ی رزم مجاهدین  
- قلب بزرگ جبهه‌ی آزادی و رهایی میهن -

سرگرم چاره‌جوئی و سامان گارهای نبرد است  
تا جبهه‌ی مقاومت خلق،  
تا جبهه‌ی بزرگ رهایی،  
یکباره در فراخای پهنه‌ی میهن ز جای بر شورد  
تا رزم سرنوشت به پایان رسد  
ای دوست! ای رفیق!  
همبند سال‌های ستم‌شاهی گذشته نزدیک!  
هم‌رزم سال‌های شیخ‌شاهی اکنون!  
از راه دور چهره‌ی پاک تو را هزار بار می‌بوسم!  
چندی گذشته بی‌خبرم از تو  
روزی اگر بسوی تو باز آمدم،  
با تو هزار سینه سخن دارم!  
اما به مادرت چه بگویم؟  
اما چگونه گرم به رویش نگاه کنم؟  
آن خسته شیر زن پیر را که سال‌های فراوان،  
با بقچه‌های نبات و گشته و بادام،  
از زادگاه دور تو از ”دزفول“،  
تا پشت بندهای ”اوین“ می‌آمد،  
شاید تو را دوباره ببیند!  
با مادرت چگونه توانم گفت:  
گاری که یزدگرد تماش نکرده بود مغیره تمام کرد!  
اما نه!  
هیچ نخواهم گفت!  
او منتظر به خانه نشسته‌ست،  
می‌داند او که ماهیاست که شگری،  
سرگرم سازمان دهی جبهه‌ی مقاومت خلق است  
می‌داند او که دیر نخواهد بود،  
تا انقلاب خلق به سامان رسد،  
لبخنده‌ی سپیده بروید،  
همراه با بهار گمشده شگری به خانه باز آید!  
شگری به خانه باز خواهد گشت  
شگری به عهد خویش وفادار است  
شگری به راه نمی‌ماند،  
شگری صبور و خنده به لب،  
با هم‌رهان خویش هم‌اکنون در راه است!

پاورقی:  
(۱) - شکرالله پاک‌نژاد را دوستان نزدیکش در زندان و بیرون از زندان شگری خطاب می‌کردند.  
(۲) ”جبهه‌ی دمکراتیک ملی ایران“  
بقید در صفحه‌ی ۲۱



## معرفی کتاب: "به هوای میهن"

بقیه از صفحه ۲۰

### محاکنه

"شغل تو چیست...؟  
- سرباز انقلاب!  
"جایت کجاست...؟  
- در جبهه‌ی مقاومت خلق!

باری تمام فاجعه یک لحظه پیش نبود  
اینگونه بود

به این سادگی:  
پرسید: "نام...؟"  
گفت: "مجاهد!"

"فرزند کیستی...؟"  
- فرزند خلق!

یک لحظه بعد دخترک آماده‌ی شهادت محتوم  
وقتی که چتر آتش رگبار.  
در سینه‌اش شکفت  
فریاد زد:  
سلام بر آزادی!

برلن - آبان ۱۳۶۰

### نامه به رویا

مجاهد:

(حتی در آن موقع احتمال حمله‌ی پاسداران و  
کشتن تظاهرکنندگان را می‌داد و با این آمادگی  
شرکت کرده بود) روز ۳۰ خرداد نیز در تظاهرات  
شرکت کرده بود و به مسائل زیادی برخورد کرده بود  
که همه را با یک دنیا سختی، خودش تک و تنها  
حل کرد...

یکبار در بهار ۶۱ به من گفت از این زندگی  
خسته شده‌ام ولی نمی‌خواهم همینطوری بمیرم.  
کینه‌ای عمیق و انقلابی در دل داشت. می‌گفت  
دل می‌خواهد لا جوردی را با دندانهایم تکه‌تکه  
کنم. این بچه‌ها (مجاهدین) فقط به من اجازه  
بدهند که من فدائی شوم و حداقل یکی را همراه  
خودم بکشم. چنین تقاضایی را هم (بنا به گفته‌ی  
خودش) داده بود ولی توافق نکرده بودند.  
ذیلاً شعر "نامه به رویا" را به نقل از کتاب  
"به هوای میهن" ملاحظه می‌کنید:

"نامه به رویا" \*

شبی نبود که در اشک من نروئیدی  
گل شبی که به مژگان من شکوفائی

چه سالها که جدا گردمان ز هم دیوار  
دوباره بی تو شدم باز هم تو تنهائی

به هر ستیز و گریزت دلم فرو ریزد  
اگر چه معرکه‌ها دیده‌ای و برنائی

صدای پای تو را می‌شناسم از ره دور  
صدای پای تو گز راه دور می‌آئی

به راه گوش که ترسم اگر که دیر کنی  
به شام هجر نباشد امید فردائی

پاریس ۲۷ آبان ۱۳۶۱

ضمن درج قطعه شعر "نامه به رویا" بار دیگر،  
خاطره‌ی رویا کهربائی (میرزازاده) همسر مبارز و  
فداکار آقای م. آرزوم را که پس از تحمل رنج‌ها و  
فشارهای زیاد، مدتی پیش بدرود حیات گفت،  
گرامی می‌داریم.

در همین جا بی‌مناسبت نمی‌بینیم که برای  
آشنائی با روحیات مبارزاتی رویا کهربائی (میرزازاده)  
قسمت‌های کوتاهی از شرح حال رویا را به نقل از  
یکی از دوستانش ذکر کنیم:

"بخاطر دارم روز تظاهرات بزرگ زنان در  
اردیبهشت ۶۰، رویا به منزل ما آمد کیف و حلقه‌ی  
انگشتری‌اش را به من داد و گفت وصیت‌نامه‌اش  
در کیف است چنانچه برنگشت آن را بازکنم

به پیش چشمی و در چشم من نه پیدائی  
صدای پای تو می‌آید و نمی‌آئی

مرا به گوچه صدا می‌کنی به ناگاهان  
چو باز می‌نگرم باز هم نه پیدائی

چه دوری از من و نزدیک، آشکار و نهان  
به راستی که همان جلوه‌های "رویا"ئی

هزار بار گرفتی مرا ز افتادن  
چه عاشقانه‌ام از دور دست، می‌پائی

غریب و خسته چو هر شب به خانه باز آیم  
در آستانه‌ی خاموش در هویدائی

حواشی

\* در اواخر آبان ۱۳۶۱ عزیزی - که خود  
امیدش به خون کشیده شده بود - به ایران  
می‌رفت. این شعر را همچون نامه‌ای در فرصتی  
کوتاه و با ملاحظات امنیتی نوشتم و برای همسر  
و همراهم رویا فرستادم. نامه‌ای که هرگز به او  
نرسید. زیرا رویا در ستیز و گریزی مدام که با  
نظام آخوند شاهی داشت، رابطه‌های گسیخته  
بود. دو هفته‌ی بعد که این کتاب برای چاپ

مردم در حالت وحشت و  
اضطراب بسر می‌برند. این  
کنترل‌ها و جاسوسی‌های مداوم  
بنظر می‌رسد که بطور عادی کار  
می‌کند. ملاحاجی گفت وقتی که  
شما در شهر تهران حرکت  
می‌کنید این امکان وجود دارد  
۴،۳، ۵ مرتبه متوقف شوید و  
از شما تقاضای کارت شناسائی  
می‌کنند، کنترل بدنی می‌شود  
آنها همه جا را کنترل می‌کنند  
حتی پشت گوش را. در جاده -  
های خروجی از تهران بایستی

مردم در حالت وحشت و  
اضطراب بسر می‌برند. این  
کنترل‌ها و جاسوسی‌های مداوم  
بنظر می‌رسد که بطور عادی کار  
می‌کند. ملاحاجی گفت وقتی که  
شما در شهر تهران حرکت  
می‌کنید این امکان وجود دارد  
۴،۳، ۵ مرتبه متوقف شوید و  
از شما تقاضای کارت شناسائی  
می‌کنند، کنترل بدنی می‌شود  
آنها همه جا را کنترل می‌کنند  
حتی پشت گوش را. در جاده -  
های خروجی از تهران بایستی

مردم در حالت وحشت و  
اضطراب بسر می‌برند. این  
کنترل‌ها و جاسوسی‌های مداوم  
بنظر می‌رسد که بطور عادی کار  
می‌کند. ملاحاجی گفت وقتی که  
شما در شهر تهران حرکت  
می‌کنید این امکان وجود دارد  
۴،۳، ۵ مرتبه متوقف شوید و  
از شما تقاضای کارت شناسائی  
می‌کنند، کنترل بدنی می‌شود  
آنها همه جا را کنترل می‌کنند  
حتی پشت گوش را. در جاده -  
های خروجی از تهران بایستی

بقیه از صفحه ۸

## انعکاس اعلام پیوستگی ۱۰ تن از...

### گزارش مصاحبه همافران بارادیو اتریش همراه با تفسیر این رادیو در برنامه اخبار شب

که بعد از یکسال مخفی شدن  
توانست از ایران خارج شود،  
همافر نیروی هوایی بنام حمید  
ملاحاجی ست. او توضیح می‌دهد:  
"من یکی از پرسنل نیروی  
هوایی و هوادار سازمان مجاهدین  
خلق (مبارزین زیرزمینی) هستم  
از روزنامه اطلاع پیدا کردم که  
تحت تعقیب هستیم و آنها  
می‌خواهند مرا دادگاهی کنند  
آنها مرا متهم کردند که من در پرواز  
آقای رجوی رهبر سازمان مجاهدین  
خلق ایران و رئیس‌جمهور بنی‌صدر  
در تابستان سال ۱۹۸۱ شرکت  
داشتم. بعد از اینکه من متوجه  
شدم تحت تعقیب هستم دیگر به  
خانه نرفتم. روزهای بعد آنها  
به خانام آمدند آپارتمان مرا  
بازرسی کردند و مادرم را  
دستگیر کرده و یک ماه او را در  
زندان نگه داشتند. من مخفی  
شدم و با کمک دوستانم توانستم  
تهران را ترک کنم و در شهرهای  
دیگر به زندگی مخفیانه ادامه  
دادم. من هم‌اکنون هیچگونه  
اطلاعی از وضع مادرم ندارم و  
تاکنون نمی‌دانم که آیا او زنده  
است یا نه. همچنین آینده‌ی ۸  
افسر نیروی هوایی ایران که  
اکنون در دادگاه محاکمه  
می‌شوند نیز در پرده‌ی ابهام  
است. این ۸ افسر متهم به  
همکاری در پرواز استثنائی و  
شگفت‌آور آقای رجوی و رئیس  
جمهور بنی‌صدر می‌باشند. " ۸

انحلال حزب کمونیست  
ایران نمایانگر این موضوع است  
که چهار سال بعد از سقوط شاه  
آخرین گروه غیرمذهبی متحد با  
ملاها و آیت‌الله خمینی در  
مبارزه‌ی آن زمان برعلیه شاه نیز  
غیرقانونی اعلام شد. گروه‌های  
دیگر سیاسی مدت مدیدیست که  
در این حالت غیرقانونی بسر  
می‌برند. بزرگترین گروه از این  
گروه‌های سیاسی غیر قانونی  
اعلام شده که برعلیه رژیم  
تکنوکرات آیت‌الله خمینی  
مقاومت مسلحانه می‌کند سازمان  
مجاهدین خلق ایران است.  
رهبر سازمان مجاهدین خلق  
ایران مسعود رجوی از ۲ سال  
پیش در تبعید بسر می‌برد و  
شگفت‌آور آنکه محل تبعید او  
پاریس است همان پاریسی که  
چند سال قبل آیت‌الله خمینی  
برای تغییر رژیم در ایران  
فعالیت می‌کرد. همان کاری که  
امروز مسعود رجوی انجام  
می‌دهد. سازمان مجاهدین خلق  
ایران آنطور که نشان می‌دهد نه  
تنها بزرگترین گروه مقاومت بلکه  
همچنین بهترین گروه سازمان -  
یافته می‌باشد. آنها طرفدارانی  
هم در داخل ارتش ایران دارند.  
ارتش ایران بعد از تقریباً ۳ سال  
جنگ با عراق همچنان ناراضی  
از رژیم تهران است.

۲ افسر نیروی هوایی ایران  
که مدتی قبل از ایران فرار کرده  
بودند به تازگی وارد وین شدند  
و خبرنگار ما با این افسران  
صحبت کرده است. گزارشی به  
این ترتیب آماده کرده:  
حمید ملاحاجی همافر اول  
نیروی هوایی ایران است که در  
جنگ برعلیه عراق نیز شرکت  
داشته است تا زمانی که به علت  
مخالفت‌های سیاسی او را به  
پشت جبهه فرستادند. او از نظر  
سیاسی قابل اعتماد نبود زیرا او  
یک هوادار سازمان مجاهدین  
خلق ایران است بزرگترین  
سازمان مقاومت مسلحانه در  
ایران امروز. این سازمان از  
وقتی معروف شد که عملیات  
انتحاری انجام داد پادگان‌ها را  
تخلیه کرد و تعداد زیادی از  
سیاستمداران وابسته به آیت‌الله  
خمینی را کشت. آنها توسط  
دولت ایران و پاسداران بشدت  
تحت تعقیب هستند تعداد  
زیادی از آنها مخفی شده‌اند و  
بعضی از آنها موفق شدند از  
ایران خارج شوند یکی از کسانی

مردم در حالت وحشت و  
اضطراب بسر می‌برند. این  
کنترل‌ها و جاسوسی‌های مداوم  
بنظر می‌رسد که بطور عادی کار  
می‌کند. ملاحاجی گفت وقتی که  
شما در شهر تهران حرکت  
می‌کنید این امکان وجود دارد  
۴،۳، ۵ مرتبه متوقف شوید و  
از شما تقاضای کارت شناسائی  
می‌کنند، کنترل بدنی می‌شود  
آنها همه جا را کنترل می‌کنند  
حتی پشت گوش را. در جاده -  
های خروجی از تهران بایستی



# بازتاب طرح صلح شورای ملی مقاومت در مطبوعات عربی

همانطور که می‌دانید بدنبال ارائه طرح صلح شورای ملی مقاومت، این طرح در مطبوعات و رادیو - تلویزیون‌ها کشورهای مختلف جهان انعکاس وسیعی پیدا کرد. در شماره‌های قبل گوشه‌هایی از انعکاس مطبوعاتی و رادیو - تلویزیونی طرح مزبور را چاپ نمودیم. در این شماره به درج بخش دیگری از بازتاب این طرح در مطبوعات عربی اقدام می‌نمائیم.

## الانباء

### رجوی یطرح خطبة لانتهاء حرب الخليج

#### رجوی طرح خاتمه جنگ خلیج را ارائه می‌دهد

پاریس: آقای مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت ایران در بیانیه‌ای که امروز در پاریس صادر گردید، طرح کلی صلح میان ایران و عراق را ارائه داد. مواد این طرح شامل اعلام فوری آتش بس بین عراق و ایران و تشکیل کمیسیون نظارت بر آتش بس و عقب‌نشینی تحت نظریک مرجع مرضی‌الطرفین یا دبیرکل ملل متحد می‌باشد. مواد طرح همچنین شامل عقب‌نشینی نیروهای دو کشور تا پشت مرزهای مشخص شده در پروتکل‌های راجع به علامت‌گذاری مجدد مرز زمینی و آبی بین ایران و عراق می‌باشد. کمیسیون عالی نظارت بر آتش بس موظف است که زمان لازم برای عقب‌نشینی به مرزهای بین‌المللی را تعیین کند. طرح مسعود رجوی همچنین شامل مبادله کلیه اسرای جنگی دو طرف در حداکثر ظرف ۳ ماه پس از اعلام آتش بس با رعایت مقررات بین‌المللی تحت نظر صلیب سرخ بین‌المللی، می‌باشد. همچنین این طرح شامل تعیین خسارت‌های ناشی از جنگ توسط دیوان بین‌المللی لاهه و نحوه تأدیه حقوق ایران بوده، و رای دیوان در این مورد لازم الاجرا خواهد بود. این طرح شامل تعهد طرفین به فراهم نمودن موجبات بازگشت پناهندگان و رانده‌شدگان دو کشور به یکدیگر با اعلام عفو عمومی و تضمین امنیت مالی و جانی آنها، می‌شود. آخرین بند این طرح شامل تنظیم قرارداد مقطعی صلح بین دو کشور، بر مبنای احترام کامل به استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر با حسن همجواری و مصونیت مرزها از تجاوز، می‌شود.

## الشرق الأوسط

### استقبال رسمی عراق

### ترحیب عراقی رسمی بمشروع «المجلس الوطني للمقاومة الايرانية» للسلام بين البلدين

#### از طرح صلح بین دو کشور از طرف شورای ملی مقاومت ایران

کرد که اطلاعیه‌ی شورای ملی مقاومت ایران بطور کلی از همان روحیه‌ای که در گفتگوهای فرانسه در ۹ ژانویه بین آقای طارق عزیز نایب نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه و آقای مسعود رجوی مسئول اول شورای ملی مقاومت ایران وجود داشت برخوردار است، یعنی اینکه طرفین یک زندگی صلح‌آمیز و استقرار روابط براساس حسن همجواری و عدم دخالت در امور داخلی کشورهای یکدیگر را آرزو کرده‌اند.

است تا با روحیه‌ای مثبت نکات این بیانیه را مورد بررسی قرار دهد و برای رسیدن به پیمان عادلانه با شورای ملی مقاومت ایران، آرزوهای صادقانه خود را ابراز می‌دارد. وزیر عراقی توضیح داد که هنوز زود است که بطور رسمی بر نکات قانونی و اجرائی و چگونگی استقرار صلح بین دو کشور که در بیانیه آمده است نظر دهیم. وی گفت که این مسائل را نمی‌توان با صدور اطلاعیه‌ی فوری مطرح نمود، بیانیه احتیاج به بررسی و مطالعه‌ی طرفین دارد. وی اشاره

بغداد - واس: عراق استقبال خود را نسبت به طرح صلح شورای ملی مقاومت ایران در ۱۳ مارس جاری، اعلام نمود و اشتیاق خود را به مسئله صلح و آمادگی برای همکاری با شورای ملی مقاومت و با همه‌ی ایرانیانی که خواستار استقرار صلح با عراق بر مبنای روابط برادرانه بین دو کشور همسایه هستند، مجدداً تأکید کرد. آقای لطیف نصیف جاسم وزیر فرهنگ و اطلاعات عراق دیروز طی سخنانی گفت که عراق آماده

## القبس

### مشروع من ۷ نقاط

#### لانتهاء الحرب

#### العراقية - الايرانية

#### یک طرح ۷ ماده‌ای

#### برای خاتمه جنگ

#### ایران و عراق

پاریس - رویتر: دیروز شورای ملی مقاومت ایران یک طرح ۷ ماده‌ای جهت خاتمه جنگ ایران و عراق را ارائه داد. سخنگوی شورا گفت که این طرح به ملل متحد و جنبش غیرمتمتعده و دولت عراق و سازمان کنفرانس اسلامی، تقدیم شده است.

شورای مزبور دربرگیرنده‌ی سازمان‌ها و شخصیت‌های اپوزیسیون ایرانی در تبعید، می‌باشد. آتش بس فوری و تشکیل کمیسیون نظارت بر ریاست دبیرکل ملل متحد یا یک شخصیت مرضی‌الطرفین، عقب‌نشینی نیروها به مرزهای مشخص شده در قرارداد سال ۱۹۷۵ بین دو کشور، مبادله‌ی اسرای (جنگی)، تعیین خسارت ناشی از جنگ توسط دیوان بین‌المللی لاهه و فراهم نمودن موجبات بازگشت پناهندگان دو کشور و تنظیم قرارداد صلح، از مواردی است که در طرح مزبور مطرح شده است.

## «الرای العام»

### المعارضة الايرانية تضع خطة للسلام

#### بين العراق وايران من ۸ نقاط

#### اپوزیسیون ایرانی یک طرح ۸ ماده‌ای صلح

#### بین عراق و ایران را تنظیم نمود

ع- ارجاع مسئله تعیین خسارت‌های ناشی از جنگ به دیوان بین‌المللی لاهه جهت تعیین خسارت به شرط اینکه طرفین رای دیوان را بپذیرند. ۷- مبادله‌ی پناهندگان در دو کشور که بخاطر جنگ کشور خود را ترک نموده‌اند. بازگشت آنها به کشور اصلی خود با تضمین امنیت مالی و جانی آنان.

۸- تنظیم قرارداد صلح بر مبنای احترام دو طرف و احترام به حاکمیت و استقلال دو کشور و عدم مداخله در امور یکدیگر و اتخاذ سیاست حسن همجواری. اپوزیسیون ایرانی، این طرح صلح را به دبیر کل (سازمان) ملل متحد، سازمان‌های بین‌المللی، کشورهای غیرمتمتعده و کنفرانس اسلامی و کلیه کشورهای و سازمان‌هایی که خواستار استقرار صلح در منطقه می‌باشند، فرستاد.

## بغداد طرح

### صلح مقاومت ایران را

#### مورد استقبال قرارداد

### السياسة

#### بغداد ترحب بمشروع المعارضة الايرانية للسلام مصرع قائد البوليس الايراني علي طريقة السادات

حضور داشت، جان سالم بدر برد. مجاهدین گفتند که فرد مهاجم پس از تیراندازی به همراه ۱۵ تن دیگر از سربازان دستگیر شدند.

دفتر مجاهدین همچنین اضافه کرد که مجازات سپهری به عنوان اعتراض به ادامه‌ی جنگ خلیج و نقش وی در فرستادن جوانان ایرانی بی‌تجربه به میدان‌های مرگ در جبهه‌ها صورت گرفته است. از طرف دیگر عراق از طرح صلح مقاومت ایران که جهت خاتمه جنگ ایران و عراق در ۱۳ مارس ارائه شده است استقبال به عمل آورد.

فرماندهی ژاندارمری ایران در مراسم رژه به هلاکت رسید. سازمان مجاهدین ایران دیروز گفت که سرهنگ سپهری فرماندهی ژاندارمری استان جنوب (ایران) در طی مراسم رژه نظامی در جایگاه مخصوص مورد اصابت گلوله‌های یک سرباز قرار گرفته و به قتل رسید.

دفتر مجاهدین در پاریس به خبرگزاری رویتر تلفنی اطلاع داد که سرهنگ سپهری بدست یکی از اعضای سازمان مجاهدین در ارتش ایران در شهر اهواز در ۱۰ مارس به‌هلاکت رسید. اما سرهنگ کوچک‌زاده فرماندهی کل ژاندارمری که در مراسم رژه



آموزش و پرده هسته‌های مقاومت مسلحانه (۱۰)

وظایف نیروها در شرایط قطع ارتباط

بقیه از صفحه ۶

دچار سردرگمی و ابهام نشده و می‌توانند طبق برنامه و تصمیمات قبلی، اقدامات لازم را انجام دهند. در درجه اول بایستی دقت داشت که اساسا رابطه قطع نشود و تدابیری مانند فرارهای ویژه‌ی زمان قطع، حتما تنظیم شده و در اختیار مسئول تشکیلاتی قرار گرفته باشد. علاوه بر مسئله فوق، لازم است که بعضی نشانی‌های پستی مورد لزوم دریافت شود تا پس از قطع به منظور وصل مجدد از آنها استفاده گردد.

به لحاظ امکانات و تدارکات نیز می‌توان پیش‌بینی‌هایی نمود و اقداماتی انجام داد. مثلا از قبل می‌توان پایگاه‌های استقراری زاپاس تهیه کرد و یا در بین امکانات سمپاتیک، موارد مناسب را در نظر گرفت تا به لحاظ امنیتی و استقرار در پایگاه‌های آلوده حداقل ریسک و خطرات احتمالی را پذیرفت. همچنین به لحاظ امکانات مالی نیز می‌توان ذخیره و منابعی را در نظر گرفت تا از این لحاظ نیز دچار مضیقه نگردید. سوال ۹۴: دیگر وظایف نیروها و افرادی که با تشکیلات در رابطه هستند پس از قطع ارتباط چیست؟

جواب: عناصری که

ارتباطشان با تشکیلات قطع شده است، علاوه بر کوشش به منظور وصل مجدد، وظایف دیگری نیز بر عهده دارند. منجمه می‌بایستی با استفاده از رادیو "مجاهد" آموزش‌های لازم در زمینه‌های گوناگون را دریافت کنند. بخصوص آموزش‌های سیاسی و نظامی از مهم‌ترین مطالبی هستند که کلیه افراد در هر شرایطی به آن نیاز دارند. مطالبی که از رادیو پخش می‌شود، می‌بایستی با صرف انرژی به صورت نوشته و جزوه درآید و پس از تکثیر و مراجعات مکرر در اختیار دیگران نیز قرار گیرد. علاوه بر آموزش‌هایی که گفتیم، دریافت و اجرای ضوابط، دستورالعمل‌ها و رهنمودهایی که توسط رادیو منعکس می‌گردد نیز جزو وظایف نیروها می‌باشد. همچنین هر فرد متناسب با توانایی‌ها و امکاناتی که در اختیار دارد، می‌بایستی بر طبق برنامه‌ی کاری که داشته است، مسئولیت‌های خود را دنبال کند. مثلا کسانی که فعالیت‌های تبلیغاتی، تدارکاتی، اطلاعاتی و پشت جبهه‌ای انجام می‌دادند، همچنان می‌بایستی کار خود را دنبال نمایند و در زمینه‌های مختلف مانند جمع‌آوری امکانات مالی و غیره فعال باشند.

در ضمن می‌باید ارتباط

با نیروهای جدید و سمپات‌ها را نیز در حد امکان، گسترش داد. در همینجا تذکر می‌دهیم که در هنگام برقراری رابطه با افراد جدید، به مسائل امنیتی باید بهای کافی داده شود. مثلا اگر با کسی رابطه برقرار می‌کنید که آشنائی‌های لازم با ضوابط و دستورالعمل‌های امنیتی و حفاظتی ندارد، بایستی به وی آموزش‌های لازم داده شود.

بعضی از رزمندگان نیز که در جهت تشکیل و یا گسترش هسته‌های مقاومت و همچنین در مسیر انجام عملیات نظامی گام برمی‌دارند و مثلا در صدور تدارک سلاح و مهمات می‌باشند، می‌توانند تا برقراری مجدد رابطه، به کارهای خود ادامه دهند. بطور کلی می‌توان گفت که اعضاء و نیروها می‌بایستی به هیچ عنوان بیکار ننشینند و متناسب با توان و شرایط خود و بر طبق آموزش‌هایی که توسط رادیو و نشریه‌ی مجاهد داده می‌شود، به انجام وظایف انقلابی خود اقدام کنند. بدون شک در مسیر انجام همین وظایف، روز به روز رشد کرده و می‌توانند فعالیت‌های خود را گسترش دهند، و پس از وصل مجدد به سازمان دست‌آوردهای بیشتری به همراه داشته باشند.

تظاهراتی که به دعوت حزب سوسیالیست و با شرکت سایر احزاب سیاسی و سندیکا‌های کارگری اطریش در شهر وین و گراتز ترتیب یافته بود، شرکت نمودند. شعارهایی که توسط دانشجویان هوادار سازمان در محکومیت جنگ‌طلبی خمینی و سرکوب کارگران ایران داده می‌شد و بویژه آکسیون نمایش بدل خمینی مورد استقبال شدید مردم واقع شد.

آمریکا

انجمن دانشجویان مسلمان آمریکا در تظاهرات روز جهانی کارگر در شهرهای لوس‌آنجلس، واشنگتن و برکلی شرکت نمود. در جلسهای که به همین مناسبت توسط نیروهای مترقی در واشنگتن ترتیب یافته بود پیام برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت به

گزارشی از شرکت اتحادیه ...

بقیه از صفحه ۱۶

دانشجویان مسلمان آلمان نیز در تظاهرات شهرهای کلن، دورنموند و برلن شرکت کرده بود. علاوه بر پلاکاردهای متعددی که توسط خواهران و برادران دانشجویی مان حمل می‌شد، کاریکاتوری از خمینی در حالی که شیر نفت را به روی تمام جهان باز نموده است نیز در صف انجمن به چشم می‌خورد که توجه بسیاری را بخود جلب کرده بود.

در پایان تظاهرات شهر کلن، یک گروه کُر آلمانی، سرود "پیش بسوی صلح" را به زبان فارسی اجرا نمود.

اتریش

اعضاء و هواداران انجمن دانشجویان مسلمان اطریش در

شرکت فعال خود در این تظاهرات به افشاء هر چه بیشتر جنایات رژیم خمینی و نیز معرفی شورای ملی مقاومت به عنوان تنها آلترناتیو دمکراتیک و ملی ایران پرداخت. در میتینگ شهر استکهلم، پیام برادر مجاهد مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت که به مناسبت روز جهانی کارگر انتشار یافته بود، قرائت گردید که مورد استقبال حاضرین قرار گرفت.

آلمان

اتحادیه‌های کارگری D.G.B. و احزاب سوسیال دمکرات و سوسیالیست‌های جوان برگزار کنندگان تظاهرات وسیع و گسترده‌ی روز جهانی کارگر در کشور آلمان بودند. انجمن

بازتاب طرح صلح شورای ملی مقاومت

در مطبوعات ... بقیه از صفحه ۲۲

خطه من سبع نقاط طرحها المقاومة الايرانية (العرب) لوقف حرب الخليج

يك طرح ۷ ماده‌ای که توسط مقاومت ایران جهت خاتمه جنگ خلیج ارائه شده است

نیروهای مقاومت ایران که در شورای ملی مقاومت اسلامی، ارسال شده است وی متشکل هستند دیروز یک طرح ۷ ماده‌ای جهت از ۶ ماه از جلسات اعضای خاتمه‌ی جنگ ایران و عراق را ارائه دادند. سخنگوی این شورا که متشکل از سازمانها و شخصیت‌های اپوزیسیون ایرانی در تبعید می‌باشد. منجمه رئیس‌جمهور سابق ابوالحسن بنی‌صدر و آقای مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق، گفت که این طرح برای سازمان ملل متحد، جنبش عدم تعهد،

ایران و عراق بر اساس اصول دوستی

و احترام متقابل با یکدیگر معاهده می‌کنند

شورای ملی مقاومت برای خاتمه جنگ خلیج طرحی را ارائه نمود. پاریس، شورای مقاومت (مخالفت) برای پایان جنگ ایران و عراق طرح جدیدی را ارائه نموده است. رهبری شورای مقاومت به عهده‌ی بنی‌صدر، رئیس‌جمهور سابق و مسعود رجوی رهبر مجاهدین خلق می‌باشد در این طرح گفته شده است که باید دو کشور طرف مقابل تشکیل گردد، نیروهای دو کشور به پشت مرزهای بین‌المللی بازگردند، و بعد از آن هر دو طرف به یک دادگاه بین‌المللی مراجعه نمایند \* \* \*

مناسبت روز جهانی کارگر قرائت شد.

کانادا

مراسم اول ماه مه در کانادا توسط سه سندیکای بزرگ F.I.Q. و C.S.N. (سندیکا‌های کارگری) و C.E.Q. (سندیکای مدرسین و معلمان) و با شرکت گروهها و جمعیت‌های مختلف سیاسی برگزار شد که انجمن دانشجویان مسلمان کانادا نیز در آن شرکت نمود.

مردم روبرو گردید \* \* \*



ایران در عراق بانی استرک‌الاسلامون کی بنیاد مجاهدین کرد



# شیوه‌های ابداعی رژیم خمینی برای چپاول هرچه بیشتر مردم

بقیه از صفحه ۵

جانب شرکت مخابرات، مندرج در کیهان ۸/آبان/۶۱ تعداد کسانی که تا سال ۵۷ ودیعه - به مبلغ ۲۲۰۰ تومان - پرداخت کرده‌اند و هم اکنون فیش تلفن در دست دارند ولی هنوز به آن‌ها اشتراک تلفن داده نشده است، بالغ بر ۳۵۰ هزار نفر می‌باشد. بدین ترتیب مبلغ (۷۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰) هفت میلیارد و هفتصد میلیون ریال از پول‌های مردم از سال ۵۷ در دست رژیم خمینی انباشته شده در حالیکه هنوز به آن‌ها تلفن داده نشده است! همچنین تعداد ۳۵ هزار نفر - فقط در تهران - مشمول پرداخت ۴۵۰۰ تا ۵۰۰۰ تومان عوارض اجباری ابداع تازهی رژیم شده‌اند که رژیم مجموعاً - فقط در سطح تهران - مبلغ (۱/۶۶۲/۵۰۰/۰۰۰) یک میلیارد و ششصد و دو میلیون و

پانصد هزار ریال به جیب زده‌است. دو ماه پس از این اقدامات، در تاریخ هجدهم بهمن‌ماه ۶۱ نیز شرکت مخابرات اعلام کرد که تا پایان سال جاری ۵۰ هزار شمارهی تلفن جدید در سراسر کشور واگذار خواهد کرد که مطابق قانون! جدید "خمینی ساخته" علاوه بر ودیعه‌های دو هزار و دویست تومان معمول، ۵۰۰۰ تومان نیز هزینهی نصب از مشترکین دریافت خواهد کرد، که از این بابت نیز مجموعاً (۲/۳۷۵/۰۰۰/۰۰۰) دو میلیارد و سیصد و هفتاد و پنج میلیون ریال نصیب رژیم خمینی خواهد شد. بدین ترتیب شرکت مخابرات رژیم خمینی که به وسیله‌های برای چپاول مردم تبدیل شده است، تنها طی سال گذشته - صرفنظر از عوارض ماهیانه‌ای که بابت حق اشتراک و ۲ هزار تومان‌هایی که بابت ودیعه از

سال ۵۷ از مردم دریافت کرده و صرفنظر از ۴۵۰۰ تومان عوارض اجباری که از دهها هزار مشترک تلفن در شهرستان‌ها اخذ نموده - بیش از ۴ میلیارد ریال از دسترنج مردم را به یغما برده‌است.

## ۱۴۰ درصد افزایش نرخ فروش ارز تحت عنوان عوارض

در تاریخ هجدهم اردیبهشت ماه جاری، بانک مرکزی رژیم، در پیچه‌ی دیگری را به روی چپاولگری‌های خمینی گشود و طی یک اطلاعیه‌ی رسمی که تحت عنوان تسهیلات ویژه‌ی ارزی! برای مسافرین انتشار یافت اعلام کرد:

"با توجه به بودجه‌ی سال ۱۳۶۲ هنگام فروش ارز توسط بانک فروشنده‌ی ارز، در مقابل هر دلار، ۱۲۰ ریال نیز بابت درآمد دولت ناشی از فروش ارز از مسافرین اخذ و به حساب خزانه واریز خواهد شد. از دانشجویان، بیماران و مسافرین توره‌های وزارت ارشاد از هر دلار معادل ۴۰ ریال اخذ خواهد شد. مقررات جدید از سه‌شنبه ۲۰ اردیبهشت قابل اجراست."

البته یکماه قبل از آن (در تاریخ ۱۹/فروردین‌ماه) رئیس خائن بانک مرکزی خمینی به منظور فراهم کردن مقدمات بهره‌برداری از این شیوه‌ی جدید چپاول، بازسازی مناطق جنگی را بهانه‌ی این فقره از دزدی‌های رژیم اعلام کرده بود، حال آنکه علت اصلی این اقدام چپاولگرانه فی‌الواقع ورشکستگی رژیم و کسری شدید بودجه‌ی سال ۶۲ رژیم می‌باشد که در اطلاعیه‌ی بانک مرکزی کاملاً مشهود است.

ملاحظه می‌کنید که رژیم خمینی به ازای فروش هر دلار که قیمت رسمی آن مطابق نوشته‌ی روزنامه‌های خود رژیم ۸۵/۶۵ ریال می‌باشد، مبلغ ۱۲۰ ریال یعنی حدود ۱/۵ برابرش آن عوارض می‌گیرد به عبارت دیگر بدون این که به افزایش نرخ فروش ارز اعتراف کند، عملاً قیمت آن را برای مسافرین... به بیش از دو برابر و نیم - ۲۵۰/۶۵ ریال - افزایش داده و تازه با وقاحت تمام از تسهیلات ارزی جدید هم دم می‌زند!

آنچه مسلم است، رژیم خمینی با استفاده از این شیوه‌های چپاولگرانه، مبالغ هنگفتی از مردم اخذ کرده و به جیب می‌زند که این راه کسب درآمد بخصوص در شرایطی که مردم نه تنها برای تأمین درآمدهای مالیاتی رژیم که در

بقیه از صفحه‌ی اول

بمب‌وراکت و موشک‌برعلیه‌آبادی‌ها، شهرها و مردم بی‌دفاع هردو کشور را اگیداو در هر شرایطی محکوم شناخته‌است، اکنون امیدوار است که تصمیم گاملا بجا و ضروری شما دایر بر اعزام هیئت تحقیق، هرچه سریع‌تر عملی شده و نتایج آن تماماً در معرض قضاوت افکار عمومی جهان قرار گرفته و به چاره - جوئی فوری ملل متحد منجر گردد.

### آقای دبیرکل

بخوبی می‌دانید که ابعاد جنگ ایران و عراق که اکنون تنها رژیم ضد انسانی خمینی، بی‌اعتنا به تمامی ضوابط و قطعنامه‌های ملل متحد و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، خواستار ادامه‌ی آن است، نه تنها جان و امنیت میلیون‌ها تن از ساکنان هردو کشور را تهدید نموده و پیوسته باعث تلفات جانی و خسارات مالی عظیم می‌شود؛ بلکه دقیقاً بر ضد صلح منطقه و تمامی جهان، پیوسته ابعاد تازه‌ای بخود می‌گیرد و حتی سلامت محیط زیست و امنیت ساکنان پیرامون خلیج فارس را نیز به خطر انداخته است. علیهذا پی‌گیری شما برای ممانعت از آسیب‌های جانی و مالی وارده به غیرنظامیان هردو کشور، قدم بسیار موثر و مثبتی است که بی‌شک از حمایت همه‌ی طرفداران صلح در منطقه و جهان و بویژه ملت اسیر ایران نیز برخوردار خواهد بود.

آقای دبیرکل

فرصت را مغتنم شمرده و در

راه ارضاء قدرت طلبی‌های خمینی صرف می‌شود، هیچگونه تمایلی نشان نمی‌دهند، بلکه مدت‌هاست که به طرق مختلف منجمله با مبارزه‌ی منفی و با نپرداختن مالیات‌ها و عوارض گوناگون، نارضایتی و مخالفت خود را ابراز می‌دارند، از اهمیت ویژه‌ی برخوردار است. رژیم خمینی با سود جستن از چنین شیوه‌های بدیع!! و خائنانه‌ی، مقادیر هنگفتی از پول و سرمایه‌های مردم را به حلقوم گشاد چپاولگری‌های خود می‌ریزد و از این طریق اولاً تا مدتی کمبودهای مالی‌اش را جبران می‌نماید و ثانیاً با بیرون کشیدن این مبالغ هنگفت از

## تلگراف مسئول شورای ملی مقاومت به دبیرکل ملل متحد درباره محکومیت هرگونه حمله و تیراندازی به غیرنظامیان در جنگ ایران و عراق و پشتیبانی از هیئت تحقیق ملل متحد

جهت تسهیل اقدامات بشر - دوستانه‌ی آتی شما در این رابطه و برای این که هرچه زودتر بتوانید وسایل و چاره‌جویی‌های ضروری برای متوقف شدن تلفات وارده بر غیر نظامیان را مهیا کنید، به اطلاع می‌رسانم که در برابر تاکیدات اینجانب مبنی بر "مصون داشتن و امنیت شهرها، دهکده‌ها و مردم بی‌دفاع ایران" از هر تیراندازی و حمله‌ی نظامی و تصریحات مکرر بر این اصل اساسی که حمله به غیر نظامیان در هیچ شرایطی و تحت هیچ عنوانی موجه نیست، نایب نخست‌وزیر و وزیر خارجه‌ی کنونی عراق در خاتمه‌ی ملاقات و بیانیه‌ی مشترکمان در ژانویه گذشته اعلام نمود که: دولت عراق، حتی در صورت ادامه‌ی جنگ بازهم آمادگی دارد با رژیم خمینی در مورد منع هرگونه حمله و تیراندازی متقابل به غیرنظامیان و شهرها و روستاهای دو کشور، توافق نموده و معاهده‌ای نیز به امضاء برساند...

به این ترتیب امیدوارم سازمان ملل متحد و شخص شما با مداخله‌ی فوری خود بتوانید در این جهت قدم‌های موثری برای نجات جان و تأمین امنیت میلیون‌ها تن از ساکنان هر دو کشور برداشته و قبل از آن که فجایع مهتم‌رودر دنا کتری بوقوع بپیوندند، پیشاپیش چاره‌ای بیابید.

باتشکر و احترام مجدد مسعود رجوی

مسئول شورای ملی مقاومت

۲۵/اردیبهشت/۱۳۶۲

۱۵/۴م/۱۹۸۳

دست مردم، حجم پول در گردش در جامعه را پائین می‌آورد تا تورم فزاینده‌ی ناشی از سیاست‌های خائنانه‌ی تاراج نفت و چاپ بدون پشتوانه‌ی اسکناس را که گریبان اقتصاد ورشکسته‌ی او را گرفته است کاهش دهد. بیهوده نیست که این شیوه‌ها به شدت به مذاق سردمداران رژیم خوش آمده و هر روز در پی کشف و ابداع راه جدیدی برای اخذی هرچه بیشتر از مردم هستند تا آنجا که حتی مناسک حج و دیگر مراسم و مناسبت‌های مذهبی مردم را نیز به ممری برای کسب درآمد تبدیل کرده‌اند!!

\*\*\*

مدیر امور تلفن شهری: بعنوان هزینه تسب

### کلیه مشترکین تلفن بعد از ۲۲ اسفند ۵۵ باید ۴۵۰۰ تا ۵۰۰۰ تومان بپردازند

وی پس در رابطه با تعداد مشترکین تلفن و کسانی که ودیعه سرودند افزود در تهران فعلاً حدود ۳۰۰ هزار نفر فیش تلفن در دست دارند و این تقاضاها مدیر عامل مخابرات در زابل: تایید آن سال جاری بیش از ۵۰ هزار کشور واگذار می‌شود

سراسر کشور واگذار می‌شود

زاهدان - از آغاز دهه فجر تا پایان سال جاری بیش از ۵۰ هزار شماره تلفن جدید در سراسر کشور واگذار می‌شود

مدیر عامل شرکت مخابرات: طی یک ماه از ۱۷۹۳۰۰ تا ۱۸۰۰۰۰ شماره تلفن جدید واگذار می‌شود

ساز پروزی انقلاب، اعلام کرد که طرف همکاری با آینده جنوب شماره تلفن متقاضیان سراسر کشور تهران و حدود ۱۰۰ هزار نفر نیز به این فیش اضافه خواهد شد. وی افزود: که بیشتر این تلفن‌ها در اختیار افراد قرار می‌گیرد.

یکشنبه ۹ آبان‌ماه ۱۳۶۱ - شماره ۱۶۸۵۵

نحوه دریافت هزینه نصب تلفن ۳۵ هزار مشترک اعلام شد



## نمایش "مبارزه با اعتیاد"!

## در خدمت اهداف پلید و ضد بشری خمینی

بقیه از صفحه ۴

انبوه مشکلات و تضادهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی آن جستجو کرد که در عین حال بازتابی از ماهیت به غایت ارتجاعی و عملکردهای جنایتکارانه و ضد بشری خود رژیم و مقاومت انقلابی مسلحانهی سراسری خلق در جهت سرنگونی این رژیم پوسیده می باشد. اما آنچه مسلم است، اگرچه رژیم خمینی همواره از اقداماتی مانند همین مورد به اصطلاح "مبارزه با فساد" برای سرپوش گذاشتن بر سایر مشکلات و بحران های استفاذه کرده است ولی متقابلا همین اقدامات همچون مردابی هر روز بیشتر پیرامون او را فرا گرفته، بطوریکه امروز دیگر هیچ راه نجاتی برایش متصور نیست.

\* \* \*

حال با توجه به اهداف ضد خلقی و شیوه های سرکوبگرانه و ضد انسانی که رژیم خمینی در این زمینه دنبال می کند، باید دید که این معضل اجتماعی چگونه و بر اساس چه دلایلی این چنین در میهن ما گسترده شده است که رژیم خمینی تنها در یک روز صدها تن از معتادین را دسته دسته در خیابان ها دستگیر می کند و برای به اصطلاح ریشه کن کردن آن، آن ها را به تخت شلاق می بندد! و به تبعید و حبس و اعدام محکوم می کند؟! واقعیت اینست که مسائلی چون اعتیاد، دزدی، فحشاء، قتل و... صرفا مسائلی فردی و شخصی نیستند بلکه هر کدام اساسا معضلی اجتماعی هستند که بخش جدائی ناپذیری از مجموعه روابط اقتصادی و اجتماعی موجود را تشکیل می دهند. روایاتی که به دلیل بنا شدن بر غارت و چپاول و سرکوب خلق و تباہ کردن حرث و نسل مملکت، روز به روز مردم محروم ما را با فقر و محرومیت و فشار بیشتر مواجه می کند، و به بیکاری، آوارگی، فقر، گرسنگی و... دامن می زند و شرایط را برای شکل گرفتن و گسترش فساد (در مفهوم عام خود) به سرعت فراهم می کند. البته در این زمینه، اختیار و مسئولیت فردی هم جای خاص خود را دارد اما در بررسی مسئله اعتیاد - و موارد

مشابه - عامل اجتماعی و زمینهی جامعه شرایط را برای گرفتاری و درماندگی فراهم می کند و در واقع چیزی است خارج از حیطهی مقدرات شخصی. درست مثل اینکه شما وارد منطقه طاعون زده ای شوید. طبیعی است که در این منطقه

زمینه برای مبتلا شدن شما به طاعون بسیار فراهم است. در میهن خودمان نیز وقتی نگاه می کنیم، اکثر کسانی که به دامن چنین گرداب های خانمان براندازی گرفتار می شوند در واقع عمدتا اقداماتشان در اساس از روی اضطرار و در اثر حاکمیت ظلم و نابرابری و استثمار و به عبارت دیگر در اثر بیکاری و آوارگی و فقر و گرسنگی ای است که خمینی دژخیم بر سراسر میهن ما گسترده است.

برای روشن شدن ابعاد فاجعه ای که در اثر سیاست های خانمانه ی خمینی تنها در این زمینه به خلق ایران تحمیل شده بد نیست مجددا اشاره کنیم که طبق آماری که خود رژیم تا بحال در این زمینه منتشر کرده است، هم اکنون بیش از یک میلیون معتاد در ایران وجود دارد و از آغاز حاکمیت ننگین خمینی تاکنون میزان اعتیاد به مواد مخدر ۲۹ برابر شده است (به نقل از اطلاعات چهارشنبه ۲۴/ فروردین ۶۲) در حالی که به نقل از رژیم خمینی تعداد معتادان کشور چین هنگامی که آن کشور تحت استعمار انگلستان بود و استعمارگران بریتانیایی برای پیشبرد اهداف غارتگرانهی خود هزاران کیلو تریاک را روزانه وارد آن کشور می کردند، نیز نزدیک به یک میلیون نفر بود. حال آنکه جمعیت آن کشور در همان موقع بیش از ۶۰۰ میلیون نفر بود. ملاحظه می کنید که خمینی چگونه مضافا بر تمامی فشارهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی که بر

آری خمینی با به راه انداختن یک جنگ خانمانسوز و با اصرار خائنانه بر ادامه و گسترش آن، بیشترین امکانات و سرمایه های یک خلق را به کام قدرت طلبی ها و جنگ افروزی های خود کشید و میلیون ها نفر را آواره و بیکار و بی خانمان کرد. خمینی با به تاراج دادن نفت ایران و با چپاول سرمایه های ملی و دسترنج مردم زحمتکش میهنمان، فقر و محرومیت روزافزون را بر آن ها تحمیل کرد. خمینی توسط مشتاق غارتگر، با دزدی های نجومی و با درست کردن مجموعه های غارت و

مردم و میهن ما روا داشته است، تنها در این زمینه فساد ناشی از اعتیاد را ۲۹ برابر افزایش داده و تنها در یک جمعیت ۴۰ میلیونی، بیش از یک میلیون نفر را قربانی خیانت ها و جنایت های خود و سیاست های رژیم ضد بشری اش نموده است

در واقع رژیم خمینی در طرح مسائلی چون "مبارزه با اعتیاد" و بیکارگیری شیوه های قرون وسطائی سرکوب و بعد هم به راه انداختن تبلیغات گسترده و دامن زدن هر چه بیشتر به آن، در پی آنست که از یک طرف بحران های فزاینده ی اقتصادی و اجتماعی گریبا نگیرش را تحت الشعاع چنین مسائلی قرار دهد و از طرف دیگر با به نمایش گذاشتن شیوه های سرکوبگرانه اش فضای رعب و وحشت را بیشتر حاکم گرداند.

چپاول بزرگی چون بنیاد غارتگران (مستضعفان!)، میلیارد میلیارد اموال این خلق ستمدیده را به یغما برد. خمینی با به تعطیل کشاندن کارخانه ها و مراکز تولیدی و انهدام بخش اعظم تولید کشور، بیکاری، این خورده جان اجتماع را برای مردم ما به ارمغان آورد.

و نتیجه اش آن شد که پس از ۴ سال بیش از سه میلیون نفر

مضافا بر اینکه بخش اصلی قربانیان این فاجعه را، نیروهای جوان و مولد جامعه تشکیل می دهند که به کام مرگ و نیستی کشیده شده اند. بطوری که طبق یک بررسی آماری که خود رژیم به عمل آورده بیش از ۸۰ درصد معتادین از گروه سنی زیر ۳۰ سال - یعنی نیروی اصلی مولد در جامعه - هستند. (به نقل از اطلاعات ۲۰/ دی/ ۶۰)

یکنه ۳۰ دیماه  
۱۳۱۰ - شماره ۱۶۶۲۳

پروژه ای از مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی وزارت فرهنگ و آموزش عالی (۱)

**اعتیاد، غولی که جامعه را دود می کند!**

کمره سی	تعداد	درصد
۱۶-۲۰	۹	۲۳.۳۱
۲۱-۲۵	۴۲	۳۴.۱۴
۲۶-۳۰	۴۸	۳۹.۰۲
۳۱-۳۵	۱۶	۱۳.۰۰
۳۶-۴۰	۳	۲.۴۳
۴۱-۵۰	۳	۲.۴۳
۵۱-۶۰	۱	۰.۸۱
۶۱-۷۰	۱	۰.۸۱
جمع	۱۳۳	۱۰۰

آواره شده و از هستی و نیستی خود ساقط شدند، بیش از ۵ میلیون نفر بیکار گردیدند، گرانی و تورم سراسر زندگی مردم را احاطه کرد و از حداقل نیازهای اولیه ی زندگی محروم شدند. فقر و گرسنگی اقشار وسیعی از خلق را در بر گرفت و زندگی فلاکت باری بر محرومین جامعه تحمیل شد، و خلاصه رژیم خمینی - این شجره ی خبیثه - دست های ظلم و ستم و غارت خود را در تمام شئون سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و... جامعه ی ما گستراند و اینچنین زمینه های رواج و گسترش فساد، اعتیاد، فحشاء، دزدی و... را برای میهن ستمدیده ی ما به ارمغان آورد.

## نقش مستقیم کارگزاران

## رژیم در گسترش اعتیاد

البته همانطور که قبلا اشاره نمودیم همکاری و همدستی مزدوران رژیم، مخصوصا پاسداران و کمیته چپی ها با عاملین اصلی قاچاق در گسترش اعتیاد نقش بسیار زیادی داشته و دارد. گزارشات و اعترافات ارگان های رسمی خود رژیم در این زمینه بسیار گویاست بطور مثال تنها در یک نمونه، روزنامه ی اطلاعات چنین می نویسد: "هنوز در سرآسیاب دولاب، هروئین تازه از لابراتوار خارج نشده، بدست معتادها می رسد. آیا در این منطقه یک لابراتوار بزرگ زیرزمینی وجود دارد؟" (اطلاعات ۲۷/ فروردین/ ۶۲) مسئله کاملا روشن است. در شرایطی که خمینی فضای اختناق مطلق را بر جامعه حاکم کرده است و هر کوجه و خیابان بطور مرتب به محاصره ی مزدوران خمینی در می آید و فی المثل تنها در یک روز صدها تن به جرم اعتیاد توسط همین مزدوران دستگیر می گردند، چگونه ممکن است چنین لابراتوارهای بزرگ سازنده ی هروئین، بدون دست اندر کاری وابستگان رژیم، حتی یک ساعت به کار خود - آنهم در ابعاد وسیع - ادامه دهند. و حالا بعد از این همه جنایت مستقیم و غیرمستقیم، با کمال وقاحت و تحت عنوان پرطمطراق "مبارزه با مظاهر فساد!!" به شیوه های قرون وسطائی متوسل گردیده و گروه گروه به جرم "مفسد فی الارض"!! می گیرد و می بندد و یا اعدام می کند. از میان تبلیغات موهن رژیم در این روزها نیز بخوبی پیداست که تمام کسانی که در این روزها



# نمایش "مبارزه با اعتیاد" در خدمت اهداف پلید و ضدبشری خمینی

مفسدین خونخوار کسانی جز خمینی و سردمداران و سرسپردگان رژیم ضدبشری اش نیستند. چرا که هر قتل و جنایت و هر اعتیاد و دربدری که در این مرز و بوم ستمدیده بوقوع می پیوندد، منشاء از سیاست های خائنانه ی رژیم خمینی می گیرد. همان طور که رژیم در صحنه ی سیاست داخلی به سرکوب و شکنجه و کشتار می پردازد و در صحنه ی سیاست خارجی به جنگ طلبی و جنگ افروزی اقدام می کند، در صحنه ی اجتماعی نیز با عملکردهای خائسانه اش چنین فجایی را به ارمغان می آورد.

آری در یک کلام اینگونه فسادها و گسترش سرسام آور آن از آثار شوم سلطه ی اهریمنی خمینی است که در هر کوی و برزن این آب و خاک گسترده است. همانطور که آثار شوم سیاست های اقتصادی او در هر جا وجود دارد.

\*\*

بی رحمانه ی آنان - به عنوان مفسد فی الارض! - می پردازد. در حالی که بیش از یک میلیون نفر گرفتار به اعتیاد، هم اکنون بدون کمترین کمبود مواد مخدر از جانب پخش -

"دادگاه مرا به جرم داشتن ۱۵ گرم هروئین محکوم به حبس ابد کرده است." (کیهان ۲۲/اسفند/۶۱) و بدین گونه است که رژیم سراسر فساد و جنایت خمینی

**فاسدان واقعی، جنایتکاران حرفه ای و مفسدین خونخوار کسانی جز خمینی و سردمداران و سرسپردگان رژیم ضدبشری اش نیستند. چرا که هر قتل و جنایت و هر اعتیاد و دربدری که در این مرز و بوم ستمدیده بوقوع می پیوندد، منشاء از سیاست های خائنانه ی رژیم خمینی می گیرد.**

کنندگان اصلی آن (سردمداران و پاسداران رژیم) همچنان از این ماده ی مرگبار تغذیه می شوند و در دستگاه حکومتی سراسر فساد خمینی نیز تبه کارانی چون صادق طباطبائی آزادانه و بدون هیچ محدودیتی به قاچاق مواد مخدر و استفاده ی بی حد و مرز از آن می پردازند. اما به حق که فاسدان واقعی، جنایتکاران حرفه ای و

از یک سو با سیاست های خائنانه، جنگ طلبانه و وطن-فروشانه ی خود باز هم هر چه بیشتر به بیکاری، آوارگی و فقر و گرسنگی دامن می زند و زمینه های رواج و گسترش فساد و فحشاء و اعتیاد و ... را در جامعه ی ما فراهم می سازد و از سوی دیگر با توسل به شیوه های ضدبشری که از ماهیت مافوق ارتجاعی اش سرچشمه می گیرد به سرکوب

مشهود است. زن معتادی که هم اکنون در زندان قصر دوران محکومیتش را می گذراند درباره ی وضعیت خود چنین می گوید:

"من به جرم داشتن سه گرم و نود سانت هروئین به ۱۲ سال زندان محکوم شده ام و الان مدت ۵ ماه است که در زندان بسر می برم جرم من توزیع هروئین است اما خدا شاهد است من از اول پخش کننده ی هروئین نبودم ... آرزو دارم برای رسیدگی به دختر ۱۲ ساله ام که هیچکس جز من ندارد زودتر آزاد شوم."

(کیهان ۲۲/اسفند/۶۱) یک جوان معتاد در زندان قصر نیز می گوید:

"... به علت اعتیاد و بیکاری از اهواز به تهران آمدم و برای تامین خرج اعتیاد و مخارج زندگی مجبور به فروش هروئین شدم." فرد دیگری در همین زندان درباره ی علت محکومیت خود چنین می گوید:

بدست مزدوران خمینی به جرم اعتیاد دستگیر شدند، شلاق خوردند، به اردوگاه های کوبری تبعید شدند و یا اعدام گردیدند، مردمانی از جنوب شهر و از مناطقی چون کوه عرب ها، حوادیه، باغ آذری، رباط کریم، یاعچی آباد و ... بودند که مسیرهای اصلی و پر مشتری محاکم سیار خمینی را تشکیل می دادند و زن و مرد و پیرمرد ۸۵ ساله و جوان ۱۸ ساله نیز از مجازات این محاکم خیابانی در امان نبودند.

## نگاهی به زندگی

### فلاکت بار معتادان

واقعیت فوق را در زندگی معتادان بخوبی می توان دید. وقتی آن ها زندگی خود را بازگو می کنند، فقر و فلاکت و بدبختی محیطی که رژیم خمینی در اثر سیاست های خائسانه اش بر آن ها و بر تمامی مردم ستمزده ی جنوب شهر تحمیل کرده کاملاً

**اطلاعات**

شماره ۲۹ فروردین ۶۲  
شماره ۱۳۳۲ - ۱۳۳۱

**دینی تصویب شورای عالی قضایی**

**بیش از یکصد معتاد و لگرد، در ملاء عام، شلاق خوردند**



**اعتیاد به مواد مخدر یک پدیده نذرت انگیز سیاسی - استعماری است**

- \* ۶۱ هزار تنه احداث هر واحد مسکونی را یک میلیون تومان بگیریم، با مخارجی که صرف اعتیاد آشکار کشور می شود، می توانیم در هر سال ۳۶ هزار و ۵۰۰ واحد منزل مسکونی احداث کنیم.
- \* ۲۰۰ هزار تن از معتادان کشور ما دارای زن و فرزند هستند.
- \* در حالیکه تعداد معتادان کشور ۵۰۰ معتاد ایران یک نفر افزایش یافته برای هر ۵۰ معتاد ایران یک نفر فرستاده مواد مخدر وجود دارد.

**افزایش اعتیاد در میانه اردیبهشت ماه سال گذشته گفته شد که طی ۳ سال گذشته ۱۹۰۵ کیلوگرم مرفین، ۴۹۰۲ کیلوگرم تریاک، ۶۸۶۵ کیلوگرم حبشینی کف شده و در پیوند با آن ۳۰۷۵۸ مرد و ۱۷۳۵ زن دستگیر گردیده اند. بر پایه یک برآورد جنسی دیگر تعداد معتادین کشور ۲۹ برابر افزایش یافته است.**



**سرکوب بی امان قاچاقچیان مواد مخدر پدیده ننگین اعتیاد را محومی کند**

آمار کشتیاب مربوط به مواد مخدر، هر روز تکانه های تازه ای در مطبوعات کشور ملاحظاس می یابید.

آیا بود افزایش کشتیاب مواد مخدر یا اثر گسترش سلزوه با اعتیاد آرتنان جامعه ما است یا نالافتد فریز پرسیافته و فلاکت آوری که در سکر مواد مخدر پدید آمده!

**اعتیاد به مواد مخدر بر زمینه برانهای اقتصادی و فرهنگی رشد و گسترش می یابد**

**رشد سیاسی - اقتصادی قاچاق مواد مخدر و اعتیاد (۱)**

**اطلاعات**

شماره ۲۹ فروردین ۶۲  
شماره ۱۳۳۲ - ۱۳۳۱



## دو چهرهٔ ماورای ارتجاعی خمینی

بقیه از صفحه ۲

داشت. انجمن ضدبهاشی موسوم به حجتیه و سایر شرکاء از پایه‌های تمایل فوق بشمار می‌رود که قضایای مربوط به سروکول یکدیگر پریدن آن با حزب توده را همه می‌دانند. بهر حال، بدون اینکه بخواهیم وارد تحلیل خواب و خیال‌های رژیم خمینی و "خرده جناح‌ها"ی آن در این سرمقاله بشویم؛ از آنجا که فوقاً نیز اشاره کردیم که درباره‌ی منشاء و ماهیت نظریه‌های مختلف در قبال جناح‌ها و تضادهای درونی رژیم خمینی، بیشتر بحث خواهیم نمود؛ می‌خواهیم ببینیم که نقش شخص خمینی در این میان چیست و تعادل بین جریان‌های مختلف (برای حفاظت از کل رژیمش) را تاکنون چگونه حفظ کرده است؟! اما قبل از پاسخ به این سوال ضرورتاً باید یادآور شد که ما تضادهای درونی رژیم را در یک چارچوب واقع‌گرایانه‌ی انقلابی بررسی می‌کنیم و منظور از اشاره به جناح‌ها و یا خرده‌جناح‌های رژیم، به هیچوجه بیان دو پایگی آن نیست که فی‌المثل روزی بتواند به رفرم منجر شود. خیر، رژیم در مانده‌ی خمینی از چنین مراحل گذشته و تضادها در داخل رژیمی عمل می‌کند که مدت‌هاست یکپایه شده و لذا هر رفرم جدی در این وضعیت یکپایه، به شکافی منجر خواهد شد که ناگزیر سقوط تمامی رژیم را در پی دارد.

### نقش خمینی

در این میان، نقش شخص خمینی اینست که با اعمال "ولایت" بین جناح‌های مختلف، تقسیم‌گاری نموده و تعادل برقرار نماید.

به این معنی که در امور اقتصادی و اجتماعی و کلیه‌ی مبادلات و معاملات و چپاول‌های نجومی، دست "تمایل" محافظه‌کار وابسته" را، باز می‌گذارد و از طریق ارگان‌هایی مانند شورای نگهبان، طرف آنها را می‌گیرد و طبق خواست آنها پیش می‌رود، اما در صحنه‌ی سیاسی و بویژه در شکنجه و سرکوب و اعدام - به ضرب فتوا هم که شده - تمام عیار، فاشیسم ضد بشری و تمایل خالص "خط امام" را تقویت می‌کند. چنین است که در قالب کلیت نظام، تمایلات مختلف در شخص خمینی به یکدیگر گره می‌خورند و همگام می‌شوند و یا به قول خودشان در مقام "ولایت" به وحدت!! می‌رسند. و

این همانا دو چهره‌ی ماوراء ارتجاعی خمینی در زمینه‌ی اقتصادی - اجتماعی و در صحنه‌ی سیاسی است. اکنون در این چارچوب می‌توان حرف‌ها و اعمال کاملاً متضاد خمینی را بهتر توضیح داد. او از یکسو نظر شورای نگهبان را جزء "حکام اولیه" دانسته لذا "بند ج" (اصلاحات ارضی) را که مجلس ضداسلامی نیز تصویب کرده بود، پاره می‌کند و از سوی دیگر پیوسته مجلس را "عصاره‌ی انقلاب" دانسته و "بالا ترین ارگان" می‌خواند. از یکسو دست بازاریان حزب جمهوری را در چپاول و غارت بی‌حد و حصر، کاملاً باز می‌گذارد و از سوی دیگر برای "گوخ‌نشینان" نیز سینه چاک می‌کند. از یکسو فرمان‌آمده‌های صادر می‌کند و از سوی دیگر می‌گوید: "اگر سپاه نبود، کشور نبود!" و بعد هم بلافاصله موسوی تبریزی، لاجوردی و گیلانی جنایتکار را برای هر چه تیزتر کردن تیغ اعدام به جماران می‌خواند. از یکسو صادق طباطبائی را به اسرائیل می‌فرستد و اسلحه می‌خرد و از سوی دیگر شعار "آزادی قدس" می‌دهد! اگر چه در همین حال - بویژه در موارد بحرانی - دستش کاملاً رو می‌شود. کما اینکه یکبار صیاد شیرازی فرماندهی خائن نیروی زمینی ضمن اشاره به اینکه جناح‌های مختلف رژیم در جریان اشغال بیروت توسط اسرائیل در بن‌بست قرار گرفته بودند، گفت: "امام ما را از اشتباه بیرون آوردند، ما فهمیدیم که مسئله‌ی اول جنگ با عراق است و نه آزادی فلسطین!"

در رابطه با همین دوگانگی و سرمنشاء آن و چهره‌های متضاد و ماوراء ارتجاعی خمینی بود که برادر مجاهد مسعود رجوی در سلسله مصاحبه‌های خود در دومین سالگشت انقلاب (در بهمن ماه ۵۹) گفت: "... این دوگانگی‌ها است که امروز می‌بینیم سرمنشاء یک جریان محیرالعقول دیگری نیز در کشور شده است. یعنی در حالیکه در هیچ جای دنیا و تاریخ رسم نبود که آدم زنده را "تفسیر و تاویل" کنند، خط امام، مدعی‌ها و تفسیرهای گوناگون و اغلب متفاوت پیدا کرده است! کسی هم که بطور نظری منکر مالکیت خصوصی است خود را در خط خالص امام می‌داند، آنکس هم که هم به مالکیت محدود و راه سوم میان کاپیتالیسم و سوسیالیسم وابسته است، ادعای خط امام

را دارد! و سومی هم یک فتوای مههور به امضاء و مهر امام در دست گرفته و در شهر و روستا، از این کوی به آن کوی می‌چرخاند و مدعی است که "بنا به فتوای ایشان مالکیت مکتسب از راه حلال، هیچ حد و مرزی در اسلام ندارد!" و کسی هم نیست که به جمع این آقایان مفسرین بگوید: در حالیکه امام حضور دارد، چرا نمی‌روید و از خودشان نمی‌خواهید که دعوی را حل کند؟". تصویر برادر مجاهد از نقش خمینی در نظام ولایت سفیانی در ۲ سال پیش، که هنوز رژیم، یکپایه نشده بود، و هنوز آیت‌الله مظلوم! (بهشتی) نقش روی صحنه را ایفا می‌کرد و چهره‌ی گریه خمینی در پشت پرده‌ی "قداست!" مخفی بود، امروز هر چه روشنتر و واضحتر خود را نشان می‌دهد؛ نشان می‌دهد که چگونه خمینی بین جناح‌ها و باندهای مختلف و متضاد، تعادل برقرار می‌کند و آنها چگونه بایستی در ولایت او همگام شده و با یکدیگر گره بخورند.

و باز هم در همین رابطه بود که برادر ما در همان سلسله مصاحبه‌های دو سال و چند ماه پیش خود، البته با بیانی بغایت آرام و محترمانه و متناسب با همان درجه رشد تضاد بین خلق و خمینی، او را مخاطب قرار داده و در رابطه با مسئولیت شخص خمینی گفت: "ایشان بعنوان پیشوا و رهبر، چه از جزء بجز امور کشور اطلاع داشته باشند یا نداشته باشند، چه شخصاً خواسته باشند یا نخواستند، در پیشگاه خدا و خلق و تاریخ، مسئولیت بزرگی به عهده دارند و مسئول نخستین همه‌ی امور مربوط به انقلاب و این خلق و این کشور محسوب می‌شوند. و مگر نیست که در فرهنگ انقلابی اسلام، اختیار و قدرت بخودی خود موجب مسئولیت و ملازم با آن است؟ و مگر نیست که چه در عمل و چه بلحاظ قانونی، اختیارات ایشان، اختیارات فوق‌العاده گسترده‌ایست؟" (تاکید زیر کلمات از ما ست) در پایان این گفتار همچنین شایان توجه می‌دانیم که خمینی برای اعمال "ولایت" ضدملی و ضدمردمی خود و بکار انداختن دو چهره‌ی ماورای ارتجاعی، خود شخصاً و مستقیماً به تک‌تک جناح‌ها و باندهای مختلف رژیمش فتوا و دستورالعمل می‌دهد و به همین دلیل در میهن بخون‌نشسته‌ی ما هر جنایت و رذالتی که اتفاق بیفتد، در بالاترین سطح مستقیماً زیر نظر خمینی است. درست به همین دلیل مجاهدین خلق ایران به خمینی، "جلاد" و "خیانت‌پیشه" می‌گویند. آری همه‌ی جلا دان و چپاولگران، حکم جلا دی و چپاول را از دست او گرفته‌اند.

### اعدام انقلابی یکی از عوامل اختناق و سرکوب رژیم خمینی در شهر لنگرود

خلق پس از پایان موفقیت‌آمیز عملیات، سالم به پایگاه خود برمی‌گردند. قاسم آذربای از عناصر فعال حزب جمهوری در لنگرود بود، وی ضمناً به عنوان مسئول انجمن ضداسلامی، عامل اختناق در محل بوده و در جاسوسی و لو دادن و دستگیری انقلابیون بطور فعال شرکت داشته است. وی همچنین در غارتگری‌های ارگان ضدهفتانی موسوم به جهاد سازندگی نیز سهیم بود. در ضمن آذربای به عنوان مسئول کل تربیت بدنی شهر و روستاهای تابعه‌ی لنگرود، عامل اصلی سرکوب و اختناق برعلیه ورزشکاران نیز بوده است. و نیز وی از طریق نمایندگی فرمایشی باصطلاح شورای شهر اجرای بخشی از سیاست‌های ضد-مردمی رژیم خمینی جلا د در لنگرود را برعهده داشت. بخاطر چنین سوابق ننگینی این مزدور مورد نفرت شدید مردم لنگرود قرار داشت و به همین جهت اعدام انقلابی وی نیز با استقبال و خوشحالی مردم محل مواجه گردید.

بعد از ظهر روز دوشنبه ۱۲/ اردیبهشت / ۶۲ یک واحد عملیاتی از رزمندگان مجاهد خلق در لنگرود، پس از انجام شناسائی‌های لازم، طی یک عملیات انقلابی، قاسم آذربای، یکی از عوامل اختناق و سرکوب رژیم خمینی در شهر لنگرود را به هلاکت می‌رسانند. رزمندگان مجاهد در خیابان پاسداران این شهر، مزدور فوق‌الذکر را به دام انداخته و با شلیک چند گلوله وی را بسزای جنایانش می‌رسانند. رزمندگان مجاهد

### فرماندهٔ عملیات جنگل سپاه ضد خلقی گردکوی بدست رزمندگان مجاهد خلق به هلاکت رسید

عملیات جنگل بود به مدت ۲ سال در سپاه خمینی خدمت می‌کرد، و قبل از آن نیز بعنوان فرماندهی عملیات شهر و مشاور مسئول عملیات سپاه گردکوی سوابق طولانی در خیانت به خلق و خدمت به اهداف ضد خلقی خمینی ضد بشر داشته و بطور فعال در شکنجه و کشتار انقلابیون دست داشته است. رزمندگان مجاهد خلق پس از انجام این عملیات موفقیت‌آمیز بدون هیچگونه خسارت و تلفاتی منطقه را ترک کرده و به طرف پایگاه‌های خود در قلب جنگل رهسپار می‌شوند.

در تاریخ ۶۲/۲/۱۴ رزمندگان مجاهد خلق مستقر در جنگل، طی یک عملیات "کمین"، یکی از فرماندهان جنایتکار سپاه ضد خلقی در گردکوی بنام قاسم جلالی را که در راس یک دسته از پاسداران مزدور در ناحیه‌ی "درازنوی" جنگل‌های گردکوی مشغول گشت و شناسائی بود، به دام انداخته و با رگبار مسلسل، این عنصر جنایتکار را به سزای اعمال ننگین‌اش می‌رسانند و تعدادی از پاسداران همراه وی نیز مجروح می‌گردند. قاسم جلالی که آخرین سمت وی در سپاه ضد خلقی، فرماندهی

افشاء بسیج ضد خلقی و درهم شکستن سیاست جنگ طلبانه و ضدمیهنی خمینی با بکار گرفتن همه اشکال

مبارزه منفی و مثبت، یک وظیفه مبرم انقلابی در مسیر ارتقاء مقاومت و تدارک قیام عمومی است.



## مصاحبه برادر مجاهد مسعود رجوی با حقوق بشر سوسیالیست (فرانسه)

در صفحات ۱۴ و ۱۵

اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق ایران - مرکز کوردستان

در مورد تهاجم انقلابی پیشمرگان  
مجاهد خلق به پایگاه حمران  
در محور سردشت - مهاباد  
و از پای در آوردن بیش از  
۲۰ پاسدار مزدور ضد خلقی

در صفحه ۹

## وعده‌های پوچ و سرکوب واقعی رژیم خمینی در مورد کارگران

با گسترش دامنه‌ی اعتراضات و اعتصابات کارگری، رژیم خمینی روز بروز با مشکلات و معضلات بیشتری روبرو می‌شود. کارگران و زحمتکشان میهنمان که چه به لحاظ وضعیت معیشت و چه به لحاظ اختناق حاکم هر روز در شرایط نامساعدتر و سخت‌تری قرار می‌گیرند و به همین دلیل به موازات مقاومت انقلابی مسلحانه‌ی سراسری، فریاد اعتراض خود را بر علیه رژیم ضد مردمی خمینی رساتر ساخته و بر مبارزات سیاسی - صنفی خود می‌افزایند. متقابلاً رژیم خمینی به دلیل ماهیت خود، تنها و آخرین چاره را در سرکوب بقید در صفحه ۱۰

## معرفی کتاب:



به هوای  
میهن

شعرهای

نعمت میرزازاده (م-آزم)

دفترنهم

در صفحه ۲۰

## متن کنفرانس مطبوعاتی ده افسر، همافر و خلبان پیوسته به سازمان مجاهدین خلق ایران

در صفحه ۷

## نامه ۸۹ نفر از شخصیت‌ها و عناصر مترقی سوئیس به برادر مجاهد مسعود رجوی در حمایت از مبارزه قهرمانانه مردم ایران و شورای ملی مقاومت

در صفحه ۹

## دستاویز تازه رژیم خمینی برای کشتار بیشتر محکومین و تشدید خفقان در زندانهای شیراز

تبلیغاتی، رژیم خمینی در همان حال به تشدید اختناق و شکنجه و حتی اعدام زندانیانی که قبلاً به حبس محکوم شده‌اند، مبادرت می‌کند.

منحمله دادستان جنایتکار شیراز، در جریان تبلیغات مربوط به باصلاح عفو تعدادی از زندانیان این شهر، از کشف شبکه‌ی تشکیلاتی در میان زندانیان "تواب" خبر داده و اعلام نموده است که این عده بقید در صفحه ۹

رژیم خمینی که بخصوص به دلیل اعدام‌های گسترده و کشتار و شکنجه و آزار زندانیان سیاسی مورد تنفر مردم ایران و افکار بین‌المللی قرار گرفته، مدتهاست که نه تنها از اعلام رسمی اعدام‌های گسترده‌ی وقفه‌ناپذیرش خودداری می‌نماید بلکه هر از گاهی به منظور عوامفریبی دست به تبلیغاتی پوچ پیرامون باصلاح نمایش آزادی زندانیان "تواب" می‌زند و این در حالیست که علیرغم چنین

برای ارتباط مستقیم با دفتر برادر مجاهد  
مسعود رجوی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران  
با آدرس زیر مکتب کنید:

B.P.18 95430  
AUVERS-SUR-OISE  
FRANCE

فرانسه

کمک‌های مالی خود را به یکی از حساب‌های زیر واریز نموده  
و حواله‌ی آنرا به یکی از آدرس‌های مقابل ارسال دارید:

Midland Bank plc  
281 Chiswick High Road  
London W4 4HJ  
England  
A-Khodabandeh  
N. 91082078

انگلستان

BANK SOCIETE GENERAL از خارج فرانسه  
N°: 58133126 Mr. EBRAHIM AG. CENTRALE ETRA  
(PARIS FRANCE) code guichet 03002  
B.N.P. PONTOISE 1269652 در داخل فرانسه

هم میهنان!  
در مبارزه برای سرنگونی رژیم ضد بشری خمینی، استمرار و گسترش مقاومت خونین خواهران، برادران و فرزندان مجاهد شما نیازمند حمایت‌های مالی است. حتی از کمک‌های اندک در مسیر تقویت مقاومت فروگذار نکنید و به تاثیرات آن کم بها ندهید. کمک‌های مالی خود را به هر میزان و از هر طریقی که می‌توانید به سازمان مجاهدین خلق ایران، هسته‌های مقاومت و میلیشیای مجاهد خلق برسانید.

برای آبنه شدن "مجاهد" در خارج از کشور فرم زیر را در کاغذ جداگانه‌ی پر کرده و به همراه بهای اشتراک به آدرس پستی زیر ارسال نمایید:

A.E.M B.P49  
75462 Paris CEDEX 10 FRANCE

فرانسه

Nom: \_\_\_\_\_  
Prénom: \_\_\_\_\_  
Adresse: \_\_\_\_\_

بهای اشتراک:

معادل ۱۶۰ فرانک  سه ماهه  
۳۱۰ فرانک  شش ماهه  
۶۰۰ فرانک  یکساله

نامه‌های خود را برای "مجاهد" و هم چنین رادیو "صدای مجاهد" به آدرس‌های زیر ارسال دارید:

انگلستان

BM BOX 9090  
LONDON  
WC1N 3XX  
ENGLAND

اتریش

Pf:6  
1110 WIEN  
AUSTRIA

آلمان

Pf.: 800552  
5\_Köln 80  
W\_Germany

فرانسه

B.P 214  
92108 BOULOGNE  
BILLANCOURT  
CEDEX  
PARIS FRANCE

دستور محوری روز: گسترش هسته‌های مقاومت مسلحانه در سراسر کشور برای انهدام پاسداران سرکوبگر ارتجاع، شکستن طلسم اختناق و تدارک قیام رهائی بخش عمومی